



جمهوری اسلامی ایران

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

## درسنامه

حج در اندیشه امام خمینی (ره)

و

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

معاونت امور فرهنگی

مدیریت آموزش

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۴
مبانی و کلیات.....	۷
۱- چستی اندیشه .....	۸
۲- ضرورت آشنایی با اندیشه امام و رهبری در حج .....	۹
۳- حج و رهیافت‌های مختلف از منظر امام و رهبری.....	۹
۴- دین .....	۱۰
۵- نظریه اندیشه مدون در اسلام.....	۱۱
۵ - ۱ - نظام.....	۱۲
۵ - ۲- بخش‌های یک نظام.....	۱۳
۵ - ۳ - مکانیزم .....	۱۴
۵ - ۴ - حقوق.....	۱۵
۶ - بنیان‌های اندیشه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری.....	۱۷
۶ - ۱ - مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی.....	۱۷
۶ - ۲- مبانی عرفانی امام خمینی(ره).....	۲۱
۶ - ۳ - مبانی کلامی امام خمینی(ره).....	۲۳

۲۵	۶ - ۴ - اندیشه توأمان بودن دین و دنیا
۳۰	حج مطلوب
۳۱	حج مطلوب، حج جامع و دارای ابعاد مختلف
۳۳	۱- ابعاد معنوی
۳۷	۲- ابعاد اجتماعی و سیاسی حج
۴۶	۳- حج مطلوب، حج همراه با برائت
۴۷	۴- حج تجسم یک زندگی آرمانی و زیست موحدانه
۴۸	۵- حج مطلوب سازنده هویت جمعی و اسلامی مسلمین
۵۰	۱ - ۵ - چیستی هویت
۵۲	۲ - ۵ - عناصر هویت
۵۴	۳ - ۵ - مؤلفه‌های تشکیل دهنده «هویت جمعی»
۶۱	آسیب شناسی وضعیت موجود حج
۶۳	آسیب شناسی حج از نگاه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری
۶۳	۱- عدم بهره‌وری و بهره‌گیری مناسب و بهینه از فرصت عظیم حج
۶۴	۲- مهجوریت حج نزد مسلمانان
۶۷	۳- تفرقه و اختلاف
۷۱	۴- اختلافات بین شیعیان و سنیان
۷۲	۵- بحران هویت
۷۳	نشانه‌های بحران هویت
۷۳	۱- ستیز و چالش علیه میراث فرهنگی
۷۴	۲- گسستگی مسلمین از تاریخ گذشته
۷۵	۳- باورمندی به عدم توانمندی و ضعف
۷۶	۴- مقهور و مرعوب فرهنگ بیگانه شدن
۷۷	۵- دور شدن از مبانی و منابع هویت ساز
۸۰	فهرست منابع:

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مقدمه

بدون تردید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نهضت امام خمینی (ره) - که بنیان‌گذار مهم‌ترین بعد جهانی حرکت ایشان نیز هست - احیای حج ابراهیمی می‌باشد. حج یکی از ارکان و اصول دین اسلام محسوب می‌شود که هیچ عمل عبادی نمی‌تواند با آن برابری کرده یا بدیل آن شود. پیامبر اکرم (ص) از کانون حج در گسترش و ترویج آیین اسلام، سرکوبی دشمنان و تحقق عزت و اعتلای اسلام و مسلمانان بهره‌گرفت و آن را به عنوان تجلی‌گاه عظمت و اقتدار پیروان دین الهی، تبلور وحدت و اخوت اسلامی، مرکز فریاد خداپرستی و یکتاخواهی و زمینه‌ساز و تحقق بخش حاکمیت جهانی اسلام در چارچوب امت اسلامی مطرح ساختند.

حج و مناسک پر محتوای آن به عنوان فاخرترین فریضه و حیانی، جلوه آشکاری از اعتلای دین و نمایش دهنده تمامیت اسلام ناب محمدی (ص) است. این مهم در آیین پیامبر اسلام (ص) به عنوان سازوکاری کارآمد در استقرار توحید و خداپرستی و براندازی شرک و بت پرستی مؤثر و مفید واقع شد، اما پس از رحلت آن حضرت، مستکبران حاکم بر جوامع اسلامی و ایادی آنها کژراهه‌های حادث شده - که حقیقت حج و شعارها و نمادهای والای آن را با دنیاخواهی و زیاده‌جویی خود در تضاد و تنافی می‌دیدند - به تحریف و خاموشی پیام بلند و متعالی آن پرداختند و با منحصر کردن حج در یک سری اعمال عبادی و فردی صرف، اسلام و مسلمین را از برکات تعیین‌کننده و اثر بخش آن محروم کرده‌اند و در واقع سرپوشی بر محتوا و روح حقیقی حج گذاشتند.

پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران - که اساساً برای عزت، مجد و عظمت مسلمانان، احیای هویت اسلامی و اندیشه‌های ناب اسلامی، دمیدن روح اخوت اسلامی، صداقت و بیداری در جامعه اسلامی و در یک کلام زمینه‌سازی برای حاکمیت جهانی اسلام و محقق ساختن امت اسلامی بود - سبب شد تا شعائر الهی دوباره در ساحت حیات اجتماعی امت اسلامی مطرح و زنده شوند. در این چارچوب موضوعاتی هم چون مبارزه و جهاد فی سبیل الله، نمازهای جمعه و جماعت، فرهنگ انتظار، نقش مساجد، عزاداری‌های مذهبی و از جمله حج به عنوان کنگره بزرگ جهان اسلام، احیا و به سمت و سوی جایگاه حقیقی خود در حال صیوررت و دگرگونی‌اند. امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) با هوشمندی از ظرفیت‌ها و فرصت‌های ایجاد شده و بیداری اسلامی، با طرح اندیشه احیای حج ابراهیمی (ع) و محمدی (ص) و با هجوم به عقبه‌های استعمار و دولت‌های سلطه در جهان

اسلام، فریاد بازگشت به مجد و عظمت فرهنگی و تمدنی اسلام و هویت جمعی و تاریخی مسلمین را بر بلندای مأذنه‌های جهان اسلام به صدا درآوردند و این امر چشم و جان میلیون‌ها تشنگان حقایق و معارف اسلام ناب محمدی را متوجه حقیقت ناب و تابناک و ذخیره بی بدیل کانون توحید، کعبه معظمه و فریضه فاخر حج نمود. حج در اندیشه حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری برخاسته از نگرش اجتماعی ایشان به آیین اسلام می‌باشد که در دو بعد معنوی و اجتماعی - سیاسی به آن پرداخته‌اند. ایشان در مطالبی پر محتوا و عمیق و برخوردار از ظرایف خاص ادبی، مسئله حج را مورد توجه قرار داده‌اند. بدین گونه در پیام‌ها و صحبت‌هایشان عمیق‌ترین مفاهیم عرفانی - الهی را در قالب ادبیاتی وزین و هنری به کار برده‌اند و روح حج را که بعد سیاسی - اجتماعی آن و تعیین کنندگی سرنوشت مسلمین می‌باشد را احیا کردند.

از نظر ایشان حاصل شدن مراتب معنوی حج، که منشأ اثرات اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی است، منوط به دو امر است. یکی صحیح و شایسته انجام دادن مناسک و اعمال عبادی حج، که در این راستا همواره توصیه نموده‌اند که لازم است حجاج مسایل حج را هم چون واجبات و محرمات نزد علمای اعلام و روحانیون به خوبی فرا گیرند تا اعمال عبادی حج را مو به مو و موافق دستور الهی انجام دهند. دوم توجه به روح عبادت است که همان قرب به حریم عز کبریایی و درک عظمت و جمال و جلال حق تعالی می‌باشد. ایشان در این راستا به رعایت دقیق اموری هم چون قصد قربت، تحول روحی و مبارزه با شیطان نفس، عدم ارتکاب معصیت، اخلاص در عمل، کسب رضای الهی، لزوم توجه و انس با قرآن و توجه دائم به حضور در محضر الهی را متذکر می‌شوند و این که حج را صرفاً برای خدا به جای آورند.<sup>۱</sup> بنابراین تحقق مراتب معنوی حج از نظر ایشان در صحیح و درست انجام دادن ظاهر اعمال و دیگر توجه به حقیقت و روح آنها می‌باشد و در عین حال عینیت یافتن نقش سازنده یا جنبه اجتماعی حج را منوط به تحقق مراتب معنوی حج می‌دانند و جوهره حج را بعد معنوی آن می‌دانند. معنویتی که حج را به عنوان عبادتی اجتماعی نمایان ساخته و مؤثر در سرنوشت جامعه اسلامی است.

حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری با کاربست تعبیری از حج به ابعاد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حج تأکید ورزیدند ادبیات و گفتمان نو که مبین مفاهیم و معانی بلند حج ابراهیمی و محمدی(ص) بوده‌اند را احیا نمودند. تعبیری همانند: کنگره عبادی - سیاسی حج، مجمع عمومی مسلمین و مهم‌تر از همه تعبیر حج ابراهیمی و حج محمدی(ص) معرف جایگاه والای این عبادت عظیم در اندیشه ایشان می‌باشد. و از سوی دیگر با جاری ساختن سنت و سیره بت شکنی حضرت ابراهیم(ع) و حضرت پیامبر خاتم(ص) در حج، آن را دارای باطن‌هایی می‌دانند که باید در زندگی اجتماعی انسان‌ها ظهور یابند. لذا حجی را که فاقد عنصر اثربخشی اجتماعی باشد، حج نمی‌دانند و هدر دادن سرمایه عظیم معنوی و سیاسی جهان اسلام می‌دانند. در کنار آن بر مبنای این اندیشه توحید ناب و

۱. ر.ک، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۸۹-۹۲ و صحیفه حج ج ۱ و ۲.

خالص هنگامی در حج تبلور و تجلی خواهد داشت که بر اساس سنت و سیره نبوی(ص) و ابراهیمی(ع) و آموزه‌های قرآنی علاوه بر بروز جلوه‌های رحمت و محبت و عشق به توحید، تجلی گاه برائت و طرد و نفی تمامی مظاهر شرک و طاغوت باشد. این همان آموزه ماندگار و متعالی حج است که از آن به برائت از مشرکان یاد می‌شود که امام راحل(ره) حج بدون برائت را حج نمی‌دانند و مقام معظم رهبری از آن به روح حج تعبیر می‌کنند. از طرفی، آسیب بزرگ جهان اسلام در مقابله با طمع ورزی‌های صهیونیزم و استعمار و سلطه طلبان را اختلاف و تفرقه امت اسلامی می‌دانند و حج را هم زمینه ساز و تبلور و تمرین همگرایی و اتحاد و همزیستی مسلمانان می‌دانند، که می‌تواند این روح اخوت و همدلی و وحدت را بر محور توحید و خداگرایی در پیکره امت اسلامی تزریق نماید. لذا امام(ره) و مقام رهبری از مسلمین می‌خواهند که حج را کانون اتحاد و همبستگی و اصلاح امور مسلمین قرار داده و از این پایگاه بر سلطه ابرقدرت‌ها و حکومت‌های وابسته و خودکامه بشورند و به ندای مسلمانان مظلوم در فلسطین و لبنان و همه نقاط جهان پاسخ دهند.

این رویکرد جامع و عزتمند و عمیق به فریضه فاخر حج ایجاب می‌کند که اندیشمندان و عناصر فرهنگی در محتوا و عناصر و مبانی و اصول اندیشه حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری تدبیر و تأمل ورزند و برای همیشه این اندیشه و تفکر ناب برخاسته از قرآن و سنت و سیره نبوی(ص) و معارف ولوی(ع) را زنده نگه دارند. و از این میراث معنوی ارزشمند به درستی پاسداری و حراست نمایند، تا خدای ناکرده حج و اسلام بسان گذشته مهجور و غریب نگردند و به انزوا نروند. بدین منظور شورای آموزش روحانیون حج و زیارت و معاونت محترم امور روحانیون بعثه مقام معظم رهبری یک واحد درسی را برای روحانیون کاروان‌های حج و عمره به عنوان متصدیان فرهنگی و پیشقراولان حج ابراهیمی، پیش بینی و ارائه نموده است تا هر چند گام کوچک، ولی کلید و مفتاحی برای ورود به این ساحت و گستره عمیق و ژرف اندیشه تابناک و معنوی و اسلامی به دست دهد. (انشاء الله).

مجموعه حاضر، گامی در راستای توصیف و تا حدی تبیین اندیشه حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت الله خامنه ای مقام معظم رهبری احیا کنندگان حج ابراهیمی(ع) و محمدی(ص) در خصوص حج به منظور دست یابی به اهداف ذکر شده نگاشته شده است و با توجه به نوع مخاطبان این مباحث، تلاش گردیده تا ضمن ارائه یک تصویر کلی از اندیشه حضرات ایشان و مباحث مهم آن، از ورود به مباحث بسیار تخصصی در حوزه های فقهی، کلامی، عرفانی و فلسفی خودداری شود.

بی تردید ژرفای این بحر گسترده و بضاعت مضجعات نگارنده، امکان صید همه عناصر و گوهرها و درهای کلام و اندیشه ایشان را فراهم نساخته است، لکن نقدها و پیشنهادات اساتید ارجمند و روحانیون معزز و صاحب نظران گرامی، می‌تواند در رفع نواقص و کاستی‌ها و ارتقا و تکمیل این مجموعه مدد رساند و ما هم خالصانه خریدار منت همه این عزیزان خواهیم بود و فیض و رستگاری ایشان را از بارگاه ربوبی حضرت حق تعالی مسئلت داریم.

# فصل اول :

## مبانی و کلیات

نظر به این که در این مجموعه اندیشه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری درباره حج مورد بحث قرار می‌گیرد لذا لازم است ابتدا، به تعریف روشنی درباره مفاهیم و واژه های اصلی این نوشتار و مبانی اندیشه به طور کلی و چارچوب کلی تفکر و اندیشه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری دست یابیم تا در خلال مباحث مفاهمه و همراهی لازم، ایجاد گردد پرداخته می‌شود.

## ۱- چیستی اندیشه

اندیشه در لغت به معنای فکر، تفکر و تأمل است.<sup>۱</sup> و نوعی فعالیت ذهنی انسان عاقل محسوب می‌شود که در جهت کشف نادانسته‌ها صورت می‌گیرد. در کتب منطق، اندیشه عبارت است از مرتب ساختن امور معلوم برای رسیدن به کشف مجهول و یا از آن به عنوان حرکت ذهن از مبادی (معلومات تصویری یا تصدیقی) به سوی مطلوب یاد می‌شود.

در معنای خاص، اندیشه تفکری است که دارای ویژگی‌هایی همچون: انسجام منطقی، حد و حدود و مرزهای منطقی، قابلیت استدلال، مبنا و اهمیت باشد و در واقع هرگونه تفکر یا تلاش ذهنی را که به لحاظ منطقی، منسجم و دارای مبنا و چارچوب بوده و موجه باشد، اندیشه می‌نامیم.

و اندیشه امام (ره) و مقام معظم رهبری در باره حج، مجموعه‌ای از آرا و عقایدی است که به شیوه‌ای عقلانی و منطقی و مستدل، در باره چگونگی سازمان دادن به حیات دینی و اجتماعی و فردی و جمعی مسلمانان در عرصه حج می‌باشد که می‌تواند توصیفی یا تبیینی باشد و اندیشمند کسی است که بتواند درباره آرا و عقاید خود، به شیوه‌ای عقلانی و منطقی استدلال کند تا حدی که اندیشه‌های او دیگر صرفاً آرا و ترجیحات شخصی به شمار نرود.<sup>۲</sup>

هدف یک اندیشه در حوزه‌هایی نظیر حوزه سیاسی یا اجتماعی، صرفاً توضیحی نمی‌باشد، بلکه تغییر واقعیت، همراه با سرزنش یا تأیید اخلاقی بوده است.<sup>۳</sup> در واقع بحث از اندیشه یک اندیشمند صاحب نظر نه صرفاً توضیح علمی، بلکه پیدا نمودن راه‌هایی برای بالا بردن کار آمدی آن حوزه و اداره بهتر آن می‌باشد.<sup>۴</sup>

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی.

۲. ر.ک، بشیریه، حسین، تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم، ص ۱۷.

۳. همان، ص ۱۸.

۴. رجایی، فرهنگ، تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، ص ۱۴.



## ۲- ضرورت آشنایی با اندیشه امام و رهبری در حج

در اصل، دلیل پرداختن به اندیشه امام (ره) و مقام معظم رهبری در حوزه حج، پاسخ دادن به پرسش های اساسی پیرامون امور و مسایل حج می باشد. پرسش هایی همچون: چگونه باید حج را بجا آورد؟ چرا باید حج را بجا آورد؟ نقش مردم و حکومت ها و متولیان دینی در حج چیست؟ ضرورت ها و فلسفه وجودی برخی مناسک و شعایر و مراسم در حج چه می باشد؟ هندسه حج در معارف اسلامی کجاست؟ چگونه می توان تصمیم و برنامه صحیح برای ترسیم و انجام درست آن ارائه داد و به انجام رسانید؟

## ۳- حج و رهیافت های مختلف از منظر امام و رهبری

به دلیل جامعیت حج و طرح آن در حوزه های مختلف کلامی، فلسفی، عرفانی و فقهی در اندیشه حضرت ایشان، باید توجه داشت که حج می تواند بر اساس مبانی هریک از حوزه ها مطرح گردد، و جایگاه آن را در اندیشه سیاسی، فلسفی، کلامی و فقهی حضرات ایشان تبیین و توصیف نمود.

برای درک درست و جایگاه و اهمیت اندیشه و آرای حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در حوزه حج، باید به این اصل توجه داشت که تکوین و پیدایی یک اندیشه بی محرک و بی علت نیست. همواره اندیشمند از مشاهده نوعی مشکل، کار خود را شروع می کند و بعد از تشخیص مشکل و نوعی نارسایی ها و آسیب ها به جستجوی علل رفع مشکل می پردازد و در نهایت الگوی خود را برای درمان مشکلات و رفع نارسایی ها ارائه می دهد. در واقع نظریه ها و اندیشه های صاحب نظران تبیین وضع موجود و ارائه راه حل برای رفع مشکلات و ارائه الگویی برای رسیدن به جامعه آرمانی و مطلوب است. از این رو، نحوه تبیین وضع موجود و درک صحیح از چرایی مشکل، از مراحل مهم یک اندیشه است که در این تبیین، عوامل مهمی همچون: جهان بینی و انسان شناسی صاحب اندیشه نقش مهمی دارند.

حضرت امام و رهبری معظم انقلاب بر همین مبنا و اساس بر اساس آموزه های اسلامی و مبانی فقهی و کلامی، با مشاهده آسیب ها و نارسایی های متعدد در وضعیت موجود حج در انظار و افکار مسلمین و اقامه آن، و فاصله زیاد آن از حج آرمانی که از آن به حج ابراهیمی و حج محمدی (ص) یاد می شود، به تبیین این نارسایی ها، مشکلات و آسیب ها و ارائه راه حل هایی برای رفع آن ها و ارائه یک مدل مطلوب و آرمانی برای حج نمودند.

نکته حایز اهمیت در بررسی اندیشه حضرت امام در خصوص حج این است که ایشان شخصیتی چند بعدی است که آثار متعددی در حوزه عرفان، فقه، فلسفه، کلام و سیاست از ایشان بر جای مانده است. وی متفکری بزرگ بود که به حوزه های مختلف علمی و اسرار و معارف و علوم اسلامی اشراف کامل داشت و این ویژگی ها از وی شخصیتی جامع الاطراف ساخته است. چنانچه حضرت آیت الله خامنه ای، خلف صالح آن امام نستوه، نیز چنین می باشد. از این رو جامعیت و ذوابعاد بودن، به اندیشه حضرات ایشان عمق و غنا و ماندگاری بخشیده است به

طوری که می توان نوعی نظام اندیشه ای منسجم ، جامع و منطقی را در آثار مختلف ایشان یافت . به همین دلیل ، شناخت اندیشه ایشان در حج در ارتباط کامل با زوایای ابعاد دیگر اندیشه ای ایشان می باشد و بدون شناخت، مبانی اندیشه ای در عرصه های مختلف اجتماعی ، دینی و سیاسی ، قابل درک نمی باشد .

مسئله دیگر ضرورت و اهمیت شناخت درست اندیشه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در خصوص حج می باشد . این ضرورت از ابعاد مختلف قابل طرح می باشد : ۱- از یک سو حضرت امام و مقام رهبری به عنوان منادیان اسلام ناب محمدی در جهان اسلام شناخته شده اند . از این رو نخبگان و فرهیختگان به ویژه روحانیونی که از جمهوری اسلامی ایران در محافل و عرصه های مختلف در منظر مسلمین قرار می گیرند، متوقع است که حامل آن پیام و عامل بدان آداب و مبادی و آراسته به رفتار مناسب به اندیشه حضرات ایشان باشند .

۲- با شناخت اندیشه حضرات ایشان ، می توان شاخص مناسبی برای ارزیابی درستی از مسیر حرکت، برنامه ها و فعالیت ها تعیین کرد و به آسیب شناسی آن ها پرداخت .

۳- شناخت اندیشه حضرت امام و حضرت آیت الله خامنه ای به عنوان بزرگترین مصلحان دینی در جهان معاصر ، برای مسلمانان بسیار با اهمیت است و با عنوان یک الگو مورد توجه می باشند . امام احیا کننده معنویت گرایی و دین گرایی و پیوند زننده مذهب و سیاست در جهان معاصر می باشد و حتی رابطه تخریب شده دین و عقل و دین و دنیا را بازسازی نموده است . و مدل نو از توسعه و پیشرفت را در جهان به رخ کشیده است . این همه ، دغدغه تفکر و نگاه اندیشمندان، صاحب نظران و نخبگان فرهنگی بسیاری در جهان را سبب شده است و نگاه ها و توجه ها را به نخبگان ایرانی جلب نموده است . از جمله این احیاگری، فریضه فاجر حج می باشد که نگاه متعالی امام (ره) و مقام معظم رهبری در ترسیم و تبیین زیبا شناختی آموزه های بلند و الهی حج و نقش فعال و سازنده آن در عرصه های مختلف اجتماعی و بیداری اسلامی، لذت های زاید الوصفی را در کام همه تشنگان حقایق اسلام ناب محمدی (ص) نشانده .

این همه ضرورت درک و آگاهی و معرفت کامل و جامع پیشقراولان و حاملان فرهنگ اسلامی را برای پاسداری و ارائه و تبیین درست در راستای پیمودن پله های تعالی و کمال در وصول به حج آرمانی که همان حج ابراهیمی و حج محمدی (ص) است که امروز سخت مهجور مانده است، روشن می سازد و این اساسی ترین رسالت امروز ما و مسئولیت مهم ما در برابر نسل ها و نگاه های پرسشگران و طالبان حقایق اسلامی می باشد.

#### ۴- دین

مراد از دین در این اثر، نه دین خرافی است و نه ادیان بشری و نه ادیان الهی تحریف شده، بلکه مراد دین اسلام است که از وحی الهی سرچشمه گرفته و بر حضرت محمد (ص) خاتم الانبیاء فرو فرستاده شده است، دینی که از

خرافه به دور و از تحریف، مصون مانده است. دینی که به دلیل برخورداری از ویژگی‌های مخصوص به خود، توانایی هماهنگی با پدیده‌های نو و زندگی این جهان را دارد، و آن ویژگی‌ها عبارتند از:

۱- جامعیت دین و شریعت و کامل بودن آن. به این معنا که اسلام، ناظر به همه ابعاد زندگی مادی و معنوی انسان است.

۲- تبعیت احکام الهی از مصالح و مفاسد واقعی و گزاف نبودن این احکام.

۳- ارائه اجتهاد به عنوان روش دست یابی به حکم شرع و مطرح شدن لزوم حیات مجتهد به منظور ارائه برنامه‌ها در شرایط متغیر با استفاده از منابع دین.

چنانچه فقیه متأله حضرت آیت الله جوادی آملی در تعریف دین بیان می‌دارند:

«منظور از دین الهی، مجموعه عقاید و اخلاق و قوانین و مقررات اجرایی است که خداوند آن را برای هدایت بشر فرستاده است تا انسان در پرتو تعالیم آن، هوا و هوس خود را کنترل و آزادی خود را تأمین کند. انسان خداپاوار، چون خود را تحت ربوبیت ذات اقدس اله می‌داند، تلاش می‌کند با عمل به آیین الهی و استقامت و پایداری در آن، مقصود واقعی را دریابد: "ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا" زیرا دین الهی است که به حقیقت انسان و نیازهای او توجه دارد و برنامه کامل و همه جانبه‌ای ارائه می‌کند که انتظارات او را از همه نظر برآورده می‌سازد.»<sup>۱</sup>

لذا دین به عنوان یک نظام کامل و جامع برای اداره جامعه و برطرف کننده همه نیازهای فردی و اجتماعی انسان در همه زمان‌ها و موقعیت‌هاست که اسلام با برخورداری از چنین مختصاتی، از آن به عنوان دین کامل و جامع یاد می‌شود.

## ۵- نظریه اندیشه مدون در اسلام

«نظریه اندیشه مدون در اسلام» رویکردی سیستمی در دین شناسی و در نهایت پاسخی بنیادی به پرسش‌های بنیادی در مورد کارآمدی و قلمرو روش شناسی است.<sup>۲</sup> نظریه اندیشه مدون (نظامند) در اسلام با در نظر گرفتن مبانی کلامی، به عنوان نتیجه منطقی و دستاورد عقلی آن مطرح می‌شود. بر اساس این نظریه، اسلام در هر زمینه از حیات فردی و اجتماعی بشر، مجموعه‌ای از عناصر جهانشمول و ثابت دارد که سیستم اسلام را در آن عرصه تشکیل می‌دهد. از این مجموعه به عنوان «نظام» یاد می‌شود. برای نمونه «نظام اقتصادی اسلام» مجموعه عناصر ثابتی است که اسلام در زمینه اقتصاد با خود به ارمغان آورده و به هیچ زمان و مکان خاص و ویژه‌ای بستگی ندارد.

۱. آیت الله جوادی آملی، انتظار بشر از دین، ص ۲۶.

۲. ر.ک، هادوی، مهدی، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی(ره)، ص ۴۱۱.

در کنار این عناصر جهانشمول، در هر عرصه، عناصر موقعیتی نیز وجود دارند که مجموعه آنها را «مکانیزم» می‌نامند.<sup>۱</sup> پس در حالی که در حوزه اقتصاد فقط یک نظام اقتصادی اسلام داریم، اما به تناسب زمان و عصر یا مکان و وضعیت جغرافیایی و به تناسب موقعیت که شامل تمام امور مؤثر در اقتصاد است، شاهد مکانیزم‌های متنوعی خواهیم بود. با این وصف آنچه اسلام در هر زمینه از حیات بشر، چه فردی و چه اجتماعی، برای ما به ارمغان آورده است، مجموعه‌ای هماهنگ، منسجم، ثابت و دائمی است که می‌تواند الگوی عمل فردی و اجتماعی انسان در تمام دوران قرار گیرد. در کنار این گنجینه گرانقدر، تطبیق رسول اعظم(ص) و ائمه هدی(ع) را در روزگار مختلف داریم. این تطبیق، الگو یا الگوهای از مکانیزم اسلامی در زمینه‌های گوناگون برای ما ارائه می‌کند، که می‌توان با الهام گرفتن از آنها، به طراحی مکانیزم اسلامی متناسب با شرایط زمان و مکان پرداخت. نظام و مکانیزم، مجموعه‌ای از قوانین را به ارمغان می‌آورند که آنها را «حقوق، یا قانون» می‌نامند.<sup>۲</sup>

## ۵-۱- نظام

هر جهان بینی، تفسیری از انسان، رابطه او با جهان پیرامون خود و مبدأ هستی ارائه می‌کند. این تفسیر، نمودهای گوناگونی در عرصه‌های مختلف حیات بشری خواهد داشت. این نمود در واقع، نظامی است که آن جهان بینی در آن زمینه عرضه می‌کند. پس جهان بینی اسلامی، به عنوان مثال در حوزه کلام، یک نظام اعتقادی و در حوزه اقتصاد یک نظام اقتصادی و در حوزه فرهنگ، یک نظام فرهنگی و... دارد. در حقیقت «نظام» نتیجه منطقی و دستاورد بشری یک جهان بینی در یک زمینه از حیات بشری، چه فردی و چه اجتماعی است.<sup>۳</sup> به عبارت دیگر، موضوع قضایا در یک «نظام» از مصادیق موضوع قضایا در جهان بینی است، و چون جهان بینی ثابت و لا متغیر است، عناصر نظام نیز ثابت و غیر وابسته به زمان و مکان خاصی هستند. با این وصف هر نظام، مجموعه اموری است که یک جهان بینی در زمینه خاصی از حیات بشر - فردی یا اجتماعی - ارائه می‌کند و این عناصر از سه ویژگی برخوردارند:

۱- اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارند و جهانشمولند.

۲- همگی به یک حوزه خاص - مانند فرهنگ یا اقتصاد یا سیاست - ارتباط دارند.

۳- قضایا بیانی توصیفی دارند. (از قضایای اخباری و توصیفی استفاده می‌شود)

هنگامی که تمامی عناصر جهانشمول، در یک ساحت در یک نظام وجود داشته باشند، آن نظام کامل خواهد بود. نظام‌های اسلامی در عالم ثبوت، از این ویژگی برخوردارند زیرا بر تافته از دین کاملند. به بیان دیگر، دین کامل،

۱. ر.ک، همان، ص ۴۱۷.

۲. همان، ص ۴۸.

۳. همان.

نظام‌های کامل ارائه می‌کند، نظام‌هایی که تمامی عناصر جهانشمول در یک زمینه را که در سعادت بشر مؤثر است، داراست.

از سوی دیگر، عناصر یک نظام باید با هم سازگار و هماهنگ باشند و هیچ گونه تعارض و تنافی بین آنها نباشد. پس اگر ما در مقام اثبات عناصری هماهنگ در نظام مثلاً عبادی و یا سیاسی و یا اقتصادی اسلام نیافتیم، این ناسازگاری خود دلیل بر بطلان لااقل یکی از عناصر و ناصحیح بودن آن و عدم مطابقت آنچه یافته‌ایم با واقع خواهد بود.

از آنجا که نظام‌های گوناگون یک جهان بینی، همگی نتیجه منطقی آن عقیده در ساحت‌های مختلف حیات بشرد، و صغریات یک کبری و جزئیات یک کلی تلقی می‌شوند. همگی با هم مرتبط، سازگار و هماهنگند و مجموع آنها در واقع، همه زمینه‌های زندگی بشر را در بر می‌گیرد. از این رو، بسیاری از عناصر در نظام‌های گوناگون یک جهان بینی، بسیار به هم نزدیک و بلکه تعبیری مختلف از یک واقعیتند.

## ۵-۲- بخش‌های یک نظام

عناصر یک نظام که همگی جهان شمول، توصیفی و مرتبط به یک حوزه خاص هستند به سه بخش تقسیم می‌شوند: ۱- مبانی ۲- اهداف ۳- اصول

**مبانی نظام** - کلیاتی که یک عقیده به عنوان اصل مسلم در یک زمینه خاص می‌پذیرد و در پرتو پذیرش آن به عنوان سنگ بنای این ساختار، دیگر عناصر نظام را بر آن استوار می‌کند، مبانی آن نظام شمرده می‌شوند.<sup>۱</sup> به عنوان مثال در زمینه سیاست برخی از مبانی نظام سیاسی اسلام عبارتند از:

۱- پیوند مستحکم دین و سیاست ۲- اختصاص حاکمیت مطلق به خداوند ۳- مالکیت رسول اکرم(ص) و ائمه هدی(ع) نسبت به ثروت‌های طبیعی ۴- ولایت فقیه

و یا به عنوان مثال اگر فریضه حج را به عنوان یک نظام عبادی - سیاسی یا فرهنگی و اجتماعی دانستیم برخی از مبانی آن عبارت خواهد بود از:

۱- قصد قربت و اخلاص (خدامحوری) ۲- برائت از مشرکان ۳- توأمان بودن ابعاد عبادی و سیاسی آن ۴- همگرایی با پیروان فرق و مذاهب اسلامی ۵- اهتمام به امور مسلمین ۶- توجه به منافع جمعی مسلمانان

تمامی این عناصر، همه جایی و همه زمانی (جهانشمولی) هستند که اسلام به عنوان کلیاتی پذیرفته شده در زمینه‌های گوناگون ارائه می‌کند و با پذیرش آنها، سایر عناصر نظام را در ساحت‌های مختلف بر روی آنها بنا می‌نهد.

۱. همان، ص ۴۲۱.

مبانی یک نظام ممکن است امور اعتباری باشند، مانند مالکیت در نظام اقتصادی یا ولایت فقیه در عصر غیبت و آزادی عقیده و بیان در مبانی نظام سیاسی اسلام. و ممکن است تکوینی و حقیقی باشند، مانند: اختصاص حاکمیت مطلق به خداوند در مبانی نظام سیاسی.

**اهداف نظام** - اهداف یک نظام، اموری کلی است که دست یابی به آنها، در آن نظام مطلوب است. این عناصر در اغلب موارد اموری حقیقی و تکوینی هستند.

برای مثال، تعدیل ثروت از عناصر عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی را در نظام اقتصادی اسلام تشکیل می‌دهد و خود یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام محسوب می‌شود. یا نمایش اقتدار مسلمانان در حج یکی از اهداف حج می‌باشد. یا ارائه جامعه و محیط مساعد برای همگرایی و همدلی بر محور توحید را از اهداف دیگر حج برشمرد. اهداف هر نظام، بسان دیگر عناصر نظام، اموری همه جایی و همه زمانی (جهانشمول) توصیفی و مرتبط به زمینه آن نظام می‌باشند.

**اصول نظام** - کلیاتی که یک نظام بر اساس مبانی خود برای رسیدن به اهدافش یا دور شدن از آنها، ارائه می‌کند. اصول آن نظام محسوب می‌شوند. اصولی که شیوه دستیابی به اهداف را بر اساس مبانی ترسیم می‌کند. «اصول مثبت» و آنها که راه دور شدن از اهداف را نشان می‌دهند «اصول منفی» خواهند بود.<sup>۱</sup>

همان گونه که مجموعه امور مفروض و پذیرفته شده در یک زمینه، مبانی نظام مرتبط با آن زمینه را تشکیل می‌دهد و به همان شکل که مجموعه اموری که رسیدن به آنها در یک نظام مطلوب است، اهداف آن نظام را سامان می‌دهد به همین ترتیب پیاده کردن تمام اصول مثبت و اجتناب از تمامی اصول منفی، در فضایی که همه مبانی پذیرفته شده و در صورت نیاز در قالب قانون صیانت شده‌اند، می‌تواند ضامن تحقق اهداف نظام به طور کامل باشد و لذا گاه ممکن است به کارگیری برخی از اصول مثبت یا دوری از گروهی از اصول منفی یا عدم تأمین تمامی مبانی باعث شود از اهداف نظام دور افتاده و از رسیدن به آنها محروم شویم. به عنوان مثال اگر حج یک نظام جامع باشد و وحدت و همگرایی یکی از مبانی آن، عدم رعایت اصول همگرایی، و اجتناب از اصول خلاف وحدت (عوامل تفرقه انگیز) سبب می‌شود که این فریضه به نحو کامل و آن طور که در اسلام خواسته شده انجام نشود و اهداف آن تأمین نگردد.

### ۵-۳- مکانیزم

عناصر ثابت در هر زمینه، نظام مربوط به آن حوزه را تشکیل می‌دهند و این عناصر با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ و منسجم دارند. افزون بر عناصر ثابت، همواره به عناصر متغیر برخورد می‌کنیم که به موقعیت یعنی زمان و مکان

۱. همان، ص ۴۲۳.

پیاده شدن نظام، وابستگی دارد. اصول هر نظام، راه‌هایی را تبیین می‌کند که بر اساس مبانی آن نظام می‌توان به اهداف آن نظام نایل شد. این اصول در هر زمان و مکان (موقعیت) دو امر را در پی دارد:

۱- روشی برای پیاده کردن آن اصول در آن موقعیت ۲- نمودی خاص از آن اصول در آن موقعیت  
مجموعه این دو امر را که به زمان و مکان خاص (موقعیت) بستگی دارند. «مکانیزم» نامیده می‌شوند. با این وصف، مکانیزم، مجموعه عناصر موقعیتی را تشکیل می‌دهد که با اصول نظام، ارتباطی مستحکم دارند. عناصر مکانیزمی در عین ارتباط با زمان و مکان، با اصول نظام مرتبطند.

#### ۵ - ۴ - حقوق

در هنگام اجرای یک نظام با مکانیزمی خاص در جامعه‌ای مشخص، آنچه در مقام عمل راهنمای افراد قرار می‌گیرد «قوانین» یا دستورالعمل‌هاست. مجموعه این قوانین و دستورالعمل‌ها «حقوق» نامیده می‌شوند. بخشی از این حقوق به طور مستقیم از خود نظام نشأت می‌گیرد و مانند نظام به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد. این بخش را «حقوق ثابت» می‌نامند.

بخش دیگر حقوق، از مکانیزم سرچشمه می‌گیرد و همانند آن وابسته به موقعیت خاصی است. به این بخش، «حقوق متغیر» گفته می‌شود. مبانی و اصول نظام می‌توانند منشأ «حقوق ثابت» باشند، اما اهداف هیچ‌گاه چنین موقعیتی ندارند، زیرا مقاصدی هستند که جامعه با اجرای نظام، بدان نایل می‌شود.

از آنچه بیان شد، رابطه بین جهان بینی، نظام، مکانیزم و حقوق در عالم ثبوت و واقع بود. یک جهان بینی، در هر عرصه از حیات آدمی نمود دارد که نظام مربوط به آن حوزه، از دیدگاه آن عقیده می‌باشد. این نظام از عناصری جهانشمول و ثابت تشکیل شده و در هر زمان و مکان برای گذر از «وضعیت موجود» به «وضعیت مطلوب»، نیازمند روش‌های مکانیزمی خاصی است. همچنین اصول نظام برای اجرا در هر زمان و مکان خصوصیات پی‌دا می‌کنند و اصول مکانیزمی را تشکیل می‌دهند. بازتاب عملی نظام، در «حقوق ثابت» تجلی می‌کند و چهره اجرایی مکانیزمی در «حقوق متغیر» بروز می‌یابد.<sup>۱</sup>

در مکاتب بشری این چنین ثبوتی در مراحل اثبات نیز ثابت می‌ماند. یعنی ابتدا یک مکتب پذیرفته می‌شود، آنگاه نمود آن مکتب در عرصه‌ای خاص از زندگی آدمی در قالب یک نظام تجلی می‌کند، سپس مکانیزم و حقوق ثابت و متغیر رخ می‌نمایند. اما در مکاتب الهی وضعیت بر این منوال نیست. یک پیامبر و یا امام ممکن است حقوق ثابت یا متغیری را که مردم به آن نیازمندند ارائه کند، بدون آنکه نظام یا مکانیزمی را که منشأ این قوانین است، به طور واضح تبیین نماید. زیرا آنچه در عمل مورد احتیاج است، همان قوانین است و نظام یا مکانیزمی برای رسیدن به این قوانین، مورد نیاز است.

۱. ر.ک، همان.

در مکاتب الهی، هر چند در عالم ثبوت وضع بر همان منوال مکاتب بشری است، یعنی چنین وجود دارد و حرکت از بالا به پایین آغاز می‌شود، اما در عالم اثبات، مسأله متفاوت است. به این معنا که پروردگار آگاه از همه امور و محیط به تمام اشیا با علم به جای جای هستی، هم از جایگاه انسان در عالم باخبر است و هم به مبانی، اهداف، و اصول در زمان و مکان خاص داناست و هم از کیفیت گذر از وضعیت موجود به مطلوب آگاهی دارد. هم قوانین ثابت را می‌شناسد و هم به قوانین متغیر احاطه دارد. اما آنچه از این میان در اختیار آدمیان قرار می‌گیرد و از طریق انبیای الهی بدانان ابلاغ می‌شود، به خصوصیات آن دین بستگی دارد. اگر آن دین برای مدت محدودی آمده است فقط نیاز آدمیان در آن محدوده را بیان می‌کند. ولی اگر دین خاتم است و تا روز قیامت دین دیگری بعد از آن نخواهد آمد، می‌بایست به گونه‌ای باشد که نیازهای تمام اعصار و امصار را تأمین کند و اسلام چنین دینی است. بنابراین، اسلام به عنوان آخرین دین و به عنوان دین کامل، تمامی قضایای جهانشمول و ثابت را با خود به ارمغان آورده است و نبی گرامی (ص) و ائمه (ع) در زمان خود افزون بر عناصر ثابت عناصر موقعیتی را که مرتبط به زمان و مکان آنان بود، برای مردم بیان نموده‌اند و ما از طریق بررسی و فحص آنها می‌توانیم مجموعه نظام‌های اسلامی را استخراج کنیم.

بنابراین دین اسلام به عنوان دین خاتم و کامل دارای مجموعه نظام‌هایی است که مجموعه قوانین و حقوق و مکانیزم عبور از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب از آن کشف و استخراج می‌شوند. هر نظام داخل خود دارای مبانی، اصول و اهدافی است ولی مجموعه این خرده نظام‌ها نباید در تناقض و تنافر با هم باشند.

از دیدگاه حضرت امام و مقام معظم رهبری، حج یک نظام از خرده نظام‌های اسلام می‌باشد که دارای مبانی، اصول، اهداف معین می‌باشند که حقوق و مقررات در این مجموعه مبین آن می‌باشد. و خود تأمین کننده بخش عظیمی از نظام سیاسی و فرهنگی اسلام است، که امروز به دلیل موانع و یا کج فهمی‌های هر یک از اجزای آن را به صورت پراکنده و جدا از هم ترسیم و به همین سبب نه تنها منافع آن و اهداف و مقاصد عالی آن تأمین نشده است، بلکه فاصله آن تا وضعیت مطلوب زیاد می‌باشد. همه تلاش و جهاد امام در ترسیم این جهت گیری کلی است که عالمان و اندیشمندان جهان اسلام دریابند و درک کنند که:

«حج پیام آور ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است.»<sup>۱</sup>

و یا به بیان مقام معظم رهبری:

«حج با مشاهد و مناسک و شعایر خود، باید این روح وحدت و ملایمت و جماعت و عظمت را در مسلمانان همه اقطار عالم زنده کند و از شعوب و قبایل مختلفه، امت واحده پدید آورد و آن امت واحده را به وادی امن عبودیت

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۹.



مطلق خداوند هدایت نماید و مقدمات تحقق گفته خدای بزرگ را که «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» را فراهم آورد.

تشکیل امت واحدی که ناصبه عبودیت بر درگاه ربوبیت و وحدانیت می‌ساید، همان آرزوی بزرگ اسلام است و همان است که در سایه آن، نیل به همه کمالات فردی و جمعی مسلمین میسر می‌گردد و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن تشریح شده و هر یک از عبادات و فرایض اسلامی، بخشی از آن را در زمینه سازی و تأمین می‌کند. «حج ابراهیمی و محمدی(ص)، بی گمان یکی از بزرگترین مقدمات و ارکان این دو هدف بزرگ است»<sup>۱</sup>.

از سوی دیگر، ما برای شناخت و درک درست مبانی، اصول و اهداف فریضه حج در اندیشه حضرت امام و مقام معظم رهبری ناگزیر به شناخت بنیادهای اندیشه ایشان یعنی مبانی معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی می‌باشیم اگر چه این امر مستلزم فرصت و مجال زیادی است اما به اختصار و اجمال بدان اشاره می‌شود تا با آگاهی از آن در درک و فهم و تبیین و توصیف درست فریضه حج در ساحت فکری ایشان نایل گردیم.

## ۶ - بنیان‌های اندیشه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری

### ۶-۱ - مبانی معرفت شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی

مبانی معرفت شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی امام خمینی(ره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در چارچوب مبانی اسلامی است و ایشان دیدگاه‌های مشابهی با اندیشمندان دیگر اسلامی در مورد ابزار شناخت هستی و ابعاد هستی و جایگاه انسان در هستی دارند. از دیدگاه ایشان، حس، عقل و قلب، فطرت و وحی به عنوان ابزارهای شناخت هستی محسوب می‌شوند که هر یک در شناخت ابعاد مختلف هستی از جایگاه و محدوده خاصی برخوردارند. همچنین هستی شناسی حضرات ایشان، هستی شناسی دینی، الهی و اسلامی است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، جهان هستی اعم از ماده و روح است و هستی از ماده و معنا تشکیل یافته است، بر همین اساس در نگاه امام خمینی(ره) جهان هستی دارای مراتبی است:

«عالم ملک، دنیاست و عالم ملکوت، عالم غیب است که ملکات صالحه و فاسده انسان در آن ظاهر می‌شود. در عالم غیب آخرت وجود دارد که در آن، جهنم و بهشت است و انسان در این دنیا به سمت آن در حرکت است. پس از این دیدگاه، مرگ، خود زندگانی است و آن جهان، دار بقا و سرای جاویدان می‌باشد. عالم ناسوت، عالم

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۶۰ - ۶۱.

کثرت و عالم لاهوت، عالم وحدت است. عالم محسوس مرتبه نازل هستی می‌باشد به علاوه عالم الوهیت، مرتبه‌های اعلائی هستی و «مقصد‌اعلی»<sup>۱</sup> است. ایشان جهان را به آفریننده و آفریده تقسیم و آفریدگار هستی را عالم به همه حقایق آن و قادر و مالک همه هستی می‌دانند:

«خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز»<sup>۲</sup>.  
در نظر امام خمینی (ره):

«همه عالم اسماء الله‌اند، تمام عالم. چون اسم نشانه است، همه موجوداتی که در عالم هستند نشانه ذات مقدس حق تعالی هستند»<sup>۳</sup> و هستی محضر اوست و او در همه حال حاضر است. پس جدایی و فاصله از او معنا ندارد. زیرا تمام هستی جلوه حق تعالی است و از خود هیچ ندارند و تمام چیزهایی که در عالم واقع می‌شود از همان جلوه هست»<sup>۴</sup>.

خلقت و آفرینش هستی از جانب خداوند حکیم، عبث و بیهوده نبوده بلکه غایت مند و هدفدار می‌باشد. بر اساس این نگرش، جهان بر اساس عدل تحقق یافته است. بنابراین انسان شناسی امام (ره) نیز بخشی از هستی شناسی اوست، چه او انسان را در کلیت هستی و به عنوان بخش اساسی آن مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین معنا که نگاه ایشان به ماهیت انسان، ابعاد وجودی و دامنه حیات و زندگانی او به جایگاه کلی او در هستی ارتباط می‌یابد، به بیان امام خمینی (ره):

«انسان مثل حیوانات نیست که یک حد حیوان داشته باشد و تمام بشود انسان یک حد مافوق حیوان و یک مراتب مافوق عقل [دارد] تا برسد به مقامی که نمی‌توانیم از آن تعبیر کنیم...»<sup>۵</sup>.  
بر این اساس، انسان موجودی است که بالقوه توانایی و استعداد شدن و رسیدن به بالاترین مراتب کمال و درجات معنوی را داراست. ضرورت ارسال انبیا نیز تا حدودی مرتبط با همین مسأله تکامل پذیری و تکامل طلبی انسان است. ولی اگر در حدود طبیعی و زیست مادی چون سایر موجودات بود، نیازی به آمدن رسولان، تذکر و ابلاغ پیام الهی نیز نبود. اما از آنجایی که انسان به بیان امام خمینی (ره) دارای ماورایی است برخوردار از یک عقل بالامکان مجرد و بعد هم مجرد تام خواهد شد.<sup>۶</sup> لذا تربیت پذیر نیز می‌باشد. او به طور کلی مجموعه‌ای است که

۱. صحیفه امام (ره)، ج ۸، ص ۲۵۵.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۸۷.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۶۷ - ۹.

۴. تفسیر سوره حمد، ص ۱۰۴.

۵. صحیفه امام (ره)، ج ۴، ص ۱۸۶.

۶. همان، ج ۴، ص ۱۸۸.

نیاز به همه چیز دارد و می‌تواند به سعادت راستین دست یابد و برسد به جایی که جز خدا نبیند و «برسد به آن مراتب مافوق طبیعت و هر چیزی که در آن قابلیت هست فعلیت پیدا بکند»<sup>۱</sup>

پس انسان از حیث ماهوی، ناطق و قابل تربیت است و در صورت تربیت، تزکیه و اصلاح، قوای نامحدود شهوت، غضب و سلطه او مهار می‌شود و خطر افسارگسیختگی او مرتفع گردیده و از حقوق و حدود خود تجاوز نمی‌کند. ولی در غیر این صورت، در مقام حیوانیت، متوقف گردیده یا بدتر از آن می‌شود. همچنین تمام عوالم غیب و شهود، به صورت بالقوه و بالفعل در انسان وجود دارد و هر یک از دو جنبه مادی و معنوی انسان، به تعلیم و تربیت خاص خود نیاز دارد و با توجه به نوع تعلیم و تربیت اوست که انسان‌ها در مسیر رشد و تعالی و صلاح یا تنزل و فساد قرار می‌گیرند.

در این نگرش، فطرت انسان، فطرت الهی، حق طلبانه و مبتنی بر عدل است، لذا جزء الطاف الهی محسوب می‌شود که آن را به انسان اختصاص داده است.

«و فطرت‌های الهی ... از الطافی است که خدای تعالی به آن اختصاص داده، دیگر موجودات یا اصلاً دارای این گونه فطرت‌هایی که ذکر شده نیستند یا ناقص‌اند و حظ کمی از آن دارند»<sup>۲</sup>

از دید امام(ره) فطرت و احکام آن از لوازم وجود است که در اصل طبیعت و خلقت آدمی نهاده شده است و همه انسان‌ها در آن، اتفاق نظر دارند، اما رغم این همداستانی در مسأله فطرت بعضی از آن غافلند. از سوی دیگر اشتغالات مادی و نفسانی، فطرت انسان را در حجاب فرو می‌برد و تنها راه رهایی و نجات از این حجاب‌ها پرورش فطرت است که یکی از اهداف پیامبران همین موضوع بوده است:

«حق تبارک و تعالی به عنایت ازلی و رحمت واسعه، انبیاء(ع) را برای تربیت بشر فرستاد و کتب آسمانی را فرو فرستاد تا آنها را از خارج، کمک به فطرت داخلی کند و نفس را از این غلاف غلیظ نجات دهند و از این جهت، احکام آسمانی و آیات باهرات الهی و دستورات انبیای عظام و اولیای کرام بر طبق نقشه فطرت و طریقت جبلت بنا نهاده شده...»<sup>۳</sup>

از دیدگاه ایشان خداوند به لطف خویش و به اقتضای نیازهای انسانی به تربیت، اقدام به ارسال انبیا و انزال کتب و تشریح احکام نمود و انسان‌ها برای طی نمودن مسیر کمال علاوه بر کسب معرفت باید شریعت حقه انبیای الهی را به عنوان دستور العمل این راه به کار برند چنانچه(ره) در مورد فریضه حج می‌نویسند:

«مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود»<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۱۷۶.

۲. شرح چهل حدیث، ص ۱۸۰.

۳. همان، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۷۸ - ۷۹.

۴. امام خمینی(ره)، صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۳۸.

از دیدگاه امام(ره) انسان برای عروج به ماورای عالم مادی و وصول به قرب حق تعالی که نهایت سعادت و کمال او در همین است، باید تابعیت از احکام نورانی شریعت الهی بنماید و تنها راه عروج و تعالی در همین است و فلسفه و سرّ تأکید اسلام بر تعهد و التزام مسلمین به عبادات شرعی در همین نهفته است:

«حج و همه عبادات اسلامی، آمیخته به همه ابعاد مختلفه است. و از معجزات انبیا و خصوصاً اسلام این است که عرفانش آمیخته است با عباداتش. اگر انسان، یک نفر آدم که اهل آن مسایل است همین نماز را - آن بعد عرفانی نماز را - در اذکار و در کارهای دیگرش دنبالش برود، می بیند که چه دریای خروشان است، معراج است معراج مؤمن است، یعنی تا آن مافوق عالم طبیعت و مافوق عالم وجود، انسان را می کشاند.»<sup>۱</sup>

از دیدگاه حضرت امام(ره) اسلام عبادت را منحصر در یک سری مناسک و صورت‌های معین شناخته شده نکرده است. اگر چه این نوع اعمال از عبادات در شریعت اسلامی از مسلمات است و لازمه تکامل و سیر الی الله و نردبان عروج است، اما انسان مؤمن می تواند همه امور زندگی اش را به عبادت خداوند تبدیل نماید تا از رهاورد آنها به کمال رسد، چنانچه در مورد فریضه حج می فرمایند:

«حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است، اهمیت بعد سیاسی اش کمتر از بعد عبادی اش نیست، بعد سیاسی علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است.»<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری نیز با چنین نگاهی درباره حج می فرمایند:

«حج یک هجرت است، هجرت از خود است... و وجه مشترک همه انسان‌ها، یعنی عبودیت را در همه زنده می کند.»<sup>۳</sup>

بنابراین امام خمینی(ره) با توجه به ویژگی‌های که از انسان ترسیم می کند و بر اساس منزلت و جایگاه و شأنی که برای انسان قایل است، مصلحت واقعی و سعادت حقیقی و راستین او را در این می بیند که این موجود چند بعدی و همه جانبه از همه استعدادهای درونی خود بهره جسته و به منزلت حقیقی خود که نیل به مقام خلیفه اللهی است واصل گردد. برای نمونه در شرح چهل حدیث آورده اند:

«هان ای عزیز! گوش دل باز کن و دامن همت به کمر زن و به حال بدبختی خود رحم کن، شاید بتوانی خود را به صورت انسان گردانی و از این عالم به صورت آدمی بیرون روی که آن وقت از اهل نجات و سعادتی.»<sup>۴</sup>

از نظر امام خمینی(ره) بر اساس مبانی اسلامی، انسان به صورت بالقوه، خلیفه و جانشین خدا در روی زمین است و موجودی است عظیم، متعالی، با فطرتی پاک، خداگونه و دارای استعدادهای که توانایی رساندن او را به سعادت ابدی و حقیقی دارند. اما مهم این است که انسان بتواند با به کارگیری استعدادهای خود به صورت صحیح و قرار گرفتن

۱ همان، ص ۱۷۵.

۲. همان، ص ۱۱۱.

۳ همان، ج ۲، ص ۸۸

۴. شرح چهل حدیث، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۷۸ - ۷۹.

در مسیر صراط مستقیم و عدالت، که دشوارترین مسیر است، به سوی انسانیت حقیقی خود گام بردارد و به صورت بالفعل جانشین و خلیفه خدا شود. اما ساختن انسان و به کمال رسیدن او، خود مراحل دارد که از جمله مراحل آن قیام مستمر در راه تربیت برای تحقق و به فعلیت درآوردن آن قوا و استعدادها می‌باشد.

در نگاه امام خمینی، در اصل، انسان فرزند طبیعت است و بر همین طبیعت می‌باشد، لذا در حجاب قرار دارد و روحانیت و معنویت و فطرت الهی او در این حجاب طبیعت وارد می‌شود و به تدریج احکام طبیعت را از او منعزل ساخته او را به سوی معنویت و روحانیت محض سوق می‌دهد.

«... و آنقدر که انسان تربیت شده مفید است برای جوامع، هیچ ملائکه‌ای و هیچ موجودی آنقدر مفید نیست. اساس عالم بر تربیت انسان است.<sup>۱</sup> و پیامبران نیز برای چنین هدفی یعنی حرکت دادن انسان از عالم طبیعت به سوی معنویت و ماورای طبیعت آمده‌اند. آمده‌اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی مافوق الطبیعه، مافوق الجبروت برسانند...»<sup>۲</sup>

از دید ایشان «دایره وجود با انسان کامل تمام می‌شود»<sup>۳</sup> و کمال انسان در گرو مکارم والای اخلاقی و ارزشی است. سعادت حقیقی انسان در پیمودن مسیر تهذیب، تزکیه، صراط مستقیم عدالت و اعتدال است و شرع و عقل معیار این حرکت هستند:

«انبیاء(ع) آمدند. قانون‌ها آوردند و کتاب‌های آسمانی بر آنها نازل شد که جلوگیری از اطلاق و زیاده روی طبیعت کنند و نفس انسانی را تحت قانون عقل و شرع درآورند... پس هر نفسی که با قوانین الهیه و موازین عقل ملکات خود را تطبیق کرد، سعید است و از اهل نجات می‌باشد.»<sup>۴</sup>

در نگاه امام(ره) «قرآن، نسخه کامل وحی الهی و یک کتاب انسان سازی است»<sup>۵</sup>. و بر این اساس پیاده شدن قوانین و دستورات قرآن و برقراری جامعه‌ای متأثر از اسلام، می‌تواند زمینه ساختن انسان را فراهم آورد. در مجموع، این نوع رویکرد به هستی و انسان به شدت بر نوع نگاه امام(ره) به مسایل اجتماعی، فرایض و نحوه اداره زندگانی این جهانی، تأثیر خاص خود را بر جای گذاشته است و برای فهم و توصیف و تبیین آرا و اندیشه ایشان باید سخت به این رویکرد و مبانی توجه نمود.

## ۶-۲- مبانی عرفانی امام خمینی(ره)

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

۲. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۲۴.

۳. امام خمینی، شرح دعای سحر، ص ۹۰.

۴. امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۱۶-۱۷.

۵. صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۷۷ و ۴۳۷.

امام خمینی(ره) علاوه بر اینکه خود یک عارف و اهل سیر و سلوک عرفانی بود، در حوزه عرفان نظری و عملی دارای دیدگاه روشن می‌باشد و در این حوزه دارای مشرب‌ی خاص و روشنی است که او را ممتاز از بسیاری از عرفا نموده است. ویژگی متمایز ایشان عرفان فعال و اجتماعی است، چنانچه می‌فرمایند:

«خیال کرده‌اند، یک دسته زیادی، که معنای عرفان و عبادت این است که برای انسان یک محلی پیدا بشود و یک ذکری بگویند و یک سری حرکت دهد و یک رقصی بکند، اینها معنی عرفان است؟ خیال کرده‌اند کسی عارف است که کناره بگیرد.... یک قدری ذکر بگویند و یک قدری تغنی کند.»<sup>۱</sup>

امام(ره) این شیوه و برداشت از عرفان را مخالف سیره ائمه(ع) می‌دانند و معتقدند بسیاری از ائمه و پیامبران مانند حضرت ابراهیم و حضرت موسی، پیامبر گرامی اسلام(ص) و حضرت امیر(ع) در عین برخوردارگی از عالی‌ترین مراحل عرفانی در حوزه اجتماعی و در امور مردم نیز فعال بودند.

«در سیره الهی لازم نیست انسان یک گوشه‌ای بنشیند و بگوید من می‌خواهم سیر الی الله داشته باشم، سیر الی الله همان سیره و روش انبیا خصوصاً پیامبر اسلام و ائمه معصومین است که در عین حالی که در جنگ وارد می‌شدند و می‌کشتند و کشته می‌دادند و حکومت می‌کردند هر چیز سیر الی الله بود، این طور نبود آن روز که حضرت امیر مشغول است سیر الی الله نباشد، فقط هنگامی که نماز می‌خواند سیر الی الله باشد، هر دویس سیر الی الله بود. لذا پیغمبر می‌فرماید: ضربت حضرت علی در روز خندق افضل از عبادت ثقلین است.»<sup>۲</sup>

در واقع امام خمینی(ره) بر اساس این دیدگاه عرفانی، تفکیک بین دنیا و آخرت را رد کرده و برداشت تک بعدی از اسلام را رد می‌کنند و می‌گویند:

«گمان نباید بشود که اسلام آمده است برای اینکه دنیا را اداره بکند، یا آمده است فقط برای این که مردم را متوجه آخرت بکند، یا آمده است که [فقط] مردم را آشنای به معارف الهیه بکند و محدود کردن، هر چه باشد خلاف واقعیت است.»<sup>۳</sup>

بر همین نگاه و نظر است که مقام معظم رهبری درباره فریضه حج می‌فرمایند:

«جنبه شخصی و عبادی عمل شما، مثل خود حج، یک جنبه اصلی است، از آن نباید غفلت کرد، این با جنبه کاری و تشکیلاتی و اجتماعی آن منافاتی هم ندارد. کما اینکه حج مظهر ظهور و تالو سیاست‌های بین‌المللی و جهانی اسلام است. در عین حال با این که مجموعه این معنا را می‌دهد، اما میان هر فردی با خدای خود و با باطن خود، باید ارتباط مستحکمی وجود داشته باشد، اگر این نباشد، آن هم به صورت کامل نخواهد بود.»<sup>۴</sup>

در اندیشه امام(ره) انسان کامل و عارف بالله پس از طی مراحل سیر و سلوک در نهایت، باید دست خلق گیرد و به کمال آنها اندیشه کند.

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۱۶ - ۱۱۷.

۲. صحیفه امام، ج ۷۸، ص ۴۹۸.

۳. صحیفه حج، جلد ۱۲، ص ۴۲۲.

۴. صحیفه حج، جلد ۲، ص ۲۷.

«سالکی که بخواهد راه حقیقت پیدا کند باید رحمت‌های حق را به قلب خود برساند و به رحمت رحمانیه و رحیمیه متحقق شود و علامت حصول آن در قلب این است که با چشم عنایت و تطف به بندگان خدا نظر کند و خیر و صلاح همه را طالب باشد.»<sup>۱</sup>

امام (ره) در نامه خویش به فرزندشان مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی می‌نویسند:

«آنچه گفتم بدان معنی نیست که خود را از خدمت به جامعه کنار کنی و گوشه‌گیری و کل بر خلق الله باشی، که این از صفات جاهلان متنسک است، یا درویشان دکان دار، سیره انبیاء عظام (صلی الله علی نبینا و علیهم اجمعین) و ائمه اطهار (علیهم السلام)، که سرآمد عارفان بالله و وارستگان از هر قید و بند و وابستگان به ساحت الهی در قیام به همه قوا علیه حکومت‌های طاغوتی و فرعون‌های زمان بوده و در اجرای عدالت در جهان رنج‌ها برده و کوشش‌ها کرده‌اند و به ما درس‌هایی می‌دهد که اگر چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم، راه گشایمان خواهد بود.»<sup>۲</sup>

امام خمینی (ره) به قدرت و حکومت و سیاست نیز با چنی رویکرد عرفانی می‌نگرد:

«قدرت وسیله‌ای برای تثبیت حقانیت و استقرار نظام حق است، تنها قدرتی می‌تواند حقانیت حق را در عوالم انسانی تحقق بخشد، قدرتی است که سررشته‌اش به ذات حق منتهی می‌شود که کامل و بی واسطه است... قدرت از امهات صفات الهی است.»<sup>۳</sup>

### ۶-۳- مبانی کلامی امام خمینی (ره)

مبانی کلامی، یعنی مبانی اعتقادی دینی که از طریق استدلال پذیرفته می‌شوند و شامل مباحثی همچون توحید، معاد، امامت و عدل و بحث انتظار از دین و بحث‌های دیگر اعتقادی می‌باشد. که این اعتقادات تأثیر بسیار مهمی در اندیشه اجتماعی و سیاسی و فقهی متفکران دارد. یکی از مباحث مهم کلام، بحث توحید و بحث در مورد حاکمیت انحصاری و مطلقه خداوند است. امام خمینی (ره) این اعتقاد را پایه همه اعتقادات از جمله عقاید سیاسی، فقهی و عرفانی خود می‌داند و در پاسخ به سؤال خبرنگاری می‌فرماید:

«اعتقادات من و همه مسلمین همان مسایلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان به حق بعد از آن حضرت بیان فرموده‌اند که ریشه و اصل همه آن عقاید که مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ماست، اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد. بر این اساس، هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ

۱. امام خمینی، آداب الصلوه، با تصحیح احمد فهری.

۲. امام خمینی، نقطه عطف، ص ۱۴ - ۱۵.

۳. امام خمینی، شرح دعای سحر، ترجمه احمد فهری.

فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید و از این اصل ما نیز معتقدیم که قانونگذاری برای پیشرفت‌ها در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است و سعادت و کمال انسان و جوامع، تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان‌هاست. بنابراین باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگرانی که به اسارت دعوت می‌کنند، قیام کند و خود و جامعه را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند و از این جهت است که مقررات اجتماعی ما علیه قدرت‌های استبدادی و استعماری آغاز می‌شود و نیز از همین اصل اعتقادی توحید ما الهام می‌گیریم که همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسانند، او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند، اصل برابری انسان‌ها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست. بنابراین با هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوایی را در جامعه حاکم می‌سازد باید مبارزه کرد.<sup>۱</sup>

امام خمینی(ره) بر همین مبنا، حاکمیت و حق قانون‌گذاری را حق انحصاری خداوند می‌داند:

«حکومت و ولایت به حکم عقل، اختصاص به خداوند دارد و تنها او است، که ولایت اش به جعل دیگران استناد پیدا نمی‌کند. ذاتاً دارای حق، تدبیر انسان‌ها و ارده آنهاست و چون ولایت از امور اعتباری و عقلایی است، لذا دیگران با جعل و نصب او می‌توانند در اختیار بگیرند. و از این رو، وقتی شئون مختلف حکومت از طرف حق تعالی برای ائمه قرار داده شده است، تصدی دیگران غاصبانه بوده و هر گونه دخالتی تعدی بر حق غیر است.»<sup>۲</sup>

«به حکم خرد احکام هیچ کس بر هیچ کس نافذ نیست، مگر خدای جهان که چون همه جهان خلق مخلوق و مملوک اوست، عقل حکم او را بر همه کس نافذ و لازم الطاعه می‌داند... پس قانونگذار به جز خدا نباید باشد و چون عقل حکم کرده که قانونگذاری وظیفه خداست و هیچ کس چنین وظیفه‌ای ندارد و حق قانونگذاری هم ندارد...»<sup>۳</sup>

بنابر همین نگاه، اسلام دارای برنامه و قانون در همه امور دنیوی و آخرتی انسان است و از جامعیتی برخوردار است که اداره کننده و تأمین کننده سعادت و تعالی انسان می‌باشد:

«اسلام برای این انسان که همه چیز است، یعنی از طبیعت تا ماوراء طبیعت تا عالم الوهیت مراتب دارد، اسلام تز دارد، برنامه دارد، اسلام می‌خواهد انسان را یک انسانی بسازد. جامع، یعنی رشد به آن طور که هست بدهد.»<sup>۴</sup>

۱. آیین انقلاب اسلامی، ص ۱.

۲. امام خمینی، مکاسب محرمة، ج ۲، ص ۱۰۵ - ۱۰۶.

۳. امام خمینی، کشف الاسرار، ص ۲۸۸.

۴. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۵۵.



از دیدگاه امام(ره) احکام شرع که برای رشد و تعالی همه جانبه بشر آمده و یا به عبارت دیگر از دیدگاه امام(ره) «فقه تئوری واقعی و کمال اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است»<sup>۱</sup> دارای یک نظام حقوقی و کامل اجتماعی است که هر چه بشر نیاز دارد، فراهم ساخته است:

«مذهب اسلام همزمان با آنکه به انسان می‌گوید خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کند، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها باید چگونه تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع چگونه باید روابطی را برقرار نماید.»<sup>۲</sup>

از سوی دیگر، شریعت اسلامی علاوه بر بیان تشریح و احکام به عنوان دستورالعمل تعالی و کمال انسانی، به ارائه یک مدل و الگو برای مسلمانان در ترسیم و تکوین و ایجاد جامعه توحید محور و حیات مبتنی بر وحی و معنویت نیز نموده است. حج یکی از نمونه‌های بارز و رویش چنین رویکردی است، چنانچه مقام معظم رهبری در خصوص حج می‌فرمایند:

«... در صحنه روشن و همه کس شناس آن، تصویری از نمای کلی زندگی انسان موحد را عرضه می‌کند و در عملی رمزی، به مسلمانان درس زندگی هدف دار و جهت دار می‌دهد.»<sup>۳</sup>

ایشان در جای دیگر می‌نویسند:

«اسلام با معنا کردن زندگی و هستی و با نشان دادن راه درست آن، انسان را در فراهم آوردن زندگی حقیقتاً سعادت‌مندانه یاری می‌دهد و صراط مستقیم الهی را به او معرفی می‌کند. همه احکام و دستورهای اسلامی، و همه خطوط اصلی در شیوه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام و همه عبادات و مقررات فردی و جمعی اسلام، اجزاء در هم تنیده این نسخه زندگی بخش و سعادت آفرین است. همین مراسم جاودانه‌ای که حجگزاران در آستانه آنند، خود مجموعه گویا و پر نکته‌ای است از ذکر و شور و حال معنوی و درونی، در ضمن حرکت و تلاش و هماهنگی سازنده جمعی حج، در آئینی پر راز و رمز، و در آمیزه شگفت آوری از شکوه و خاکساری، و اقتدار و فروتنی و حرکت و تلاشی درونی و برونی، نمادی از مبارزه و جهاد نفسانی و جهانی انسان مسلمان، در راه تحقق حیات طیبه انسانی را در برابر چشم آدمی می‌گذارد و حجگزاران را به تمرین عملی وظایف بزرگ خود وادار می‌سازد.»<sup>۴</sup>

#### ۶-۴ - اندیشه توأمان بودن دین و دنیا

۱. همان، ج ۲۱، ص ۹۶.

۲. صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۷.

۳. همان، ص ۱۱۷.

۴. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۴۰.

و از دیگر سو، اندیشه توأمان بودن دین و دنیا از منظر امام خمینی(ره) و رهبری انقلاب اسلامی، برگرفته از مبانی اسلامی از اساسی‌ترین مقولات کلامی، عرفانی و سیاسی است که با توجه به این اصل بنیادین می‌توان بسیاری از آرا و اندیشه‌های ایشان را فهم کرد. امام بر همین اساس می‌فرمایند:

«گمان نباید بشود که اسلام آمده است برای اینکه دنیا را اداره بکند، یا آمده است فقط برای این که مردم را متوجه آخرت بکند، یا آمده است که [فقط] مردم را آشنای به معارف الهیه بکند و محدود کردن، هر چه باشد خلاف واقعیت است. انسان غیر محدود است، مربی انسان غیر محدود است. نسخه تربیت انسان که قرآن است غیر محدود است.»<sup>۱</sup>

رهبری معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) نیز می‌فرمایند:

«از بزرگترین مظاهر شرک در عصر حاضر، تفکیک دنیا از آخرت، و زندگی مادی از عبادت، و دین از سیاست است....»

سیاستمداران که دائماً دم از جدایی دین از سیاست می‌زنند و کسانی از مدعیان دینداری که به کمک آنان شتافته و همین سخن را تکرار می‌کنند، آیا هرگز در آیات قرآن و تاریخ اسلام و احکام شریعت اندیشیده‌اند؟<sup>۲</sup> نقش دین در جهت دهی به امور دنیا یکی از مباحث تبعی این بحث است که در این حوزه، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا دین در مورد همه امور دنیوی انسان برنامه دارد؟ یعنی آیا از جامعیت برخوردار است؟ یا اینکه دین تنها دستور العملی است برای امور مربوط به آخرت. حضرت امام به این پرسش چنین پاسخ می‌دهند:

«اسلام برای این انسانی که همه چیز است، یعنی از طبیعت تا ماوراء طبیعت تا علم الوهیت مراتب دارد، اسلام تز دارد. برنامه دارد، اسلام می‌خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع، یعنی رشد به آن طور که هست بدهد از حظ طبیعت دارد، رشد طبیعی به او بدهد، حظ روحانیت دارد، رشد روحانیت به او بدهد، همه حد و حدودی که انسان دارد و به نقص است الان نرسیده است، ادیان آمده‌اند که این میوه نارس را رسیده‌اش کنند. این میوه ناقص را کاملش کنند.»<sup>۳</sup>

بر همین نگاه، امام(ره) بیان می‌دارند که احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کامل اجتماعی را می‌سازد، در این نظام حقوقی، هر چه بشر نیاز دارد، فراهم آمده است:

«مذهب اسلام همزمان با آنکه به انسان می‌گوید خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کند، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها باید چگونه تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع چگونه باید روابطی را برقرار نماید. هیچ حرکتی و عملی از فرد و یا جامعه نیست، مگر اینکه مذهب اسلام بر آن حکمی مقرر داشته است.»<sup>۴</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۲۲.

۲. صحیفه حج، ج ۲، ص ۳۳.

۳. صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۵۵.

۴. امام خمینی(ره)، ولایت فقیه، ص ۱۳.

بر مبنای اعتقاد به جامعیت اسلام و ضرورت توجه به همه ابعاد و عرصه‌های فردی و اجتماعی حیات بشری، اعتقاد به ولایت امامان(ع) برای اداره جامعه مسلمین و نیز اعتقاد به اجتهاد از لوازم تبعی آن خواهد بود. بدان جهت که صرف داشتن برنامه برای وصول جامعه به سعادت کافی نیست، مجریانی برای اجرا و تحقق لازم دارد. چنانچه امام خمینی(ره) می‌فرماید:

«در حقیقت مهم‌ترین وظیفه انبیا(ص) که از جانب خدا مبعوث شدند، برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق [اجرای] قوانین و احکام اسلام جهت زمینه‌سازی برای تربیت انسان الهی است.»<sup>۱</sup>

و همچنین می‌فرماید:

«ما که به ولایت معتقدیم و به اینکه رسول اکرم(ص) تعیین وظیفه کرده و خدا او را واداشته تا تعیین خلیفه کند و «ولی امر» مسلمان را تعیین کند. باید به ضرورت تشکیل حکومت معتقد باشیم و باید کوشش کنیم که دستگاه اجرای حاکم و اداره امور برقرار شود.»<sup>۲</sup>

«... و به ضرورت شرع و عقل، آنچه در دوره حیات رسول اکرم(ص) و زمان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب(ع) لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره پس از ایشان، در زمان ما لازم است.»<sup>۳</sup>

این دیدگاه کلامی امام(ره) که اندیشه سیاسی ایشان را جهت می‌دهد همچون بسیاری از متفکران شیعه، با اعتقاد به ضرورت استمرار اجرای احکام اسلام در دوران غیبت، بر ضرورت استمرار نظام سیاسی تأکید کرده و تلاش بر این دارند که هیچ یک از احکام اسلام تعطیل نگردد و معتقد نیستند که بخش معظم از احکام اسلامی در دوره غیبت تعطیل گردد. چنانچه در بحث ولایت فقیه می‌فرماید:

«از غیبت صغری تاکنون، که بیش از هزار سال می‌گذرد و ممکن است صد هزار سال بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد، آیا در طول این مدت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود و هر که هر کاری خواست بکند؟ آیا قوانینی که پیغمبر اسلام در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن ۲۳ سال زحمت طاقت فرسا کشید، فقط برای مدت محدودی، آیا خدا اجرای احکامش را محدود کرد به دو‌یست سال و پس از غیبت صغری اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟»<sup>۴</sup>

ایشان می‌فرماید:

«اعتقاد به چنین مطلبی بدتر از اعتقاد و اظهار و... منسوخ شدن اسلام است.»<sup>۵</sup>

از دیدگاه امام(ره) به ضرورت استمرار اجرای احکام اسلامی، و به اقتضای تحولات و تغییرات حیات بشری، اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن نیز بدیهی جلوه می‌گردد. اجتهاد از ویژگی‌های فقه‌های اصولی امامیه است. این اصل

۱. همان، ص ۳۴.

۲. همان، ص ۱۵.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۴.

۵. همان.

توانمندی‌های اساسی را به فقهای شیعی برای رویارویی با مسایل جدید جهان معاصر اعطا کرده است. امام خمینی(ره) با تأکید بر ضرورت اجتهاد به نقش زمان و مکان در آن برای حل معضلات جامعه معتقد بودند که مجتهد برای توانمندی در ارائه راه‌حل‌هایی برگرفته از شریعت اسلامی برای جامعه انسانی در همه دوره‌ها و برهه‌ها ناگزیر به شناخت و آگاهی از مسایل زمان خویش است:

«این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنی نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند، مسأله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسایل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسایل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و رویه اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک واقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است.

یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشر است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است»<sup>۱</sup>.

بر اساس چنین نگاهی در اندیشه سیاسی امام(ره) و مقام معظم رهبری حفظ حکومت و نظام اسلامی از اهم واجبات و فرایض شرعی می‌باشد:

«باید عرض کنم که حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله(ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است... حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم اسلامی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست، موقتاً جلوگیری کند».

بنابراین از منظر امام خمینی(ره) و همچنین جانشین صالح ایشان دین اسلام مجموعه کامل از برنامه‌ها و دستور العمل‌ها به عنوان یک نظام جامع حقوقی در همه عرصه‌ها و شئون فردی و اجتماعی انسان برای هدایت او به کمال و تعالی است، امام(ره) با نقل حدیثی از امام صادق(ع) بر این اندیشه خود استدلال می‌کنند:

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۶.

«ان الله تبارك و تعالی انزل فی القرآن تبیان کل شی حتی و الله ما ترک الله شیئاً تحتاج الیه العباد»<sup>۱</sup>  
این معنا را که کسی بگوید اسلام به زندگی چه کار دارد! این جنگ با اسلام است، این نشاختن اسلام است.  
اسلام با سیاست چه کار دارد! این جنگ با اسلام است»<sup>۲</sup>.  
که : «فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است»<sup>۳</sup>. مبین و حاکی همین اندیشه نظام مند و  
جامعیت اسلام بر اساس مبانی کلامی و ادله عقلی و نقلی است.  
لذا از دیدگاه ایشان:

«اسلام مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیر توحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و  
فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت  
انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است...»<sup>۴</sup>.

---

۱ . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۹.

۲ . صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۹.

۳ . صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۶.

۴ . صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۲.

# فصل دوم :

## حج مطلوب

چنانچه بیان شد، حج یکی از ارکان و اصول اساسی<sup>۱</sup> دین اسلام محسوب می‌شود که هیچ عمل عبادی نمی‌تواند با آن برابری کرده و یا جایگزین آن شود. «حج نمایشگر اصول استوار دین و تجسم عقاید و معارف سه گانه آن، یعنی توحید، نبوت و معاد است، اصولی که میوه‌های شجره طیبه اسلام است.»<sup>۲</sup> پیامبر اکرم(ص) از کانون حج در گسترش و ترویج آیین اسلام، سرکوبی دشمنان و تحقق عزت و اعتلای اسلام و مسلمانان بهره گرفت و آن را به عنوان تجلی گاه عظمت و اقتدار پیروان دین الهی، تبلور وحدت و اخوت اسلامی، مرکز فریاد خداپرستی و یکتاخواهی و زمینه ساز، و تحقق بخش حاکمیت جهانی اسلام در چارچوب امت اسلامی مطرح کردند و از آن مرکز و ذخیره بی بدیل برای خیزش و جنبش الهی و اعتلای کلمه توحید به شایستگی بهره بردند. از این رو، حج ابراهیمی که از آن به عنوان حج مطلوب یاد می‌شود از آرمان‌های بلند امام(ره) و مقام معظم رهبری است که یادآور مجد و عظمت گذشته و حقیقت بی‌آلایش فریضه فاخر و خالص توحیدی است و دارای ابعاد مختلف می‌باشد. حج آرمانی و مطلوب در اندیشه امام برخاسته از رویکرد جامع‌نگر ایشان به دین اسلام می‌باشد که در دو بعد معنوی و اجتماعی - سیاسی به آن پرداخته شده است. حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری در مطالبی پر محتوا و عمیق و برخوردار از ظرایف خاص ادبی، مسئله حج را در ابعاد مختلف آن مورد توجه قرار دادند و با ترسیم ابعاد معنوی و سیاسی و اجتماعی و عبادی آن به احیای حج ابراهیمی همت گماردند. و به بیان دیگر، در رهیافت دینی امام(ره) عبادات اسلامی جدای از سایر ابعاد اجتماعی و سیاسی نمی‌باشد بلکه توأمان همه ابعاد را داراست:

«آمیخته است حج و همه عبادات اسلامی، آمیخته به همه ابعاد مختلفه است و از معجزات انبیاء و خصوصاً اسلام این است که عرفانش آمیخته است با عباداتش»<sup>۳</sup>

مقام معظم رهبری نیز برای حج هم ابعاد اخروی و هم ابعاد دنیوی و ابعاد مختلف فردی و جمعی قائلند:

«در حج، هم دنیا برای مسلمانان است و هم آخرت. هم تربیت فردی و تهذیب نفسانی است و هم تربیت اجتماعی. .... همه چیز در این مجموعه ملاحظه شده است.»<sup>۴</sup>

### حج مطلوب، حج جامع و دارای ابعاد مختلف

فریضه حج در ساختار و حرکت جامعه توحیدی، جایگاه خاص و رفیعی دارد، زیرا این فریضه یکی از ارکان اسلامی به شمار می‌رود و فریضه‌ای است که بر هر مرد و زن مسلمان با اجتماع شرایطی واجب است. «والله علی

۱. ر.ک: کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. جوادی آملی، صهبای حج، ص ۵۳.

۳. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۷۵.

۴. همان، ج ۲، ۱۹۹.

الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً و من كفر فإن الله غني عن العالمين» و برای خدا حج آن خانه، بر عهده مردم است. البته بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد، خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.<sup>۱</sup>

حج با منظومه عبادات مسلمانان پیوند دارد. از میان همه عبادات، حج و مناسک آن جایگاه ویژه‌ای دارد. از منظور روایات حج به «تمام شریعت»<sup>۲</sup>، «پرچم اسلام»<sup>۳</sup> و «یکی از پنج پایه اساسی اسلام»<sup>۴</sup> تعبیر شده است. انجام مناسک حج برای یک مؤمن - با شرایطی خاص - ضروری و ترک آن کفر شمرده شده است.<sup>۵</sup>

حج یکی از عبادت‌هایی است که از جامعیت خاصی برخوردار است و ظاهراً در این بعد هیچ یک از عبادات را یارای هم‌ترازی با آن نیست. حج، که در ظاهر عبادتی از عبادات و شعائری از شعائر است، اگر مورد توجه و تأمل قرار گیرد، مشخص خواهد شد که علاوه بر ابعاد عبادی، معنوی و عرفانی دارای ابعاد و جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی می‌باشد. همین ابعاد است که حج را عباداتی جامع داده است، هر چند بعد عبادی و معنوی حج، مقدم و اصل و اساس آن است.<sup>۶</sup> ولی این امر نباید باعث غفلت از سایر ابعاد آن شود.

بنابراین حج یکی از شاخص‌های اسلام است و منعکس‌کننده بخش بزرگی از ابعاد اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی و عبادی دین مبین اسلام است. حج «رهانیت اسلام» است، هم «قوام دین و دنیا» هم «منافع» است، هم «ذکر خدا»، هم «عبادت» است، هم «سیاست»، هم «زیارت»، هم «اقتصاد» است و هم دنیاست و هم آخرت.

در کنار این جامعیت، ویژگی ممتاز دیگر آن، انحصاری و بی‌بدیل بودنش می‌باشد، مجامع و کنگره‌های جهانی و بین‌المللی، به اشکال گوناگون و بر محورهای مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، تاریخی، ادبی، هنری و حتی دینی فراوان است. اما کنگره «توحید» و «اخلاص» و «عبادت» کنگره «دعا» و «مناجات» کنگره مجاهده با نفس و انقطاع از دنیا و تمرین آمادگی برای سفر به کنگره تمرین سیر الی الله و مجاهده و مرافقه و مکاشفه، در هیچ جای دنیا نیست.

کنگره‌ای که فرد و جمع را در یکدیگر مندرج می‌کند. عمل فردی را در فضای جمعی و فضای جمعی را در عمل فردی محو می‌کند.<sup>۷</sup> بدان گونه که هر حاجی در ایام حج، در اندیشه خویشتن‌یابی و حدیث نفس و راز و نیاز و تصفیه باطل خویش است، کاری که از خلق گسسته نیاز به خلوت و تنهایی و جدایی از خلق دارد و در عین حال،

<sup>۱</sup> . آل عمران، ۹۷.

<sup>۲</sup> . حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۶۲.

<sup>۳</sup> . نهج البلاغه، خطبه اول.

<sup>۴</sup> . کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸.

<sup>۵</sup> . آل عمران، ص ۹۷.

<sup>۶</sup> . امام خمینی، حج در کلام امام خمینی، ص .

<sup>۷</sup> . صحیفه حج، ج ۲.



فردیت هر فرد، در جای جای مواقف عظیم حج و با شکوه‌تر از همه، در عرفات، در کل جمع نابود می‌گردد. این محو فردیت در کار جمعی در امتزاج خطوط سیاسی اجتماعی و جمع کل امت عظیم اسلامی نیز صورت می‌گیرد. حج از نگرش دیگر، بازساخت عرصه‌های قیامت است، تجسم حشر خلق، همه یک سو و بی هیچ امتیاز، روی به سوی بهشت یا جهنم، حشری عظیم در پهنه دنیا که نمونه‌ای کوچک از حشر اکبر در سرای آخرت است. جدایی از خانه و کاشانه، در این نمایش به هجرت به سوی آخرت می‌ماند که سرفصل جهان اخروی است و مواقف و مناسک حج، یکایک نشان از مواقف عبد در برابر مولی در روز قیامت دارد که سرانجام آن «رد» یا «قبول» است.

این اهمیت و جایگاه حج و جامعیت فرصت بی‌نظیری را در اختیار جامعه اسلامی قرار داده است که اهتمام و بهره‌وری از آن می‌توان تضمین کننده سلامت جامعه، و ترسیم کننده راه و رسم زندگی موحدانه باشد. این اهمیت و جایگاه والا سبب شده است که حضرت امام و مقام رهبری بدان به نحو خاص و ویژه ساز و کارهایی ارائه کنند. در اندیشه امام(ره) حج دارای ابعاد مختلف معنوی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... است، بعد معنوی شامل جنبه‌های عرفانی، روحانی و فرهنگی است.

### ۱- ابعاد معنوی

معرفی حج به عنوان یک فریضه جامع با ابعاد مختلف، این امر به معنی غفلت امام و رهبری از جنبه معنوی حج نیست. بلکه آن را بُن مایه ابعاد اجتماعی و سیاسی برمی‌شمرند، و بدون حصول ابعاد معنوی، تحصیل ابعاد دیگر آن را هم غیر ممکن می‌دانند و مهمتر آن که از دیدگاه حضرت امام(ره) مراتب معنوی حج صرفاً در انجام دستورات شرعی و عمل دقیق به مناسک حج می‌باشد. چنانچه در پیام حج می‌فرمایند:

«مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود، و حجاج محترم و روحانیون معظم کاروان‌ها تمام هم خود را صرف در تعلیم و تعلم مناسک حج کنند. و بر مسئل دانان است که از همراهان خود مواظبت کنند، که خدای نخواستہ تخلف از دستورات نشود.<sup>۱</sup>

### ۱ - ۱- بنیادهای عرفانی امام

باید توجه داشت که امام(ره) همانند عارفان اصیل اسلامی، اساس عرفان اسلامی و معنویت را بر بنیاد تعالیم قرآنی و سنت نبوی(ص) و اهل بیت(ع) می‌داند که در این منظر، ادعیه و روایات هم به یک معنی، شارح و صورت تفصیل یافته و مبسوط معارف قرآن می‌باشد.

امام(ره) درباره منافع غنی و بنیادین عرفان اسلامی چنین می‌گویند:

۱. همان.

«تمام این مسائل که عرفا در طول کتاب‌های طولانی خودشان می‌گویند در چند کلمه مناجات شعبانیه هست، بلکه عرفای اسلام از همین ادعیه و از همین دعاهایی که در اسلام وارد شده است از اینها استفاده کرده‌اند.»<sup>۱</sup>

بنابراین آبخشور عرفانی امام(ره) سرچشمه زلال و فیاض و حیانی قرآن است و از همین نگاه و زاویه است که ایشان در توجه به قرآن در حج توصیه اکید دارند و می‌فرمایند:

«به زائران محترم تذکر می‌دهم که در این مواقع معظمه و در طول سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره، از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کِلُّ شَیْءٍ<sup>۲</sup> است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسماء و صفات و آیات و بینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خو طب به<sup>۳</sup> از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره‌مند شده‌اند و اکنون صورت کتبی آن، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گرچه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است، لکن به اندازه علم و معرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته‌های مختلف، به بیان‌ها و زبان‌های متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی(ص) بهره‌هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان با بررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسایل عمیق گذشته، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده، در دسترس اهلس قرار دهند و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه‌ای از آنچه قلب عوالم<sup>۴</sup> از «ادبئی ربئی» دریافت فرموده، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مؤدب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه‌ای از آنچه نور تقوا از این سرچشمه جوشان «هدی للمتقین»<sup>۵</sup> هدایت یافته‌اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه‌ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیزاست، از عرفان و فلسفه تا ادب و

۱. صحیفه نور

۲. اشاره به آیه ۸۹ سوره نحل.

۳. اشاره است به حدیث شریف «أما العرف القرآن من خو طب به»

۴. مراد وجود با برکت پیامبر خاتم(ص) می‌باشد. که قلب عالم امکان است.

۵. بخشی از آیه ۲ سوره بقره.

سیاست، تا بینخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته‌ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است»<sup>۱</sup>.

امام خمینی در مورد مبانی بلند و اندیشه‌های عرفانی در ادعیه و ارتباط آنها با قرآن کریم می‌فرماید: «دعاها سرشار از معارف نهفته در بطون قرآن است که چون دست اغیار از رسیدن به ساحت قدسی آن بطون کوتاه است. پیامبر و امامان معصوم (ع) در راستای انجام رسالت تبیین قرآن و هدایت و راهنمایی انسان در قالب دعا پرده از چهره بطون قرآن برگرفته‌اند، از این رو می‌توان گفت: ادعیه، لسان قرآن هستند. ادعیه شارح قرآن هستند، راجع به مسایلی که دیگران دستشان به آنها نمی‌رسد»<sup>۲</sup>.

اوج قرآن مداری عرفان عملی امام در این نظریه او نمودار است: «همان سان که میزان در صحت و سقم روایت، قرآن است، ملاک درستی و نادرستی رفتار و سلوک سالک نیز قرآن است»<sup>۳</sup>.

## ۲ - ۱ - حج ساحت سیر و سلوک و کسب معرفت

امام خمینی (ره) حج را یکی از ساحت‌های تمرین و ممارست برای سیر و سلوک و کسب معرفت و وصول به غایت عبودیت که نفی شرک و تسلیم در مقابل خداوند و اقرار و باور با تمام وجود به یگانگی و توحید و وحدانیت خداوند سبحان می‌دانند و کسی را که توحید در جان و دل او رسوخ کرده بهره‌مند از این سفر می‌دانند: «لبیک‌های مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت الله تعالی به اسم جامع جواب می‌دهند. مسئله، مسئله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب. گویی گوینده از خود در این محضر بیخود شده و جواب دعوت را تکرار می‌کند. و دنیا در آن سلب شریک به معنای مطلق<sup>۴</sup> آن می‌نماید، که اهل الله می‌دانند، نه شریک در الوهیت فقط. گرچه سلب شریک در آن نیز شامل همه مراتب، تا فنای عالم در نظر اهل معرفت است، و حاوی جمیع فقرات «احتیاطی» و «استجابی» است، مثل «الْحَمْدُ لَكَ وَالنَّعْمَةُ لَكَ» و «حمد» را اختصاص می‌دهد به ذات مقدس، همچنین نعمت را، و نفی شریک می‌کند. و این نزد اهل معرفت غایت توحید است»<sup>۵</sup>. لذا فایده و بهره حج گزار همانند سالک باید رسوخ توحید به قلب با ریاضت و مجاهدت و تلقین است و الا اگر چنین نشده بهره‌ای اندک و حظی ناچیز از آن خواهد برد.

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۸۷ - ۱۸۸.

۲. تفسیر سوره حمد، ص ۸.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۱.

۴. شرک به معنای مطلق یعنی شرک ذاتی شرک صفاتی و شرک افعالی است.

۵. صحیفه حج، ص ۱۳۵ - ۱۳۶.

«کوشش کن که کلمه توحید را که بزرگترین کلمه است و والاترین جمله است از عقلت به قلبت برسانی که عقل همان اعتقاد جازم برهانی است و این اصل برهانی اگر با مجاهدت و تلقین به قلب نرسد، فایده اثرش ناچیز است.»<sup>۱</sup>

### ۳- ۱- حج و عبودیت

مقام معظم رهبری نیز در خصوص ابعاد معنوی و عبادی حج آن را جامع اذکار و خضوع و خشوع بیان می‌کنند و مرکزیت دادن به ذکر و توحید می‌دانند:

«حقیقت این است که حج یک واجب استثنایی و یک مراسم عجیب و پر رمز و راز است. اگرچه در باب حج بسیار گفته‌اند و مطالب شیوا و زیبایی هم بیان کرده‌اند، اما مسأله حج خیلی عمیق‌تر از چیزی است که ما تا امروز فهمیده‌ایم. حج، یک حرکت عبادی خالص - عمیق خضوع، خشوع، ذکر، عبادت، تضرع و توسل - و با حالت اجتماع است. و در کنار هم قرار دادن این دو چیز، مسأله را خیلی پرمعنا می‌کند. اگرچه در عبادات اجتماعی، مثل نماز جماعت و نماز جمعه و نماز عید وجود دارد، اما این اجتماع عظیم و این مرکزیت دادن به ذکر و توحید و کشاندن همه مسلمان‌ها از آفاق عالم اسلامی به یک نقطه واحد، خیلی معنی دارد ... و این اعمال هم صرفاً عبادت و تضرع و ذکر و توجه است خیلی پرمعناست.»<sup>۲</sup>

حضرت آیت الله خامنه‌ای در خصوص بعد معنوی و عبادی حج معتقدند که یک روح واحد و آن هم توجه به ذات احدیت و عبودیت در کل حج جاریست، حج می‌فرمایند:

«دو نکته مهم در باب حج وجود دارد که همیشگی و فراموش نشدنی است. یکی مسأله معنویت در حج است، در خلال این واجب از اول تا آخر یک روحی وجود دارد که آن روح عبارت است از توجه و اخلاص به ذات مقدس احدیت و اظهار عبودیت در مقابل پروردگار. ... وقتی انسان‌ها به مرکز اقامه فریضه الهی حج، جذب می‌شوند از محدوده زندگی مادی و خارج و به فضایی کاملاً معنوی وارد می‌شوند.»<sup>۳</sup>

### ۴- ۱- شریعت طریق وصول به حقیقت

در مشرب عرفانی امام و رهبری، حقیقت و طریقت به آن، جز از طریق شریعت و انجام اعمال عبادی حاصل نمی‌شود و این خلاف آن چیزی است که عده‌ای عارف نما پنداشته‌اند. برخی مدعیان عرفان که نه از جذبه‌های عرفانی جرعه‌ای نوشیده‌اند و نه از حقیقت عرفان شهودی خوشه‌ای چیده‌اند و از آن مهجورند و به مبانی عرفان نظری هم جاهلند، گمان برده‌اند که پایبندی به احکام و ظاهر شریعت و انجام عبادات و فرایض چون نماز و روزه اسباب و وسایط ابتدایی برای سلوک سالکان است که پس از باریافتن سالک به منزل حقیقت، نیازی به انجام این گونه اعمال نیست. امام این نگرش را تصوف جاهلانه و عامیانه می‌داند و می‌گوید:

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۶۱.

۲. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۹۳.

۳. همان، ص ۱۵۶.

«طریقت و حقیقت جز از طریق شریعت حاصل نمی‌شود... هر کس بخواهد جز از طریق ظاهر به باطن دست یابد باید از نورانیت الهی بهره‌ای نبرده همچون بعضی از عوام صوفی»<sup>۱</sup>.

اما اکتفا و بسندگی به ظواهر و صورت نیز در عبادات و فرایض مورد پسند ایشان نمی‌باشد.

«اکنون که مسلمین کشورهای مختلف جهان به سوی کعبه آمال و حج بیت الله رو آورده و این فریضه عظیم الهی و کنگره بزرگ اسلامی در ایامی متبرکه و در مکانی متبرکه برپا گردیده است، مسلمانان مبعوث از قِبَلِ خداوند تعالی باید علاوه بر محتوای عبادی، از محتوای سیاسی و اجتماعی آن بهره‌مند شوند، و به صرف صورت قناعت نکنند»<sup>۲</sup> و تفاوت اعمال آدمیان با انبیای عظام و اولیای الهی نیز از دیدگاه ایشان در همین مسئله است که:

«... اصل اعمال انبیا مطلقاً به حسب صورت، با اعمال ما به حسب نوع موافق است. آنها نماز می‌خوانند ما هم نماز می‌خوانیم، آنها روزه می‌گیرند ما هم روزه می‌گیریم، آنها حج می‌روند ما هم حج می‌رویم، آنها قربانی می‌کنند ما هم قربانی می‌کنیم، وقوف می‌کنند ما هم وقوف می‌کنیم، این صورت را همه با هم مشترکیم. لکن - تفاوت - آن چیزی که اعمال ما را با آنها متفاوت می‌کند و اعمال انبیا را بعضاً با بعضی دیگر متفاوت می‌کند، آن مغز عمل است»<sup>۳</sup>.

بنابراین از دیدگاه امام(ره) و رهبری، حج مطلوب حجی است که همه ابعاد مختلف آن در آن محقق شود آن بُعد معنوی، عبادی و عرفانی است که ابعاد دیگر آن نیز بدون حصول این بعد سترون خواهد بود. و برای معرفت از بعد معنوی و عرفانی حج باید به عرفان و مبانی حضرت امام(ره) توجه داشت. مهمترین و اساسی‌ترین مسأله در بعد عرفانی و معنوی حج، عبودیت خداوند تعالی است که همه رمز و رازها و حرکات و مناسک و ابعاد آن باید در این طریقت و غایت مهم قرار گیرند.

## ۲- ابعاد اجتماعی و سیاسی حج

حج مطلوب و آرمانی از دیدگاه امام و رهبری دارای بعد اجتماعی و سیاسی در کنار ابعادی عبادی و معنوی آن است که برای آن نیز ویژگی‌ها و مختصات برمی‌شمرند، که از شاخص‌ها و تمایزات حج ابراهیمی(ع) و محمدی(ص) محسوب می‌شود.

### ۱- ۲- شرایط تحقق ابعاد اجتماعی

رویکرد امام و مقام رهبری عینیت یافتن نقش سازنده یا جنبه اجتماعی حج منوط به تحقق مراتب معنوی حج می‌باشد و این امر بیانگر جوهره و اساس بُعد معنوی حج است، معنویتی که حج را به عنوان عبادتی اجتماعی نمایان ساخته و مؤثر در سرنوشت جامعه اسلامی است.

۱. تعلیقات بر شرح فصوص الحکم، ص ۲۰۱.

۲. صحیفه حج، ج ۱، ص ۴۷.

۳. همان، ص ۱۴۷.

«حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام آور و ایجاد بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است».<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری درباره بعد اجتماعی حج مطلوب، آن را کانون و کلید دائمی حل مشکلات و معضلات مسلمین و جهان اسلامی می‌دانند:

«به نظر من حج گنج لایفنی است. تمام مشکلات دنیای اسلام، از طریق حج قابل رفع است. اعتقاد من این است که هم مشکلات سیاسی و هم مشکلات معنوی و انسانی و حتی مشکلات اقتصادی دنیای اسلام، به برکت حج قابل حل است. آن روزی که در دنیای اسلام، چند دولت حقیقتاً مؤمن به اسلام و حج وجود داشته باشد، می‌توان از طریق حج حتی مشکلات اقتصادی دنیای اسلام را هم برطرف کرد».<sup>۲</sup>

در این رویکرد، حج مطلوب باید چاره ساز و درمان کننده دردهای مسلمین و جهان اسلام باشد و مانع و دافع بزرگی برای آسیب‌های آنان باشد چنانچه حضرت آیت الله خامنه‌ای بیان می‌دارند.

«حج، آن شط همیشه جاری و آن عطیه بی زوال الهی است که مسلمانان تا ابد می‌توانند غبار رنج و مرارت و آلودگی و بیماری خود را در آن بسترند، و به کمک این ذخیره ابدی، هر دو نوع آسیب [فردی و اجتماعی] را در همه زمان‌ها از خود دور سازند».<sup>۳</sup>

در این نگاه «حج اگر درست و کما فرض الله اقامه شود قادر است، همچون دارویی شفابخش، همه این بیماری‌های اصلی و علت‌های ناکامی را درمان کند».<sup>۴</sup>

حضرت امام(ره) و مقام رهبری برای این بعد از حج مطلوب که همان حج ابراهیمی و محمدی(ص) از آن تعبیر می‌کنند ویژگی و مختصات و اهدافی به شرح زیر برمی‌شمرند که بدون تحقق آنها، به حج آرمانی و مطلوب دست نخواهیم یافت:

## ۲-۲ - آشنایی مسلمانان مختلف جهان با یکدیگر

آشنایی مسلمانان مختلف جهان با یکدیگر و اطلاع بر مشکلات اساسی اسلام و مسلمین و چاره جویی برای حل مشکلات و تعالی مسلمین. حضرت امام(ره) در خصوص این شاخصه حج ابراهیمی می‌فرمایند:

«یکی از فرصت‌های بسیار مناسب و مغتنم برای روحانیون، ارتباط با صاحب نظران و اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی است. از این موقعیت مناسب برای تبادل افکار و اندیشه‌ها و پیدا کردن راه حل برای معضلات جوامع اسلامی از خواسته‌های جمهوری اسلامی است».<sup>۵</sup>

و در پیام حج شان از علمای اسلام می‌خواهند که برای معضلات جهان اسلام با تبادل نظر راه حلی ارائه کنند:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۸۳.

۳. همان، ص ۱۸۵.

۴. مقام معظم رهبری، همان، ص ۱۸۹.

۵. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۰۷.

«علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومت‌های جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر پردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها را سپر کنند.»<sup>۱</sup>

مقام رهبری نیز درباره این خصیصه حج می‌فرمایند:

«موضوع مهم دیگری که حجاج بیت الله به عنوان بخشی از هدف حج باید به آن پردازند، مسایل مهم و جاری جهان اسلام است. اگر حج کنگره عظیم مسلمانان سراسر جهان است، بی گمان فوری‌ترین دستور این کنگره، مسایل روز مسلمانان در هر نقطه از جهان است.»

### ۳ - ۲ - تحکیم وحدت بین مسلمین

امام (ره) و مقام معظم رهبری برای تحقق این خصیصه و هدف بزرگ حج ابراهیمی همواره در پیام‌ها و سخنرانی‌های خویش در حج توصیه نمودند و با تأکید بر حفظ اخوت و وحدت اسلامی حول توحید، بر استفاده کامل سیاسی از حج، جهت مقابله با چهره‌های نفاق و وابسته و مزدور و توجه علمای جهان اسلام، به مسأله اتحاد و همگرایی مسلمانان توصیه نمودند. ایشان از مسلمانان می‌خواهند حج را کانون اتحاد و همبستگی و اصلاح امور مسلمین قرار داده و از این پایگاه بر سلطه ابرقدرت‌ها و حکومت‌های وابسته خاتمه دهند و به نجات فلسطین از چنگال صهیونیزم بین الملل با همدلی و اتحاد چاره‌جویی و اندیشه کنند:

«اکنون که در مرکز اسلام حیاتبخش به امر خداوند و رسولش گرد آمده‌اید و از هر ملت و مذهب در این مکان عظیم اجتماع کرده‌اید، برای این درد مهلک و سرطان کشنده چاره اندیشی کنید و باید بدانید که چاره اساسی در سایه وحدت همه مسلمین و اجتماع همگانی در قطع ید ابرقدرت‌ها از کشورهای اسلامی است.»<sup>۲</sup>

و در جای دیگر مسلمین را به وحدت و الفت و انس با هم دعوت می‌کند و تنها راه سعادت و وصول به مقاصد بزرگ جامعه اسلامی را در سایه همین الفت و وحدت می‌داند و آن را از مقاصد بزرگ همه انبیاء در تشکیل مدینه فاضله می‌داند:

«یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام، سلام الله علیهم، که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و شرایع و انبیای عظام (سلام الله علیهم) که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است. و اجتماع در مهام امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه ارباب تعدی است که مستلزم فساد بنی الانسان و خراب مدینه فاضله است و این مقصد بزرگ، که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و باطنی و ظاهری افراد جامعه.»<sup>۳</sup>

بر همین مبنا، مقام معظم رهبری بهترین نوع انس و الفت و اتحاد مسلمین را در سایه حج ممکن می‌داند و می‌فرماید:

۱. همان، ص ۲۱۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۶۶.

۳. چهل حدیث، ص ۳۰۹ - ۳۱۰.

«حج یک حرکت عبادی خالص، عمیق - خضوع، خشوع، ذکر، عبادت، تضرع و توسل - و با حالت اجتماع است. در کنار هم قرار دادن این دو چیز، مسأله را خیلی پر معنا می‌کند. اگر چه در اسلام عبادات اجتماعی، مثل نماز جماعت و نماز جمعه و نماز عید وجود دارد، اما این اجتماع عظیم و این مرکزیت دادن به ذکر و توحید و کشاندن همه مسلمان‌ها از آفاق عالم اسلامی با وجود اختلاف لهجه‌ها و نژادها و عادات و سنن و سلاقی و اختلاف مذاهب موظفند در یک نقطه جمع بشوند و اعمال ویژه‌ای را با هم انجام بدهند و این اعمال هم صرفاً عبادت و تضرع و ذکر و توجه است، خیلی پرمعناست. معلوم می‌شود بنابر نظر اسلام و دید اسلامی، اتحاد دل‌ها و جان‌ها فقط در میدان سیاست و در جهاد نیست، حتی رفتن به در خانه خدا و کنار هم قرار گرفتن دل‌ها و با هم بودن تن‌ها و جان‌ها نیز دارای اهمیت است. لذا ملاحظه بفرمایید در قرآن کریم می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً». اعتصام به حبل الله، تنها، تنها، فایده ندارد، «جميعاً» مهم است با هم اعتصام به حبل الله کنید، با هم به نقطه اطمینان بخش تعلیم و تربیت و هدایت الهی چنگ بزنید. با هم بودن مهم است. دل‌ها با هم، جان‌ها با هم، فکرها با هم. تن‌ها در کنار هم.»<sup>۱</sup>

مسأله اتحاد و وحدت مسلمین و جهان اسلام از چند زاویه و مبنا قابل بررسی است.

۱- ۳- ۲- **مصلحت عمومی مسلمین** - مسأله وحدت از دیدگاه حضرت امام(ره) و رهبری هم به اقتضای نیازها و ضروریات امروز جهان اسلام است که مصلحت عموم مسلمانان در کنار هم بودن و با هم بودن و متحد بودن است تا جبهه واحدی علیه استعمار و تجاوزکاران تشکیل گردد - از دیدگاه ایشان هر گاه مصالح عمومی جامعه اسلامی ایجاب نماید باید از اختلافات جزئی و فرعی گذشت و خواسته‌های فردی و گروهی را فدای مصالح جمع کرد. در این راستا سیره معصومان(ع) در تقیه مداراتی و همزیستی مسالمت آمیز با پیروان مذاهب اسلامی و حتی غیر مسلمانان اسوه و الگوی روشنی است که حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری با تأسی بدان به این مسأله عنایت ویژه دارند.

۲- ۳- ۲- **حفظ اسلام و مصالح آن** - یکی دیگر از ضروریات وحدت در اندیشه حضرت امام(ره) و مقام رهبری، حفظ اسلام و رعایت مصالح آن است. بدین معنا که اسلام و شریعت اسلامی باید حفظ شود و وحدت اتحاد مسلمانان در راه حفظ این امور بسیار مؤثر است. به عبارت دیگر، اساس، حفظ اسلام است و وحدت مکانیزمی برای تحقق آن است. حضرت امام(ره) در این باره می‌فرمایند:

«ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در حال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است.»<sup>۲</sup>

علت اینکه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری جهت دفاع از اسلام مسلمانان را به وحدت فرا می‌خوانند در این امر نهفته است که بیداری اسلامی در جهان اسلام باعث هراس دنیای استکبار شده است و آن را وادار ساخته است

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۴۸.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۳۶.



که برای حفظ منافع شان و تسلط بر جهان اسلام با این پدیده توفنده و در حال گسترش جلوگیری کنند چنانچه امام خمینی (ره) درباره علت دشمنی و مخالفت دولت آمریکا می‌فرماید:

«آن‌ها خوف این را دارند که اسلام آن‌طور که هست گسترش پیدا کند و به همه کشورهای اسلامی و به همه مستضعفین جهان پرتو افکند. آن‌ها خوف این را دارند، لهذا از اسلام می‌ترسند.»<sup>۱</sup>

در واقع امام (ره) به این نکته واقف بودند که دشمن، گسترش و بیداری اسلامی را مساوی با نابودی خود و قطع منافع و سلطه‌اش می‌داند بدین جهت می‌فرمودند:

«نقشه‌های حساب شده در کار است برای شکستن اسلام، مقصد اصیل این است که این‌ها چون از اسلام سیلی خوردند... لهذا برای آنان دشمن اصلی اسلام است.»<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری نیز در پیام حج‌شان به این نکته اصلی و محوری در کینه و دشمنی قدرت‌های استکباری می‌پردازند:

«امروز دشمن اسلام یعنی سردمداران استکبار و صهیونیسم، تفرقه‌افکنی میان مسلمین و غوفاگری در عرصه تبلیغات را بر ضد هر کشور و دولت و جمعیتی که از بیداری اسلامی و حاکمیت قرآن دم زند و داعیه عزت مسلمین را داشته باشد، مهمترین کار خود می‌داند.»<sup>۳</sup>

لهذا رهبران اسلامی و امت اسلامی باید در مقابل این ترندها هوشیار باشند و تدبیری اندیشه نمایند تا راه‌های ضربه‌پذیری و نفوذ دشمن را خنثی کنند. یکی از منفذهای ورود دشمن و یکی از ترندهای موثر آنان، ایجاد اختلاف و شکاف داخلی بین مسلمانان است چنانچه حضرت امام (ره) می‌فرماید:

«امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که تمام کشورهای عالم در تحت نظر سیاسی ابرقدرت‌ها هستند، همه جا ناظر هستند و برای شکست همه طوایف و قشرهای دیگر طرح دارند، و مهم‌ترین طرح‌ها آن است که بین برادرها اختلاف ایجاد کنند.»<sup>۴</sup>

با درک این وضعیت حساس و ترندهای دشمن است که حضرت ایشان از هر فرصتی به خصوص موسم حج که یک فرصت استثنایی است برای آگاهی بخشی به امت اسلام و ایجاد مودت و اتحاد اسلامی بهره گرفته و در پیام و توصیه‌هایشان بر این امر توصیه مؤکد نمایند.

و فریاد وحدت‌آمیز او همه دل‌ها و جان‌ها را به خود معطوف می‌سازد که می‌فرماید:

«سلاح ملت ما اسلام بود و وحدت کلمه»<sup>۵</sup>

این تجربه موفق انقلاب اسلامی را به عنوان ارمغان نجات‌بخش به همه ملت‌های مسلمان توصیه می‌کنند و در وصیت‌نامه الهی‌شان به امت اسلامی با تمسک به آموزه‌های دینی و تجربه مبارزاتی ملت ایران می‌نویسند:

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۹۰.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶۸.

۳. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۶۵.

۴. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۳۰.

۵. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۴۱.

«این جانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استعمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف، و تفرقه و اختلاف است. بی‌جهت نیست که بوق‌های تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده‌های بومی آنان، تمام توان خود را صرف شایعه‌ها و دروغ‌های تفرقه‌افکن نموده‌اند و میلیاردها دلار برای آن صرف می‌کنند... امروز و در آینده نیز، آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن خانه‌برانداز است.

توصیه اینجانب به مسلمین و خصوص ایرانیان به ویژه در عصر حاضر، آن است که در مقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود، به هر راه ممکن، افزایش دهند و کفار و منافقین را مایوس نمایند.»<sup>۱</sup>

حج فرصت و ساحتی است برای آگاهی بخشی درباره خطرات تفرقه و اختلاف و هم‌تمرین و ممارست همزیستی و با هم بودن و اعمال و مناسک حج، زمینه‌ساز همگرایی و تألیف قلوب و توحید کلمه مسلمانان می‌باشد. لهذا امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری در تمامی پیام‌هایشان یکی از فرازهای مهم و بخش معظم آن را به این امر اختصاص داده و همواره بر آن تأکید نمودند.

«چرا که اجتناب از طاغوت و شیطان و وحدت و همگرایی در حرکت دستجمعی و همراهی و همدلی و همگامی و هم‌زمانی همگان در طواف و سعی و وقوف در عرفات و مشعر و منی، و هدف گرفتن دستجمعی جمرات شیطان و رمی از همه‌جا و همه‌سو به آن و ابراز برائت عمومی از آن، حاصل می‌شود و در نهایت، گره خوردن دستها و دلها و عزم‌های مسلمین از همه جای امت اسلامی به یکدیگر و احساس قدرت و امنیت در سایه وحدت را پدید می‌آورد که «اذا جعلنا البيت مثابة للناس و أمناً»<sup>۲</sup>»<sup>۳</sup>

بنابراین اختلاف و تفرقه خطری برای اساس اسلام و امنیت منافع ملی جهان اسلام است.

۳ - ۲-۳ - توحید کلمه و عقیده - امام(ره) از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام را توحید کلمه و توحید عقیده می‌داند که تحقق آن منوط به برقراری وحدت و اتحاد مبتنی بر اخوت و برادری است، بنابراین وحدت می‌تواند عامل توحید کلمه باشد و این خود می‌تواند سبب همگرایی و معنایابی و اتحاد قلوب مسلمین گردد.

۴ - ۳ - ۲ - دستور و آموزه قرآنی - بر اساس آموزه‌های روشن و صریح و حکیمانه قرآن کریم، مسلمین مأمور به وحدت و اتحادند و از تفرقه منع شده‌اند. اما این وحدت هنگامی مؤثر خواهد بود که حول محور توحید و با اعتصام به حبل الله باشد چنانچه از نظر امام(ره) هر اجتماعی مطلوب نیست، بلکه تجمعی مطلوب است که حول محور الله باشد:

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۷.

۲. بقره، ۱۲۵.

۳. آیت‌الله خامنه‌ای، صحیفه حج، ج ۱۲، ص ۱۶۴.

«هر اجتماعی مطلوب نیست، و اعتصموا بحبل الله مطلوب است... مردم را دعوت کنید و به وحدت دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند.»<sup>۱</sup>

از این رو امام به عنوان رهبر دینی خود را مسئول به پی جویی این دستور الهی می‌داند و همواره امت اسلامی را به توحید و وحدت دعوت می‌نمودند.

مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید: علت تقدم «تفرق» بر «اختلاف» در آیه «تفرقوا و اختلفوا» این است که تفرقه ابدان مقدمه و عامل اختلاف در آراء و افکار است، زیرا اگر دو گروه با همدیگر مرتبط و مجتمع باشند، از لحاظ فکر و اندیشه نیز به همدیگر نزدیک شده و در اثر تماس و تبادل نظر، اتحاد و اتفاق در میانشان حاصل می‌شود و اما آنگاه که متفرق و از هم دور شوند و ارتباطشان قطع گردد، در میانشان اختلاف مشرف و مسلک پدید می‌آید و موجب تفرقه و درهم شکستن سد استوار وحدت می‌گردد و گویا خداوند متعال در این آیه چنین می‌فرماید: «مانند کسانی نباشید که در مرحله اول با ابدانسان از هم دور و از جامعه جدا شدند، آنگاه این دوری به اختلاف رأی و اعتقاد و در میانشان منتهی گردید.»<sup>۲</sup>

سیاست و استراتژی امامان معصوم(ع) در دوری از جدایی و عزلت شیعیان از جامعه مسلمین بر همین سنت و مبنا استوار بود. همین سیاست خردمندانه هم سبب گردید که نخبگان و بزرگان شیعه توانستند در تماس و ارتباط درست با جامعه مسلمین اندیشه و افکار و آداب و سیره امامان را منتقل و در جذب و جلب قلوب و اندیشه‌ها مؤثر گردند. لهذا سیاست امامان شیعه و رهبران دینی بر اجتناب از معرفی شیعه به عنوان «اقلیت جدا و دور از جامعه مسلمین» بود زیرا چنین اتفاقی پیامدهای ناخوشایند و آثار زیانباری به همراه می‌آورد، از جمله قطع ارتباط بیشتر جامعه با آنان و انزوای بیشترشان، حال آنکه شیعیان و نخبگان ایشان نسبت به این ارتباط و تعامل نیازمند بودند و هستند. تا بدین رو اندیشه و تفکر و فرهنگ شیعی و طرح اندیشه و جریان امامت را بنمایانند.

در واقع همواره اقلیت‌های مذهبی و دینی با وسواس و احتیاط اکثریت رو به رویند و تمام اندیشه و عقاید آنان مورد سوءظن قرار دارد و سخت تحت مراقبت رهبران دینی، سیاسی و فرهنگی اند. امامان شیعه(ع) با تدبیری عالمانه و خردمندانه از این انزوا و محصور شدن شیعیان از نظر ارتباطات و تعامل با دیگران جلوگیری کردند. از همین نگاه و زاویه است که امامان(ع) درباره تشویق شیعیان به مشارکت در اعیاد و مراسم عبادی و آیین مذهبی و ملی جامعه که اکثریت آن از شیعیان نیستند بسیار سخن گفته‌اند، چنانچه زید شمام از امام صادق(ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

«یا زید خالقو الناس بأخلاقهم صلّوا فی مساجدهم و عود و امراضهم، و اشهدوا جنازتهم»<sup>۳</sup>

«ای زید، با اهل سنت معاشرت کنید، در مساجدشان نماز بخوانید و از مریضانشان عیادت و در تشییع جنازه‌شان شرکت کنید...»

چنانچه در آخر همین روایت از حضرت بیان شده است حضرت می‌فرماید:

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۳۴.

۲. المیزان، ج ۳، ص ۴۰۷.

۳. من لایحضره الفقیه، صلوة الجماعة.

«فانکم اذا مغلتم ذلک قالوا هولاء الجعفریہ رحم الله جعفرأ ما کان احسن ما یؤدب اصحابه و اذا ترکتم ذلک قالوا هولاء الجعفریہ فعل الله بجعفر ما کان سوء ما یؤدب اصحاب»<sup>۱</sup>

«و اگر با آن چنین معاشرت و رفتاری داشتید خواهند گفت اینها جعفری هستند و خدا رحمت کند جعفر بن محمد را که پیروان خود را این چنین نیکو تربیت نموده است و اگر این نوع معاشرت را ترک کنید خواهند گفت خدا به جعفر بن محمد انصاف دهد که نتوانسته است پیروان خود را با آداب نیک تربیت کند.»

حضرت این نوع رفتار را تأثیرگذار در تألیف قلوب و نزدیکی بیشتر جامعه مسلمین می دانند و از ایجاد نفرت و جدایی نسبت به شیعیان جلوگیری می کند.

در آموزه های اسلامی، وحدت قلوب و اتحاد جامعه در حوزه سیاست محدود نمی شود بلکه نوع برتر و پایدارتر وحدت در سایه انجام مناسک و مراسم و آیین ها و اعمال مشترک است که این همگرایی در عبادات و آیین ها، همدلی و الفت بین قلوب را به همراه دارد.

چنانچه مقام معظم رهبری با آگاهی به همین سیره و سنت اسلامی می فرماید:

«بنابر نظام اسلام و دید اسلامی، اتحاد دلها و جانها فقط در میدان سیاست و در جهاد نیست، حتی رفتن به در

خانه خدا و کنار هم قرار گرفتن دلها و با هم بودن تنها و جانها نیز دارای اهمیت است.»<sup>۲</sup>

این خود از رمز و رازها و رهاوردهای مهم سفر حج می باشد که با آنکه یک عمل عبادی است اما اجتماع عظیم مسلمانان که در کنار هم و با هم به جماعت و انجام مناسک در یک جهت با یک ادبیات و در آیین مشترک به عمل می آورند موجب نزدیکی قلوب و الفت بیشتر مسلمانان می شود. از این روست که حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری بر اجتناب زائران و حج گزاران از رفتار و برخوردهای تفرقه آمیز که خلاف فلسفه و جوهره حج می باشد، منع نمودند و هر نوع رفتار اختلاف انگیز را ضربه زدن به اصل فریضه حج تلقی می کنند:

«اینهایی که می بینید در مراسم حج دنبال اختلاف افکنی، فتنه انگیزی و ترویج افکار موهوم و خرافاتی و متحجر خود هستند، همان سر انگشت های دانسته یا ندانسته ای هستند که دارند این ذخیره (حج) را نابود می کنند و از بین می برند.»<sup>۳</sup>

بنابراین یکی از «مهمات و فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است.»<sup>۴</sup>

۵ - ۳ - ۲ - وحدت به منزله جلوه ای از رحمت و تأیید الهی، ایشان اتحاد و وحدت را از الطاف و جلوه رحمت خداوند و مؤید به تأیید الهی می دانند و به مسلمانان توصیه می کند «وقتی که با هم باشید پشتیبانان خدای تبارک و

۱. من لایحضره الفقیه، صلوٰة الجماعه.

۲. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۹۳.

۳. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۹۶.

۴. امام خمینی (ره)، صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۳.

تعالی است»<sup>۱</sup> و با همین نگاه است که مقام رهبری حج را از آیات و معجزات الهی در سوق دادن امت اسلام با شوق قلبی به سرزمین مقدس وحی می‌دانند:

«فریضه حج، درس توحید و وحدت را، در کالبد این خانواده کهنسال و ریشه دار تزریق می‌کند و هر سال شکوفه‌های تازه‌ای، بیش از گذشته، تجدید بهار ایمان و حیات دینی و انس و مودت اسلامی را، نوید می‌دهد، و ساخته‌های دست دشمن را باطل می‌سازد. این معجزه حج است که علیرغم درگیری‌ها و منازعاتی که، در آن حکومت‌های مسلمان بارها در برابر یکدیگر صف آرایی کرده‌اند، هرگز پیوندهای فکری و عاطفی و ایمانی میان ملت‌های مسلمان قطع نشده و تأثیرات متقابل این ملت‌ها همواره رو به افزایش بوده است»<sup>۲</sup>.

۶- ۳- ۲- تکلیف الهی و شرعی - امام(ره) و مقام معظم رهبری با توجه به ضرورت اجتماعی و آثار مهم وحدت، آن را تکلیفی الهی و شرعی و مبتنی بر ضرورت عقلی و شرعی و اجتماعی می‌دانند و بارها در پیام حجتان بر کاربست سازوکارهایی که در تحقق این امر همانند شرکت در اقامه جماعت، پرهیز از برخی اعمال که موجب رنجش مسلمانان سایر مذاهب می‌شود و احترام به مسلمانان و برخورد محبت آمیز به آنها، تأکید ورزیدند.

۷- ۳- ۲- اخوت و برادری - ایشان در موارد متعددی وحدت حقیقی را در گروه الفت و محبت و انس قلوب مؤمنان یعنی اخوت اسلامی دانسته<sup>۳</sup> و چنین وحدتی را پایدار می‌داند و سیره نبوی(ص) در تشکیل جامعه اسلامی با همین سازوکار کارآمد، نمونه بارز اثربخشی این عنصر ارزنده می‌باشد.

۸- ۳- ۲- تحقق حکومت - یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات وحدت در اندیشه حضرت امام(ره) برقرار شدن حکومت اسلامی است، به اعتقاد ایشان برای تحقق حکومت اسلامی، وحدت شرط لازم آن است و حکومت نیز برای تأمین وحدت ضروری است. در واقع این دو ملازم یکدیگر و وجود یکی وابسته به دیگری است.

ایشان با هوشیاری و آگاهی کامل از وضعیت جوامع اسلامی و نگاه به اوضاع اجتماعی حاکم بر آنها، رمز تمام گرفتاری‌های کشورهای اسلامی را در اختلاف کلمه و عدم هماهنگی و رمز پیروزی را در وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی می‌داند.<sup>۴</sup>

از دیدگاه مقام معظم رهبری وحدت و اتحاد عامل قدرت و نجات، سیادت و برتری و سرافرازی و استقلال واقعی کشورها و کلید مقاومت در برابر سلطه جویی استعمارگران است.<sup>۵</sup>

بنابراین از نظر حضرت امام(ره) و مقام رهبری، اجتماعات مسلمین در حج مطلوب، محل حل مشکلات و اجتماع بزرگ اسلامی است که از آن به نفع اسلام و مسلمین بهره‌برداری می‌شود و در آن عزت و عظمت مسلمین پی جویی می‌گردد. ایشان سرچشمه عظمت امت اسلامی را اجتماع در حق و وحدت کلمه و کلمه توحید می‌دانند

۱. همان، ج ۷، ص ۱۰۷.

۲. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۱۶-۱۱۷.

۳. ر.ک، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۴۰.

۴. ر.ک، همان، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

۵. ر.ک، صحیفه حج، ج ۲.

که حج آرمانی و مطلوب تبلور تام و تمام نمای آن است. و لذا تلاش دارند تا با بیداری اسلامی این امر را محقق سازند.

### ۳- حج مطلوب، حج همراه با برائت

حضرت امام(ره) و رهبری معظم انقلاب، حج مطلوب را حجتی می‌دانند که علاوه بر نماد خلوص عشق موحدان، مظهر کامل نفرت از مشرکان و منافقان باشد. از دیدگاه حضرت امام(ره) تحقق دیانت جز با اعلام محبت و وفاداری به حق و تنفر از شرک و کفر ممکن نخواهد بود:

«... مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون صفتی و نامردمی است عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق «الست بریکم»<sup>۱</sup> بت‌آلهه‌ها و اربابان «متفرقون»<sup>۲</sup> شکسته شود.»<sup>۳</sup>

امام(ره) حج مطلوب را کانون مبارزه علیه استکبار و کعبه را مرکز به صدا درآوردن ناقوس مرگ متجاوزان و شکستن بت‌ها و شیاطین می‌دانند و معتقدند که حج خلیل الله و حبیب الله و ولی الله منوط به طرد شیاطین است. و اعلان برائت، مرحله اول مبارزه است که از طریق آن مسلمانان از حیثیت اسلامی - انسانی خود دفاع می‌کنند.<sup>۴</sup> مقام معظم رهبری درباره این ویژگی و خصیصه حج مطلوب می‌نویسند:

«اینجا اردوگاه بزرگ امت اسلامی است، جایگاه تمرین خدایی و مردمی شدن، از خودهای دروغین و شرک آلود بیرون جستن، و به «خود» حقیقی و الهی پیوستن. اینجا جایگاه برائت از دیو و دد و شیطان و پیوستن به جنود رحمان است. جایگاه تجدید عهد: «ان لاتعبدوا الشیطان» و پاسخ به «ان الله بری من المشرکین و رسوله است».<sup>۵</sup> رهبری معظم انقلاب اسلامی، برائت را از «ارکان حج بلکه بالاتر روح حج و معنا و هدف و جهت حج»<sup>۶</sup> می‌دانند و با همین نگاه متعالی است که می‌فرمایند:

«خطاست اگر کسی خیال کند که می‌شود هر یک از ارکان و اعمال حج را با روح حج و جهت کلی آن مقایسه کند. برائت این است.»<sup>۷</sup>

۱. بخشی از آیه ۷۲ سوره اعراف.

۲. اشاره به آیه ۲۹ سوره یوسف.

۳. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۹۷.

۴. ر.ک، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۵.

۵. همان، ج ۲۲، ص ۲۸۷ - ۲۸۸.

۶. همان، ص ۹۲.

۷. همان.

از منظر ایشان، اعلان برائت، مرحله اول مبارزه است که از آن طریق مسلمانان از حیثیت اسلامی - انسانی خود دفاع می‌کنند و آن را زمینه ساز حکومت جهانی اسلام می‌دانند.

از دیدگاه امام(ره) مسأله برائت در حج تأسی به سیره و سنت رسول الله(ص) است، لذا منحصر به یک زمان و دوره خاص نمی‌باشد اگر چه ممکن است در دوره‌ها و مقاطع مختلف شیوه اعلام برائت نمودهای مختلف و متفاوت داشته باشد. و مهمتر آنکه از دیدگاه امام(ره) هدف از برائت از مشرکان، آزادسازی انرژی متراکم جهان اسلام، اعلام نفرت و انزجار از ابرقدرت‌ها و فریاد بر همه متجاوزان و ستم پیشگان عالم است و آن را هم از آموزه‌های قرآنی و هم مستند به سنت و سیره انبیا و به خصوص پیامبر خاتم(ص) و امیر مؤمنان(ع) می‌دانند.

#### ۴ - حج تجسم یک زندگی آرمانی و زیست موحدانه

از دیدگاه حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری، حج یک صحنه پویا و نمادی از زندگی موحدانه مسلمانان است تا با تمرین و ممارست در آن، امکان و توانی برای بازیافت و ترسیم و تقویت آن زندگی موحدانه و حیات طیبه و عقلانی در میان مسلمانان ایجاد گردد:

«حج عبادت است و ذکر و دعا و استغفار، اما عبادتی و ذکر و استغفاری در جهت ایجاد حیات طیبه امت اسلامی»<sup>۱</sup>

و در جای دیگر در پیامی به حجاج بیت الله الحرام می‌نویسند:

«زندگی در آیین حج، یک سیر دائمی بلکه یک صبرورت دائمی به سوی خدا است و حج آن درس همیشه زنده عمل و سازنده است که اگر به هوش باشیم راه و رسم زندگی ما را در صحنه عملی و روشن ترسیم می‌کند میعاد همگانی، هر سال تشکیل می‌شود تا مسلمانان در آن محیط وحدت و تفاهم، و در پرتو ذکر الهی، راه و جهت زندگی را بیاموزند.»<sup>۲</sup>

با این رویکرد است که جامعه اسلامی همواره بدان نیازمند است و باید از آن به عنوان شطّ فیاض برای درمان دردها و تمرین و ممارست بر همگرایی و حیات طیبه و عقلانی بهره گیرد. اگر دولت‌ها و حکومت‌ها بخواهند کمال انسانی را در زندگی جمعی و فردی تعقیب نمایند، - همانند آنچه در اسلام برای حکومت‌ها به عنوان وظیفه اولیه و اساسی تعیین شده است - می‌بایست حج بسان یک نماد و تجلی دائمی این صبرورت و سیر الی الله مورد توجه قرار گیرد و در رأس سیاست‌های نظام اسلامی قرار گیرد و در جهت تقویت و برای ارتقا و تحقق آن حج مطلوب سرمایه‌گذاری شود. از این روست که مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«بر پایه همین درک درست از اهمیت حج بود که پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی در ایران، مسأله حج در صدر اقدامات بین المللی حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفت و دولت کریمه، جنبه سیاست‌اللہی این فریضه را که مظهر عزت و قدرت حضرت حق تعالی است با جنبه عبادت‌اللہی آن که جلوه‌گاه غفران و رحمت ربوبی است به هم آمیخته... است.»<sup>۳</sup>

۱. حضرت آیت الله خامنه‌ای، صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۱۱۸.

۳. همان، ص ۱۹۰.

به همین دلیل از دیدگاه رهبری معظم انقلاب که تعیین کننده سیاست‌های کلی نظام اسلامی و سرسلطه جنبان بیداری و حرکت اسلامی در جهان می‌باشند:

«حج یک کار استراتژیک و اساسی برای ماست ... حج یک فرصت و یک میدان است و به این چشم باید به آن نگاه کنیم.»<sup>۱</sup>

و لذا خداوند متعال بر اساس آنچه در قرآن بیان کردند این فریضه را برای اعلام حضور مؤمنان در حج به جهت اینکه «لِيشهدوا منافع لهم»<sup>۲</sup> و «قياماً للناس»<sup>۳</sup> و «برائة من المشركين» معین و فرض دانسته است. تا مؤمنان نیز با تأسی به این صحیفه نورانی و حیانی به حیات طیبه و معقول دست یازند و به صلاح و فلاح نایل گردند.

## ۵. حج مطلوب سازنده هویت جمعی و اسلامی مسلمین

انسان در دنیای معاصر آرامش و امنیت را همراه با استقلال، آزادی و بها دادن به کیستی، چیستی و نقش خود در جامعه می‌خواهد. به تعبیر دیگر انسان معاصر برای رسیدن به نیازهای مادی و معنوی خود، به آرامش و اطمینان، سعادت و رفاه خویش همواره در مورد انسان «کیست، جهان چیست، و او چه نقشی در جهان و جامعه دارد؟ پرسش‌های متعددی را مطرح ساخته که عصاره آنها در گرو روشن شدن پاسخ این پرسش است که هویت چیست؟ امری شخصی است یا در ارتباط با فرهنگ، اجتماع و سیاست تعریف می‌شود؟ آیا برای درک دقیق هویت به علم تاریخ نیازمندیم؟ و آیا رویکردها و رهیافت‌ها در تعریف هویت تعیین کننده‌اند؟ و آیا هویت در گرو معرفت‌شناسی نسبت به خود است؟

این پرسش‌ها و پاسخ‌ها گویای آن است که راه کمال آدمی در خود اوست و اعمال ظاهری و باطنی تنها با نگاه به استکمال به او یاری می‌رساند که در نفس او تأثیر کنند و آن را تعالی بخشند. از این رو، هر امری که بیرون از ذات انسان باشد (نظیر: شهرت، ثروت، جاه و مقام) کمال حقیقی او نخواهد بود. مراتب معنوی مانند مقامات اعتباری دنیوی نیست که کسی را به آن نصب یا از آن عزل کنند، بلکه هر کس خود، مرتبه‌ای از کمال است «هم درجات عند الله»<sup>۴</sup>. همان گونه که بیان شد انسان موجودی با ابعاد مختلف است، از این رو کمال او در گرو رشد همزمان و هماهنگ تمام ابعاد وجودی‌اش است تا همه استعدادها و قابلیت‌هایش - در ساحت روحانی و جسمانی - به گونه‌ای مطلوب به فعلیت درآیند. منتها انسان‌ها برخی نیازها را بر دیگری ترجیح می‌دهند، یا اولویت بندی می‌کنند. دست کم حداقل از این رو می‌توان گفت آدمی در هر صورت موجودی معناخواه یا ارزش‌گذار است و گریزی از این امر ندارد. در این میان انسان نیازمند منبعی انسانی یا فرا انسانی است که ارزش‌گذارهای او را تأیید

۱. همان، ص ۱۴۸.

۲. حج، ۲۸.

۳. مائده، ۹۷.

۴. آل عمران، ۱۶۳.



کند و آنها را به رسمیت بشناسد. این گونه مطالبات نیاز به معناخواهی نامیده می‌شود.<sup>۱</sup> پس هویت یعنی معناداری و عمل در چارچوب آن معنا. بر مبنای همین نگاه است که حضرت امام(ره) همواره در تمامی پیام‌های صادره به حجاج بیت الله الحرام، از انقلاب اسلامی ایران به عنوان نوعی پاسخ به خودباختگی در مقابل غیر می‌دانند و بر آن تأکید می‌ورزند. چنانچه در پیام حج سال ۱۳۶۴ می‌نویسند:

«... عرفات و مشعر و منا میهماندار کسانی هستند که ملت مسلمانان با عرفان و شعور سیاسی قیام نموده‌اند تا آرمان‌ها و امانی اسلام را در کشور خود و سایر کشورهای مظلوم تحت ستم تحقق بخشند، و سیاست بازان قلابی راه، که با فریب و دغل بر مظلومان جهان تاخته و هستی همه را غارت نموده‌اند، رسوا کنند. و دیدید و دیدیم که یک ملت کوچک و در یک محیط محدود و جمعیت معدود با عزمی بزرگ و اراده‌ای قوی و مشتکی آهنین، با اعتماد به خدای قادر متعال، چه سان رژیم طاغوتی راه، با آن همه ساز و برگ جنگی و آن همه پشتیبانی قدرت‌های بزرگ، از صحنه روزگار محو کرد و چه سان دست ابر قدرت‌ها را از کشور خود کوتاه کرد.»<sup>۲</sup>

با همین نگاه، مقام معظم رهبری در پیامی به مناسبت برگزاری مراسم حج سال ۱۳۷۶ می‌نویسند:

«درس بزرگ امام راحل عظیم الشان ما (قدس سره) بازگشت به خود، بازگشت به اسلام و شناختن قدر خود و قدر ذخایر معنوی بی شمار خود بود. ملت ایران با عمل به این درس، در راه سعادت قدم نهاد و در آن، مراحل متعددی را طی کرد و همچنان در آن راه پویاست.»<sup>۳</sup>

رهاورد این سخنان و نگاه‌ها بر این اصل استوار است که زیر بنای حرکت مردم ایران مسایل فرهنگی و هویت‌خواهی بود، و از همین زاویه نگاه و با تجربه حاصله از انقلاب اسلامی ایران و نیز مؤیدات فراوان در تجربه تاریخی، مسلمانان به خصوص در دوره صدر اسلام است که حضرت امام و مقام معظم رهبری، تنها راه تغییر صحنه سیاسی جهان اسلام و تغییر موازنه قدرت به نفع مسلمانان را تنها با بازگشت مسلمین به خویشتن و هویت اسلامی و ملی‌شان می‌دانند و حج به عنوان یک ذخیره پایان ناپذیر و یک الگوی بی بدیل در این مسیر کارآمدترین و مؤثرترین مکانیزمی است که اگر از آن به درستی استفاده شود و همه زوایا و ابعاد آن به درستی باز شناخته و بدان معرفت حاصل گردد، می‌تواند یک حرکت مؤثر و بالنده را جهت بازیافت هویت جمعی مسلمین و احیای قدرت و منزلت از دست رفته شان مدد رساند.

«امروز ندای پیامبر رحمت، رساتر از همیشه به گوش می‌رسد و دعوت اسلام که دعوت به عدالت و آزادگی و رستگاری است، باطنین بیشتری شنیده می‌شود، پاره‌های شب سیاه استکبار و ظلم و خودکامگی از سوی و جهل و خرافه و فریب از سوی دیگر، بشر را بیش از گذشته، نیازمند نور رستگاری و تشنه عدل و صلح و برادری کرده است.

۱. پورفرد، مسعود، انقلاب اسلامی، پرسش‌ها و چالش‌های فراروی آن، ص ۲۶.

۲. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۱۲.

امروز ندای ملکوتی: تعالوا الی کلمه سوا بیننا و بینکم الا نعبد الا الله... که ردّ خداوندان زور و زر و صف آرای  
در برابر ستم و ستمگر است، گوش و دل اسیران و ستمدیدگان را بیش از همیشه می‌نوازد. و مؤذنه: ان الله علی  
نصرهم لقدیر، به آنان دلگرمی و امید می‌بخشد.<sup>۱</sup>

نخستین مخاطب این الهام خدایی ملت‌های مسلمانند. بیداری اسلامی، شرق و غرب جهان اسلام را به جنب و  
جوش آورده و احساس هویت و شخصیت را در آنان باز آفریده است.

حال پرسش این است که هویت یابی و معناخواهی چیست و چه جایگاهی دارد؟ و چگونه حج به عنوان یک نظام  
عبادی و سیاسی فاخر در احیا و حفظ و بالندگی آن مؤثر می‌باشد؟

هویت جمعی در ساحت‌های اجتماعی و سیاسی یک اصل و قاعده سیاسی است. قرآن کریم نشان می‌دهد که  
فرعون ابتدا هویت و معناخواهی را از قوم خود سلب کرد و آنها را به موجوداتی منفعل تبدیل کرد «فاستحف قومه  
فطاعوه»<sup>۲</sup> پس قوم خویش را تحقیر کرد، پس از او اطاعت کردند. بر مبنای همین آموزه قرآنی است که رهبر  
معظم انقلاب اسلامی در پیام حجشان یکی از دلایل سلطه استعمارگران بر جهان اسلام و ذخایر مادی آنان را  
تحقیر و شکست غرور مسلمین می‌دانند و می‌نویسند:

«گذشته امت اسلامی چیزی است که استعمار از هنگام ورود به آسیا و آفریقا، همت بر مخدوش ساختن و به  
فراموشی سپردن آن داشته است. تسلط بر ذخایر مادی و انسانی در کشورهای اسلامی و به دست گرفتن  
سرنوشت ملت‌های مسلمان - که هدف استعمارگران، مستقیم و غیر مستقیم، از اواخر قرن هیجدهم میلادی به  
این طرف بوده - به طور طبیعی ایجاب می‌کرد که احساس غرور و شخصیت ملل مسلمان شکسته شود و آنها  
از گذشته پرشکوه کاملاً منقطع شوند و بدین گونه فرهنگ و اخلاق خود را رها کرده، آماده پذیرش فرهنگ  
غرب و تعالیم استعماری شوند.»<sup>۳</sup>

این مطلب مبین اهمیت بی بدیل هویت فردی و جمعی است که متأسفانه در فرصت عظیم حج و سایر عرصه‌های  
ارزشمندی که اسلام عزیز با طراحی شایسته در اختیار مسلمانان قرار داده است مورد غفلت قرار گرفته است.

## ۱ - ۵ - چستی هویت

در فرهنگ معین به معنی هستی، وجود یا آنچه موجب شناسایی شخص می‌شود، آمده است. در فرهنگ عمید به  
معنی حقیقت شی یا شخصی است که مشتمل بر صفات جوهری او باشد و در فرهنگ دهخدا به معنی تشخیص  
انسان در نظر گرفته شده است.

۱. همان، ص ۲۸۸.

۲. زخرف، ۵۴.

۳. صحیفه حج، ج ۲، ص ۶۲.

در اصطلاح برخی هویت را به معنی معناداری در جامعه دانسته‌اند.<sup>۱</sup> درباره هویت گروهی گفته‌اند:

«فرآیند پاسخ‌گویی آگاهانه به پرسش‌هایی از گذشته و حال یا احساس تعلق به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند.<sup>۲</sup> بعضی آن را به صورت احساسی نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف کرده‌اند و معتقدند برداشت یک فرد از خودش - به رغم تغییر رفتارها و احساسات - همواره مشابه است.

گروهی نیز گفته‌اند: انسجامی است که افراد می‌توانند در زمینه ارزش‌ها، آرمان‌ها و هدف‌های زندگی و باورهای خود داشته باشند و همان پاسخ به سه پرسش چیستی، کیستی و نقش انسان در جامعه است.<sup>۳</sup>

در جمع بندی تعاریف اصطلاحی شاید بتوان گفت: «هویت ویژگی‌ها و صفاتی است که از طریق خود و رابطه با دیگران به دست می‌آید و دو مشخصه دارد: ۱- یکپارچگی (self) ۲- تمایز (other).

**تفاوت هویت و شخصیت** - شخصیت احساسات و ادراکاتی است که فرد از کل وجود خود دارد. شخصیت زیر مجموعه هویت است و هویت مفهومی گسترده‌تر از شخصیت دارد. اما این دو در هم تأثیر گذارند.<sup>۴</sup>

منظور ما از هویت، مفهوم تاریخی - فرهنگی آن است، پس در اینجا هویت جمعی از مفاهیم بین رشته‌ای در علوم انسانی است و نقطه آغازین آشنایی با مفهوم هویت، خودشناسی است. تأکید حضرت امام در پیام حج بر ضرورت خودشناسی مسلمانان از این زاویه قابل فهم می‌باشد.

«هان ای مسلمانان قدرتمند، به خود آید و خود را بشناسید».<sup>۵</sup>

رهبری معظم انقلاب نیز معرفت به خود را از برکات مهم و کلید درک همه برکات حج و حج را صحنه انحصاری آن می‌دانند:

«اگرچه برکات حج، همه جنبه‌های حیات بشری را فرا می‌گیرد و این باران رحمت بی دریغ، از خلوت دل و اندیشه آدمی تا عرصه سیاست و اجتماع و قدرت ملی مسلمانان و تعاون میان ملت‌های مسلمان را، بارور و سرزنده و برخوردار از شور زندگی می‌سازد، لیکن شاید بتوان گفت که کلید این همه، «معرفت» است و نخستین هدیه حج به کسی که مایل است چشم خود را به حقایق بگشاید و از نیروی خدا داده‌ای «فهم پدیده‌ها» بهره بگیرد، همان معرفت و شناخت منحصر به فردی است که عادتاً جز در حج، در اختیار خیل عظیم مسلمانان قرار نمی‌گیرد. و هیچ پدیده‌ای دینی دیگری نمی‌تواند مجموعه شناخت‌هایی را که در مراسم حج، قابل وصول است، یکجا در اختیار امت اسلامی قرار دهد. این معرفت، عبارت است از مجموعه‌ای از شناخت‌ها که از جمله آنهاست:

۱. رجایی، فرهنگ، معرکه جهان بینی‌ها در خردورزی سیاسی، ص ۲۲۳.

۲. سیف زاده، حسین، بحران هویت، روزنامه خراسان، ۸۷/۵/۳۰، ص ۵.

۳. ماهنامه حدیث زندگی، سال سوم، شماره ۲، سال ۸۲، ص ۱۰۸.

۴. ر.ک، همان، سال سوم، شماره ۲، سال ۸۲، ص ۶۱-۷۲.

۵. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۶۱. (پیام به حجاج در حج سال ۱۳۶۴).

شناخت خود به عنوان یک فرد، شناخت خود به عنوان جزئی از مجموعهٔ عظیم امت اسلامی، شناخت نمونه و نمایی از آن امت واحده<sup>۱</sup>».

بنابراین شناخت خود و معرفت به خود نقطه آغاز و شروع هویت یابی است. به خود در ادبیات فلسفی و الهیات به مثابه جایگاه انتخاب‌ها و مسئولیت اخلاقی و در روانشناسی به منزله بنیان یکتایی و روانکاوی فرد اشاره می‌شود و در جامعه‌شناسی تأکید بر تعاملات فرد در اجتماع و احساس تعلق شخصی به گروه خاص را نمایان می‌کند که بیشتر جنبه عمومی هویت را از زمینه‌های خصوصی‌تر متمایز می‌سازد. در مجموع هویت توانایی انسان‌ها یا خودآگاهی به من فاعلی خود به مثابه «داننده» و من مفعولی خود به مثابه «دانسته شده» مفهوم بندی می‌شود.<sup>۲</sup>

## ۲-۵- عناصر هویت

هویت دارای دو دسته عناصر ثابت و متغیر می‌باشد. منظور از عناصر ثابت این است که سرچشمه و منبع آن لایه‌های زیرین فرهنگ یا ارزش‌های بنیادین معرفتی انسان است که به من فاعلی مربوط است، مانند اعتقادات، اندیشه‌ها، باورها، ارزش‌ها و ... منظور از عناصر متغیر هم لایه‌های بیرونی فرهنگ یا روئین معرفت انسان است، مانند شرایط اجتماعی و سیاسی در جامعه، عوامل محیطی و...

مجموعه‌ای از باورها هستی‌شناسی‌ها و اعتقادات زیرین فرهنگی، بینش فرهنگی برای انسان ایجاد می‌کنند که کمک شایانی به معناداری و معناخواهی انسان می‌نماید. این عناصر ثابت تا زمانی که از نسخ اندیشه باشند و به صورت باور درآمده باشند، از بین نخواهند رفت و تنها در مقابل اندیشه برتر و قوی‌تر از خود، حالت تداخل و اشتراک پیدا می‌کنند یا خود را مدیون اندیشه برتر - به لحاظ منابع تغذیه‌ای - می‌دانند یا در مقابل اندیشه ضعیف‌تر حالت تدافعی و تهاجمی می‌گیرند. پس عنصر ثابت هویت چون از نسخ اندیشه است، از بین نمی‌رود، بلکه در شکل تکامل و تحول یافته‌تر تجلی می‌یابد یا حاشیه نشین می‌شود و چون از مقوله فرهنگ است، شکل‌گیری یا حاشیه نشینی مدت مدیدی را به خود اختصاص می‌دهد و از این رو ما از طریق آثار و نتایج آن - با توجه به عنصر زمان و مکان - آگاه می‌شویم. برای نمونه هویت جمعی (تاریخی - فرهنگی) ما مسلمانان که اسلام را پذیرفته است، حالت تکاملی و تحولی داشته است و ریشه توحیدی هر دو هویت برای ملل مختلف مسلمان عامل اصلی جمع شدن بین هویت ملی و هویت دینی شان است. ولی در مقابل هویت بیگانه موضع گرفته است و در زمان‌های مناسب آن هویت متعدد را مانند هویت‌های وارداتی نظر هویت هِلنی که هویت سخیف و ضعیف در مقابل هویت

۱. همان، ج ۲، ص ۲۱۸ - ۲۱۹.

۲. ر.ک، پورفرد، مسعود، پیشین، ص ۳۵.

۳. ر.ک، همان ص ۳۶.

ایرانی و اسلامی مثلاً برای ایرانیان مسلمان بوده، طرد کرده است. زیرا نقطه یا نقاط مشترک در آن نیافته است و گرنه معنی ندارد آنها را نپذیرد.

شایان ذکر است انسان‌هایی که در باورهای پایه‌ای خود ضعیف (تقلیدی و بر اساس آداب و سن گذشته) عمل کرده‌اند با هر اندیشه و فکر یا شبه اندیشه و فکر متزلزل خواهند شد و باورهای آنها دائماً حاشیه نشین خواهند شد. اما عناصر متغیر که از لایه‌های بیرونی و روئین فرهنگ برخاسته‌اند و به من مفعولی مربوط هستند، بیشتر از نسخ شرایط اجتماعی و سیاسی‌اند، از نظر جامعه‌شناسی معرفت نمی‌توان آنها را تأثیرگذار تلقی نکرد، بلکه همین عوامل محیطی یا شرایط سیاسی - اجتماعی در جامعه خود محصول اندیشه و فکر خاصی بوده‌اند که می‌توانند در حوزه تعامل با عناصر ثابت فرهنگ قرار گیرند و چون ما آنها را به صورت یک نگاه کل گرایانه می‌بینیم، نباید از روابط اجزا یا نگاه استقرایی در نظام هویت غافل بمانیم، یعنی شرایط سیاسی و اجتماعی چون از نسخ عمل‌اند، در نظر نخست به ظاهر عده و عده آنها نگاه می‌شود. حمله اسکندر، مغول، محمود افغان به ظاهر بر هویت ایرانی پیروز شدند و چون از نسخ عمل‌اند، ما به لحظه‌ها و عده و عده‌ها نظر می‌افکنیم، در حالی که اینها حامل فرهنگ هلنی، فرهنگ شمنی، فرهنگ ایلی و قومی هستند که از چنین اندیشه‌اند و در تعامل با اندیشه ایرانی باید از قواعد و اصول منطقی فرهنگ ایرانی اطاعت کنند و چون در دستگاه و نظام هویت ایرانی سنخیت و انسجام درونی نداشتند، در باطن شکست خوردند، هر چند در ظاهر پیروز جلوه کردند. اندیشه اسلامی چون در زمینه فکری و اندیشه با باورهای توحیدی نقطه مشترک دارد، تعامل ایجاد شد و پیروزی و شکست در آنجا معنی نداشت، همان گونه که امروز هویت تاریخی - فرهنگی ما همان هویت ایرانی - اسلامی ماست.

**تقسیم بندی هویت - هویت به اقسام زیر قابل تقسیم بندی است:**

۱- هویت فردی: منظور نقش روانکاوی و حوزه روانی فرد است. احساس به نسبت پایدار از یگانگی خود در مقابل دیگری.

۲- هویت خانوادگی: ورود به بخش دیگر به نام ایفای نقش شخصیت و هویت فردی در شکل ساده قبل از اجتماع است.<sup>۲</sup>

شخصیت در هر دو هویت فردی و خانوادگی شکل می‌گیرد. برای مثال شخصیت در خانواده‌ای که از نوع گسترده‌تر است با خانواده‌ای که از نوع هسته‌ای است، فرق می‌کند و یا شخصیت در خانواده‌ای که نظام تمرکز و متصلب دارد، بیشتر شخص اقتدارگرا تحویل جامعه می‌دهد و خانواده غیر متمرکز با نظام غیر متصلب بیشتر شخص آزادی جو تحویل می‌دهد.

۱. ر.ک، جامعه‌شناسی علم، علیمحمد کاردان، ص ۱۷.

۲. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، ص ۲۴ - ۲۵.

۳- هویت تاریخی، فرهنگی: هویت جمعی که می‌تواند هویت‌های متعدد مانند قومی، ملی، دینی و... را پوشش دهد.<sup>۱</sup> تأکید این نوشته روی این قسمت است و در برخی موارد با عنوان هویت جمعی با ریشه توحیدی نام می‌شود.

هنگامی که بحث از هویت جمعی در جامعه اسلامی می‌شود یعنی هویتی برخاسته از لایه‌های فرهنگ به هم پیوسته چه به صورت متداخل و چه به صورت هم پوشی که هویت تاریخی، فرهنگی ما را به وجود آورده است. ممکن است افرادی قایل باشند هویت‌های ملی با هویت اسلامی پیوندی برقرار نمی‌کند، یا نکرده است. ولی تجربه تاریخی و رویکرد جدید در جهان اسلام خلاف این مدعاست چنانچه یکی از صاحب نظران جهان عرب می‌نویسد:

«گفتمان هویت فرهنگی، در جهان سوم، آرام آرام به جای گفتمان آزادی ملی می‌نشیند... گفتمان هویت، مانند هر ایدئولوژی، وجود حقیقی ملموس (فرهنگ ویژه هر قوم و ملت) را فرض می‌گیرد، حقیقتی که می‌کوشد درونمایه آن را روشن کند و گسترش دهد».<sup>۲</sup>

### ۳- ۵- مؤلفه‌های تشکیل دهنده «هویت جمعی»

۱- ۳- ۵- سرزمین و قلمرو: سرزمین قلمرو زمینی را می‌توان یکی از عناصر تشکیل دهنده هویت تلقی کرد، هر چند جغرافیا و ژئوپلیتیک عنصر معنوی نیستند ولی در طول تاریخ وضعیت فیزیکی و مرزهای جغرافیایی تعیین کننده بوده‌اند. جهان اسلام به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی بارها مورد هجوم و تاخت و تاز دشمنان قرار گرفت و با هویت‌های متفاوتی روبرو شده است. به همین دلیل، همواره اندیشمندان و علمای اسلامی در مقابل تهاجم بیگانگان به ترغیب عمومی برای حفظ سرزمین اسلامی پرداختند و حتی تا بدانجا پیش رفتند که در ترجیح دادن به حفظ سرزمین‌های اسلامی، همکاری با دولت‌های جور و نامشروع را هم به طور موقت جایز شمردند. تأکید مکرر حضرت امام و مقام معظم رهبری در پیام‌های سالانه به کنگره حج بر اهمیت دفاع از سرزمین‌های اسلامی اشغال شده همانند فلسطین و مبارزه با اشغال گران در همه نقاط جهان اسلام و فراخواندن مسلمانان به حفظ هویت جغرافیایی و اقلیمی شان گواه اهمیت این مؤلفه در هویت جمعی مسلمین می‌باشد.

«در حج باید مسایل جهان اسلام بررسی شود. بزرگترین مسأله عمومی مسلمین پس از لزوم آمادگی برای دفاع از اسلام و هویت جمعی مسلمین، مسأله ملت‌های زیر ستم و مبارزی است که دست طغیان و کفر و استکبار، آنان را مقهور و مظلوم ساخته و سخت‌ترین شرایط زندگی را بر آنان تحمیل کرده است، ملت مظلوم فلسطین نمونه‌ای بارزی از این گونه ملت‌هاست. چهل سال است که این ملت، از خانه و کاشانه خود بیرون رانده شده و

۱. نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال ششم، ش ۲۲ و ۲۳، سال ۱۳۸۰، ص ۱۸۰.

۲. غلیون، برهان، خودآگاهی (نقد درونی فرهنگ و جامعه عرب)، ترجمه محمد مهدی خلجی، ص ۱۱۹.

یا در وطن خویش غریبانه زندگی کرده است. این زخم خونین و دردناکی بر پیکر امت اسلامی است که با توطئه دولت استعمارگر و ضد اسلام و به دست جنایتکار صهیونیست‌ها چهل سال پیش وارد شده و هر روز نمکی بر آن پاشیده شده است.<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری علت استمرار اشغال‌گری توسط دشمن را گسست هویت ملت فلسطین می‌داند که امیدهای احیای آن در نسل جدید آن هویدا شده است.<sup>۲</sup>

امام خمینی (ره) نیز دفاع از سرزمین‌های اسلامی را بر همه مسلمانان واجب می‌داند و می‌فرماید:

«اگر یک طایفه‌ای از کفار هجوم بیاورند به مملکت اسلامی، تکلیف همه مسلمین است که به او هجوم بیاورند و او را از صحنه روزگار نابود کنند.»<sup>۳</sup>

این اندیشه رهاورد و سازنده هویت جمعی بر اساس عنصر جغرافیایی است که تعلق خاطر مسلمین به سرزمین‌های اسلامی و متمایز ساختن آن از سایر سرزمین‌ها، ایجاد یک نوع تعلق و علقه و غیرت سرزمینی را ایجاد می‌کند که به هویت جمعی و وحدت بین مسلمین منجر می‌شود.

۲ - ۳ - ۵ - دین و مذهب: از عوامل وحدت بخش و معنادار در رابطه با هویت، دین و مذهب می‌باشد. دین همواره پشتوانه محکمی برای اخلاق بوده است و بخش قابل توجهی از آموزه‌های دینی تعالیم ارزشی و اخلاقی‌اند.

«انسان در بُعد اندیشه، بسیاری از معارف و حقایق علمی را نمی‌داند و در جهت عمل نیز فاقد بسیاری از فضایل اخلاقی و عملی است و دین، همانند حقیقتی است که حقایق علمی و فضایل اخلاقی را برای تحصیل کمال اختیاری در دسترس او قرار می‌دهد.»<sup>۴</sup>

دین با ترسیم صحیح رابطه انسان با خدا، انسان با خود و انسان با دیگران با کمال و سعادت حقیقی خویش، شالوده‌ای متعالی برای بایدها و نبایدهای اخلاقی پی می‌ریزد. بی تردید بخشی از مبانی نظری بحران‌های روانی انسان معاصر به نگرش واژگونه به ماهیت انسان، استعدادها و قابلیت‌های او و غایت هستی‌اش برمی‌گردد. با وجود دین این امکان برای انسان هست که اندیشه گرفتار در گردباد تحیر و شکاکیت را در ساحل آرام ایمان بنشانند. چنانچه این در ایران هویت جمعی را شکل داده است که همواره در مقابل تهاجمات فرهنگی و فکری، از تمامیت و استقلال فکری و فرهنگی آنان دفاع و آن را حفظ کرده است. برای انسان بودن، ارزش‌های معنوی و معناخواهی در درجه اول اهمیت قرار دارند و واقعیت سراب گونه انسان معاصر دیر یا زود به او روشن خواهد شد. از این رو دین به عنوان برترین موهبت الهی، همواره مورد تهدیدهای جباران و نیز تحدیدها و تحریف‌های اربابان قدرت و

۱. مقام معظم رهبری، صحیفه حج، ج ۲، ص ۳۷ (پیام به حجاج سال ۱۳۶۸).

۲. ر.ک، همان.

۳. صحیفه حج، جلد ۳، ص ۶۶.

۴. آیت الله جوادی آملی، انتظار بشر از دین، ص ۶۱.

نیرنگ بوده و می‌باشد. امام خمینی با درک این حقیقت هشدار می‌دهند و دردمندانه در آستانه عید سعید قربان در تشریح فلسفه حج و دور شدن از آن می‌فرمایند:

«... بازیگرانی که برای عقب نگه داشتن مسلمانان و باز کردن راه برای غارتگران و سلطه جویان، اسلام را در کنج مساجد و معابد محصور نموده‌اند و اهتمام به امر مسلمین را بر خلاف اسلام و وظایف مسلمانان و علمای اسلامی معرفی می‌کنند... باید گفت که اسلام غریب و ناشناخته است و ملت اسلامی منزوی و نا آشنا به حقایق اسلامند.»<sup>۱</sup>

قدرت‌های استعماری به خوبی می‌دانند که انسان‌های برخوردار از دین در پرتو قدرت و عزت دین به خطرات و طوفان‌های توفنده‌ای تبدیل می‌شوند که قدرت‌های برتر و طغیان‌گر، همواره از آن‌ها هراسناک بوده، در مقام طرد و نفی آنان اقدام می‌کنند، بلکه تمام توان را در جدایی دین از عرصه حیات بشری به کار گرفته تا انسان را خلع سلاح کرده، آن گاه بر او بشورند، چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «لا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم إن استطاعوا».<sup>۲</sup>

هر آنچه را مکاتب غیر الهی با زرق و برق‌ها و آب و لعاب‌ها چشمان انسان تشنه حقایق ناب را خیره کرده بودند و انسان متوهم از آنها، می‌پنداشت که می‌تواند مستقل و تنها با تکیه بر خرد خود بنیاد، بر همه حیثیت‌ها و جهان وجودیش فایق آید و با تکیه بر آرای عمومی یا حاکمیت اکثریت یا بنیان کردن امور بر اساس و محوریت انسان به نام اومانیسیم، دغدغه‌های روزگارش را به سامان برساند، غافل از آنکه همه قوا و نیروهای بشری، اعم از عقل، آرا و افکار مردم و... تنها به امامت وحی می‌تواند کارآیی لازم خود را داشته، کارکرد مناسب خود را ارائه کنند، وگرنه همانند نیروها و قوای مختلف یک لشکر بدون فرمانده، نه تنها وحدت و هویت جمعی خود را از دست داده، در مقابل دشمن قرار نمی‌گیرند، چه بسا در جهت سرکوب و از بین بردن یک دیگر نیز قرار می‌گیرند. بشر امروز با تجربه کردن همه مرام‌ها و مسلک‌های علمی و عملی و با ناامیدی تمام از آنها دوباره خود را به نقطه صفر رساند و انتظارات خود را از دین فهرست می‌کند، با درک همین واقعیت در جهان اسلام است و عالم بشری در دوره معاصر است که حضرت امام(ره) در پیام حجشان با رساترین عبارت می‌فرمایند: «امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است».<sup>۳</sup>

و همین بازگشت به دین و معنویت دینی طعم هویت جمعی را در حلقه کانون توحید بر جان و دل و ذهن و روح و اندیشه مسلمانان خواهد نشانید.

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲. بقره، ۲۱۷.

۳. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۶۰.



۳-۳-۵- زبان، از آنجا که تولید مفاهیم مشترک کار زبان است، خود وسیله و ابزاری قوی در ایجاد مفاهیم بین مسلمانان خواهد بود. اگر چه امروز جهان اسلام فاقد یک زبان مشترک رسمی در همه کشورهاست، اما به برکت زوال ناپذیر قرآن کریم که مورد توجه و مقبول همه مسلمین است و بر همان زبان نازل شده بر قلب نبی مکرم محفوظ مانده است، مفاهیم و مشترک و همگرایی زبانی را تا حدودی در بین مسلمین فراهم نموده است، رسوخ و نفوذ ادبیات دینی ملهم از قرآن و سنت و سیره مکتوب نبوی(ص) در بین مسلمین خود در ایجاد این مفاهیم و زمینه سازی برای شکل گیری هویت جمعی بسیار مؤثر بوده است.

۴-۳-۵- فرهنگ - فرهنگ در مقام تعریف، نخست چونان مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایز مادی و فکری و روحانی می‌نماید که جامعه یا مجموعه‌ای اجتماعی را متمایز می‌گرداند.<sup>۱</sup> و به هر عضو خود مجال می‌دهد که خود را بشناسد و جز خود را نیز بر پایه آن بازشناسد. آنچه فرهنگ را مرزبندی می‌کند ویژگی ارزشهای اجتماعی، اخلاقی یا اقتصادی آن است.

هویت پرده‌ای که دو زمینه را می‌پوشاند: یکی زمینه فرهنگ به مثابه میدانی که نوسازی و آفرینش هر فردیتی در آن رشد می‌کند، یعنی فرهنگ به مثابه عنصری از عناصر جامعه مدنی منقسم یا متغیر و زمینه فرهنگ به مثابه کنشی اجتماعی که تعهد و التزام می‌آفریند و به رغم چالش‌های ایدئولوژیک و سیاسی و اقتصادی، آرمان‌های انسانی و اهداف جمعی را پدید می‌آورد، آرمان‌ها و اهدافی که به یاری آن، هویت اجتماعی سامان بندی می‌گردد. باید در نظر داشت هر جامعه‌ای با دو نوع فرهنگ سر و کار دارد فرهنگ عامیانه و فرهنگ خاص. فرهنگ عامیانه، مجموعه از هنجارها و اعتقادات، سنت‌ها، آداب و رسوم و آئین‌ها آن را به وجود آورده‌اند، عید فطر، عید قربان، مراسم عاشورا، عید نوروز، شب یلدا و...

فرهنگ خاص، مجموعه‌ای تحت عنوان هستی‌شناسی توحیدی، نبرد حق و باطل، تلفیق دین و سیاست، عدالت خواهی و... مجموعه این فرهنگ‌ها یک هویت تاریخی، فرهنگی را به وجود می‌آورند.

بی تردید نقش فرهنگ اسلامی در تکوین هویت تاریخی امت اسلامی و جامعه مسلمین، قطعی و انکارناپذیر است. فرهنگ اسلامی که برخاسته از آیین و آداب اسلامی و حامی عناصر هنری، ادبی و دانش و فنون مختلف و مولد علوم و معارف و تمدن‌ها بزرگ و خالق اندیشمندان و عالمان و فرهیختگانی در عرصه‌های مختلف علوم بوده است توانایی خود را در حل مجموعه مشکلات علمی، سیاسی و اجتماعی و اخلاقی در طول قرن‌ها حیات امت اسلامی بروز داده است. این ویژگی‌ها پیشرفت‌هایی را برای دست‌یابی امت اسلامی به اهداف و آرمان‌های بلندش زمینه سازی و فراهم نموده است. اهدافی که از تکیه به ویژگی‌های قومی و اقلیمی فراتر می‌رود. به این قرار، آفاق نوینی در پیشگاه انسان گشوده است که آرمان‌های گسترده‌تری را فرایش می‌نهد. در این هنگام فرهنگ، یاری‌گر

۱. غلیون، برهان، خودآگاهی، ترجمه محمد مهدی خلجی، ص ۱۲۰.

خستگی ناپذیر آزادی‌ها و گشایش‌های مادی و معنوی می‌گردد. زندگی جمعی، فرهنگ دینی (به عکس فرهنگ قوم‌وند برای آنکه اجتماعی مردم‌آمیز و سازگار و نو می‌آفریند، گستره‌ای برای متعالی‌ترین گونه همسانی است. جوامع و اقوام مختلفی که دین اسلام را پذیرفته‌اند با وجود هم‌تناقض‌های قومی و خرده‌فرهنگ‌های قوم‌گرایانه و ملی‌گرایانه، به دلیل ریشه مستحکم آن در باور و جان مسلمانان و تقدس و احترامی که در بین مسلمانان یافته است، شایسته یکی از بهترین نوع‌های همسانی و همگرایی و تشکیل‌دهنده هویت جمعی آنان است. از نظر امام خمینی، عنصر کلیدی هویت، اسلامی فرهنگ اصیل اسلامی است که فرهنگی سالم، انسانی و مستقل است.<sup>۱</sup> و توانایی ساختن انسان‌های مستقل و کشوری قدرتمند را دارد. به نظر ایشان «فرهنگ... اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است، لهذا آنها کوشش کرده‌اند که فرهنگ ما را استعماری کنند... که نگذارند انسان پیدا بشود.»<sup>۲</sup> امام فرهنگ را بالاترین و والاترین عنصری دانسته که در موجودیت جامعه دخالت دارد و هویت آن را تشکیل می‌دهد.<sup>۳</sup>

نقش عناصر سازنده فرهنگ در بنای جامعه اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن اسلامی سبب شده است که امام خمینی (ره) همواره بر نقش احیای فرهنگ اسلامی و فراخوان علمای اسلام به رفع غربت و مهجوریت فرهنگ اسلامی تأکید ورزند. از دیدگاه حضرت امام، از جمله عناصر مهم فرهنگی در بازیافت هویت اسلامی و بازگشت به اسلام فریضه حج می‌باشد و بر همین اساس می‌فرمایند:

«مسلمین اگر حج را پیدا کنند، اگر آن سیاستی که در حج به کار رفته است از طرف اسلام، همان را پیدا کنند، کافی است برای اینکه استقلال خودشان را پیدا بکنند، ولی مع الأسف ما گم کردیم اسلام را ... ما تا پیدا نکنیم اسلام را، تا همه مسلمین پیدا نکنند اسلام را، نمی‌توانند به مجد خود برسند. مجد اسلام آن بود که در صدر اسلام بود.»<sup>۴</sup>

بنابراین، جهان اسلام با اشتراکات، زبانی، پیشینه تاریخی و تمدنی به ویژه فرهنگ مشترک و غنی اسلامی، می‌تواند از هویت جمعی مشترکی برخوردار باشند و در چنین صورتی دارای یکی از پایدارترین و مستحکم‌ترین خط دفاعی و ساختار اجتماعی و خاستگاه بنیادین دگرگونی‌ها و نوسازی اجتماعی و سیاسی خواهد بود.<sup>۵</sup> هویت جمعی گستره‌ای است که در برابر سلطه قدرت و استعمار و بیشترین مقاومت را از خود نشان می‌دهد، چون در ساخت اجتماعی، انعطاف پذیرترین و نرم‌ترین قلمرو را می‌سازد. به همین خاطر محکم‌ترین تکیه‌گاه استمرار ملت و امت نیز هست. از این روست که ملت‌هایی که استعمار، دولت آنها را فرو ریخت و از نظر اقتصادی ویران

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۵ و ج ۲۱، ص ۱۴۵.

۲. همان، ج ۷، ص ۵۷.

۳. ر.ک، همان، ج ۱۲، ص ۵.

۴. صحیفه حج، ج ۱، ص ۳۴ - ۳۵.

۵. ر.ک، غلیون، پیشین، ص ۱۲۵.

و یا با اقتصاد سرمایه داری مواجه گشتند و یا حتی سرزمین‌های آنان در اشغال قدرت‌های سلطه و استعماری و دشمن قرار گرفتند و یا فاقد دولت‌های ملی و مردمی‌اند و دولت‌های مستعمره و یا وابسته بر آنان حاکمیت یافتند، ناگزیر به فرهنگ و هویت جمعی و تاریخی خود پناه بردند. همانند ملت ایران در دوره‌های مختلف تاریخی خود و یا ملت‌های فلسطین و لبنان و عراق و...

بیداری اسلامی در جهان اسلام نیز نتیجه همین تمسک و روی آوری مسلمانانی که در تنگناهای اقتصادی و سیاسی استعمار و استبداد و سلطه‌های خارجی قرار گرفتند، می‌باشد که گاهی به دلیل برداشت نادرست و کج فهمی‌ها و افراط و تفریط‌ها کج راه‌هایی نیز باز شده است، سلفی‌گری و غرب‌آئینی در جهان اسلام حاصل همین کج اندیشی‌هایی بود که تصور می‌شد راه خلاصی از استعمار و تفرقه و استبداد بازگشت به گذشته با رویکرد خاص و یا رویکرد به غرب و رها کردن فرهنگ و سنت‌ها می‌باشد.

نظر به اهمیت هویت جمعی و نوزایی آن در جهان اسلام بود که استعمارگران و عمال آنها تلاش بی وقفه‌ای را برای ایجاد گسست و بحران هویتی در جهان اسلام را از سیاست‌های راهبردی خویش قرار دادند و با تمام توان در سست کردن بنیان‌های هویت جمعی، همانند فرهنگ و پیشینه تاریخی و مخدوش نشان دادن پیشینه تمدنی و فرهنگی و تصاحب سرزمینی آنان به کار بستند. به همین دلیل حضرت امام (ره) در پیام حج، علمای کشورهای اسلامی را به مقابله با سلطه و تهاجم فرهنگی کشورهای استعمارگر علیه جهان اسلام فرا می‌خواند:

«علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج از سیطره قدرت حکومت‌های جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها سپر کنند و جلوی تهاجم فرهنگی مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملت‌ها منتهی شده است را بگیرند و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خودباختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و دولت‌ها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرت‌ها که جنگ و مسلمان‌کشی در جهان به راه انداخته‌اند، گوشزد کنند.»<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری نیز استحالته فرهنگی و هویت جمعی مسلمانان را از برنامه‌های خطرناک و شوم دشمنان اسلام برمی‌شمرد و می‌فرماید:

«اگر مسلمانان با نیروی ایمان و مجاهدت و توکل و همت‌های بلند و چشم‌های باز و استفاده از ذخایری که خداوند در این دین حنیف قرار داده است این مشکلات را برطرف نسازند، دشمنان مستکبر اسلام که به سلاح قدرت سیاسی و نظامی و تکنولوژی مسلح‌اند، هر روز دایره مشکلات را تنگ‌تر خواهند کرد و آزادی و نجات را برای ملت‌های اسلامی باز هم ده‌ها سال بلکه قرن‌ها به عقب خواهند انداخت و شاید برخی ملت‌ها را به کلی

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۲۰.

استحاله کرده، خصوصیت اسلامی آنان را با تحمیل و ترویج نیمه فاسد و مفسد فرهنگ غربی، به تدریج نابود خواهند ساخت.<sup>۱</sup>

امام خمینی (ره) در یکی از پیام‌هایشان به کنگره حج با هوشمندی تمام، علت دشمنی و کینه دشمنان اسلام و جهان سرمایه‌داری غرب با جمهوری اسلامی ایران را در مانع تراشی از استحاله فرهنگی جهان اسلام و احیای سنت و فرهنگ نبوی می‌دانند و می‌نویسند:

«امروز همه می‌دانند جرم واقعی ما از دید جهان‌خواران و متجاوزان، دفاع از اسلام و رسمیت دادن به حکومت جمهوری اسلامی به جای نظام طاغوت شاهنشاهی است، جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر (ص) و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی، برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران و اعلان جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم آفریقا و... است و نزد جهان‌خواران و نوکران بی‌اراده آنان چه گناهی بالاتر از اینکه کسی از اسلام و حاکمیت آن سخن بگوید و مسلمانان را به عزت و استقلال و ایستادگی در مقابل ستم متجاوزان دعوت کند.»<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری نیز ترویج فساد و تحمیل فرهنگ غربی توسط دول استعماری و انحطاط اخلاقی مسلمانان را باعث بی‌هویتی مسلمانان می‌دانند و فریضه حج را یکی از بسترها و مکانیزم‌های کارآمد در زدودن این آسیب‌ها و تقویت هویت فردی و جمعی برمی‌شمرند.

«محیط اسلامی - چه افراد و چه ملت‌ها - همواره در معرض این گونه تهدید [تهدیدات درونی و بیرونی] قرار داشته و امروز بیش از همیشه قرار دارد. ترویج مستمدانه فساد در کشورهای اسلامی و تحمیل فرهنگ غربی که از سوی برخی رژیم‌های وابسته نیز به آن کمک می‌شود و از رفتار فردی تا شکل شهرسازی و محیط عمومی زندگی و مطبوعات و غیره را در بر می‌گیرد، از یک سو و فشارهای نظامی و سیاسی و اقتصادی بر بعضی ملت‌های مسلمان و کشتارهای لبنان و فلسطین و بوسنی و کشمیر و چینستان و افغانستان و غیره از سوی دیگر، شاهد بارز وجود این دو گونه تهدید در محیط‌های اسلامی است. حج، آن شط همیشه جاری و آن عطیه بی‌زوال الهی است که مسلمانان تا ابد می‌توانند غبار رنج و حرارت و آلودگی و بیماری خود را در آن بسترند، و به کمک این ذخیره ابدی، هر دو نوع آسیب‌پذیر را در همه زمان‌ها از خود دور سازند.»<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۲، ص ۱۸۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۰۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۸۵.

## فصل دوم :

### آسیب شناسی وضعیت موجود حج

رهیافت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری در فریضه حج، در وضعیت فعلی تلاش هوشمندانه در تبیین وضعیت موجود و آسیب شناسی وضعیتی که بدان گرفتار آمده با بهره‌گیری از سرمایه انسانی به ویژه علما و نخبگان و بیداری اسلامی است. چون از دیدگاه امام(ره) و مقام رهبری به دلیل برخی موانع و دخالت قدرت‌ها و کج فهمی‌ها و شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم، اسلام آن طور که خداوند سبحان بر پیامبر عرضه داشتند و پیامبر خاتم(ص) و ائمه و اولیای بزرگ او درصدد تحقق آن بودند محقق نگشت و به انزوا رفت و در بسیاری از امور مهم مهجور گشته و از اصل حقیقت ناب خود فاصله گرفت. و نه تنها جامعیت اسلام در جامعه اسلامی مطرح نبوده و نیست، بلکه حتی مقررات شرعی و احکام شرعی هم از حقیقت اولیه و اصلی و خلوص خود فاصله گرفتند. در انزوا و انحراف اسلام عواملی متعدد از نگاه امام دخالت داشتند که اهم آن دست حیل‌گر چپاولگران استعماری و عمال آنان می‌باشد:

«چپاولگران حیل‌گر کوشش کردند به دست عمال به اصطلاح روشنفکر خود، اسلام را همچون مسیحیت منحرف به انزوا کشانند و علما را در چهارچوب مسایل عبادی محبوس کنند، و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی و مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا و جوانان عزیز را سرگرم عیش و نوش، از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاری بلاد مسلمین خارج نمایند. و از این جهاد و غفلت ما سوء استفاده نمودند.»<sup>۱</sup>

و لذا با ارائه اسلام ناقص و بی خاصیت و تهی از محتوا، بی خطر برای استعمار و چپاولگران ارائه شود. و یا از روی غفلت یک اسلام صرفاً فردی و تک بعدی و ناقص ارائه گردد.

«شکل ناقصی که از اسلام در حوزه‌های علمیه عرضه می‌شود برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند، آزادیخواه باشند، دنبال اجرای احکام اسلام باشند.»<sup>۲</sup>

بنابراین، مهجوریت فرایض و قوانین شریعت اسلامی و به طور صحیح‌تر مهجوریت خود اسلام سبب شده که حضرت امام(ره) بعد از قرن‌ها و سالیان متمادی، به احیای اندیشه و شریعت اسلامی سخت اندیشه کنند و تمام توان و تلاش خویش را مصروف این امر نمایند. از جمله این امور حج که از فرایض فاخر اسلامی است می‌باشد چنانچه حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرمایند:

«جمهوری اسلامی حج را شناخت. این، بصیرت امام بود. امام درست در سربندهای اساسی انگشت گذاشته بود. در اسلام خیلی واجب وجود دارد، روزه هم یک واجب اساسی است. اما امام روی نماز جمعه و روی حج - یعنی آن بخش‌های حساس و سربندهای مهم - خیلی تکیه کرد و دائم از سال اول نسبت به حج حرف داشت.»<sup>۳</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۸۹

۲. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۰.

۳. صحیفه حج، ج ۲، ص ۸۵

فاصله وضعیت موجود با وضعیت آرمانی سبب شده که حضرات امام و مقام رهبری با آسیب شناسی وضعیت پیش آمده به ترسیم وضعیت آرمانی و ارائه راه حل هایی برای برون رفت آن از چالش ها و آسیب ها بپردازند.

نظر به اینکه موضوع محوری ما بحث حج در اندیشه حضرت امام و مقام معظم رهبری می باشد، با عنایت به مباحث مطرح شده در فصل اول این نوشتار، صرفاً به بررسی ابعاد و جلوه های مختلف آن در، ساحت اندیشه حضرات ایشان پرداخته می شود. با همین رویکرد و نگاه که در فصل پیشین بیان شد اندیشه حضرات ایشان نیز مانند اندیشه همه اندیشمندان مولود گسست و فاصله میان وضعیت حج جاری در سال ها و قرن های متمادی در جهان اسلام با حج آرمانی در سیره و سنت نبوی (ص) و علوی (ع) و آموزه های اسلامی می باشد. از این رو لازم است ابتدا به آسیب شناسی در وضعیت حج جاری در سالیان گذشته و در زمان حال در همان حال با ترسیم حج مطلوب و آرمانی فاصله آن دو را که امام و رهبری به خوبی به نمایش گذاشتند، معرفت پیدا کرد در ترسیم وضعیت موجود، طرح آسیب ها و چالش ها به عنوان موانع پیش روی تحقق حج مطلوب با ظرافت و دقت و آگاهی کامل و جامع با استناد به آموزه های قرآنی و سیره و سنت نبوی و ائمه هدی (ع) و نیز با بهره گیری از تجارب تاریخی پرداختند. لهذا برای درک و فهم کامل حج در هندسه تفکر و اندیشه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری ابتدا لازم است به آسیب های موجود نگاهی دوخت و بعد حج مطلوب از دیدگاه ایشان واکاوی گردد و نیز سازکارهایی که برای وصول به آن ارائه گردید را استخراج و تبیین نمود.

### آسیب شناسی حج از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

#### ۱- عدم بهره وری و بهره گیری مناسب و بهینه از فرصت عظیم حج

از دیدگاه امام خمینی (ره): حج یک کنگره استثنایی و یک فرصت طلایی و بسیار مغتنم برای جهان اسلام و مسلمین می باشد ولی به دلایلی که بیان می شود از آن به شایستگی استفاده نشده است و به غفلت و جهالت این فرصت عظیم را آن طور و جهتی که خواسته شده مسلمانان به اجرا درنیاوردند.

«همه کس می دانند که برپا نمودن چنین کنگره عظیمی برای هیچ مقامی و هیچ دولتی امکان پذیر نیست. و این امر خداوند متعال است که این گردهمایی بزرگ را فراهم آورده، مع الاسف مسلمین در طول تاریخ نتوانستند از این نیروی آسمانی و کنگره اسلامی استفاده شایانی به نفع اسلام و مسلمین بنمایند.»<sup>۱</sup>

رهبری معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای نیز در خصوص این آسیب بزرگ وارد شده به این فریضه عظیم می فرمایند:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۵-۲۶.

«حج یک ذخیره است برای دنیای اسلام. اگر از این ذخیره خوب استفاده بشود، به دنیای اسلام سود خواهد بخشید. اگر از این ذخیره خوب استفاده نشود، یا اینکه بد مصرف شود و بد استفاده شود دنیای اسلام با این همه احتیاجی که دارد، از آن محروم خواهد ماند و یا خدای نکرده از آن ضرر هم خواهد برد.»<sup>۱</sup>

«... در نظر بگیرید. ببینید ما چه قدر با آن حج [حج کامل] فاصله داریم. ما هم به قدر توان، بایستی بال و پری بزنیم، و حرکت و تلاش بکنیم.»<sup>۲</sup>

## ۲- مهجوریت حج نزد مسلمانان

حضرت امام خمینی(ره) معتقدند که حج سال‌ها بسان سایر احکام و فرایض اسلامی در بین مسلمانان در ابعاد مختلف مهجور مانده است و زوایای درخشان آن نادیده گرفته شد.

«حج ابراهیمی محمدی(ص) سالهاست غریب و مهجور است، هم از جهات معنوی و عرفانی و هم از جهات سیاسی و اجتماعی و حجاج عزیز تمامی کشورهای اسلامی باید بیت خدا را در همه ابعادش از این غربت درآورند.»<sup>۳</sup>

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز چنین می‌گویند:

«هنوز ابعاد بی شماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است.»<sup>۴</sup>

و در جای دیگر در خصوص مهجوریت حج و فاصله آن با حج مطلوب می‌فرمایند:

«باید با تلخی اذعان کرد که شکل کنونی انجام این فریضه الهی، با وضعیت مطلوب آن فاصله زیادی دارد. امام راحل عظیم، تلاش مؤثری در این جهت مبذول داشت و تصویری روشن از حج ابراهیمی، حج عظمت و عزت آفرین، حج سازنده و تحول دهنده، در برابر چشم امت اسلامی قرار داد و همین اندازه تاکنون منشأ برکات فراوانی در جهان اسلام شده است.»<sup>۵</sup>

اما چه عواملی باعث غربت و مهجوریت این فریضه فاخر گردیده است؟ حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری در تحلیل‌های متعدد به واکاوی این امر پرداخته و عوامل و عناصر متعدد را در آن دخیل می‌دانند که مهمترین آنها عبارتند از:

## ۱/۲- اسلام زدایی جهان سلطه و استکبار

۱. همان، ج ۲، ص ۱۸۶.

۲. همان، ص ۱۵۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۹.

۵. همان، ص ۹۹.



امام خمینی (ره) دست دولت‌ها و قدرت‌های استعماری و سلطه طلب را در حذف و زدودن فلسفه واقعی حج از آن مؤثر می‌دانند و می‌فرمایند:

« یکی از فلسفه‌های بزرگ حج قضیه بعد سیاسی اوست، که دست‌های جنایتکار از همه اطراف برای کوبیدن این بعد در کار هستند و تبلیغات دامنه دار آنها مع الاسف در مسلمین هم تأثیر کرده است که مسلمین سفر حج را بسیار ایشان یک عبادت خشک خالی بدون توجه به مصالح مسلمین می‌دانند.»<sup>۱</sup>

و در جای دیگر می‌فرمایند:

«همه می‌دانیم و باید بدانیم که آنچه از قرن‌ها پیش تاکنون بر سر مسلمین آمده، خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولت‌های اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه شوم آنان بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است.»<sup>۲</sup>

رهبری معظم انقلاب نیز با این نگاه همراهند و می‌فرمایند:

«امروز یکی از مسایل مهم جهان اسلام، دشمنی کینه توزانه و دیوانه وار جبهه شیطان و به خصوص شیطان بزرگ با اسلام و مفاهیم و عقاید اسلامی است. اگر چه دشمنی برنامه ریزی شده و همه جانبه با اسلام، از آغاز پیدایش استعمار سابقه دارد و استعمارگران در سده‌های اخیر که کشورهای اسلامی را جولانگاه غارت و چپاول و کشتار و تجاوز خود کرده بودند، به اسلام به چشم مانع و سد مستحکمی در برابر فتنه انگیزه‌های خود نگریسته و آن را آماج حملات سیاسی و فرهنگی شدید قرار دادند و برنامه‌های جدایی مسلمین از قرآن و اسلام را با مکرهای شیطانی خود و از جمله با ترویج فساد و ابتذال و فحشا به اجرا گذاشتند.»<sup>۳</sup>

بنابراین تلاش گسترده و همه جانبه دشمنان اسلام و قدرت‌های سلطه جو در انزوا و حذف اسلام و فرایض جامع و محرک و پویا و راهگشای آن از دیدگاه ایشان یکی از عوامل مؤثر در غربت و انزوای حج می‌باشد.

## ۲/۲- مروجان اسلام آمریکایی یا وعاظ السلاطین

یکی دیگر از عوامل انزوای حج و مهجوریت آن از دیدگاه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری عدم پذیرش مسئولیت‌های دینی از سوی روحانیون و عالمان و روشنفکران جهان اسلام و نیز حضور مروجان اسلام آمریکایی و عالمان متهتک و جاهلان متنسک بوده است:

«ابعاد مختلف این فریضه عظیم سرنوشت ساز به واسطه انحراف‌های حکومت‌های جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه درباری و کج فهمی‌های بعضی از معممین و مقدس‌نماها در تمام کشورهای اسلامی در

۱. همان، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲. همان، ص ۱۲۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۳.

پرده ابهام باقی مانده است. کج فکرانی که فریضه بزرگ حج را محدود به یک ظاهر بی محتوا کرده و ذکر گرفتاری‌های مسلمانان و کشورهای اسلامی را بر خلاف شرع و تا سر حد کفر می‌شمارند.<sup>۱</sup>

حضرت امام در خصوص برخی از ارکان و ابعاد سیاسی و معنوی حج که مورد غفلت قرار گرفته است، می‌فرمایند:

«چرا که سنت پیامبر و اعلان برائت کهنه شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود، که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فرا ندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان شمولی اسلام، غفلت نکنند که مسلماً جهان‌نخواران و دشمنان ملت‌ها، بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حیل‌ها و تزویرها و چهره‌های گوناگون متمسک می‌شوند و روحانی‌نماها و آخوندهای درباری و اجیرشدگان سلاطین و ملی‌گراها و منافقین به فلسفه‌ها و تفسیرها و برداشت‌های غلط و منحرف روی می‌آورند و برای خلع سلاح‌های مسلمانان و ضربه زدن به صلاحیت و ابهت و اقتدار امت محمد(ص) به هر کاری دست می‌زنند و چه بسا جاهلان متنسک بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است نه میدان صف آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان متهتک القا کنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز، کار دنیاداران و دنیاطلبان بوده است و ورود به مسایل سیاسی، آن هم در ایام حج دون شأن روحانیون و علما می‌باشد.»<sup>۲</sup>

امام خمینی(ره) این تفکر را از القائات جهان‌نخواران برمی‌شمرد.<sup>۳</sup> و بارها در پیام‌های حج علما و روشنفکران جهان اسلام را به مقابله با این تبلیغات فراخواندند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز تحجر و کج فهمی را از خطرات درونی جهان اسلام و دور شدن اسلام از نقش اساسی خود می‌دانند و بیان می‌دارند:

«خطر درونی که دشمن قدیمی امت اسلامی است همان کج فهمی و جمود و تحجر، یا خودباختگی یا نومیدی و ضعف نفس، یا تردید و وسوسه فکری و یا مجموعه‌ای از اینها و امثال آن است.»<sup>۴</sup>

و در جای دیگر می‌فرمایند:

«روزی بر اثر کج فهمی‌ها و غرض ورزی‌ها چنین وانمود می‌شد که اسلام فقط در محدوده مسجد و محراب و یا در زندگی فردی و درونی انسان به کار می‌آید.»<sup>۵</sup>

۱. امام خمینی، همان، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲. همان، ص ۱۹۸.

۳. ر.ک، همان.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۴۲.

۵. همان، ص ۲۴۱.

### ۳- تفرقه و اختلاف

یکی از عواملی که سبب شد تا مسلمانان و علمای نیک اندیش نتوانند از ظرفیت و فرصت بسیار مغتنم حج در جهت منافع جهان اسلام به خوبی از آن استفاده کنند. اختلافات درونی و تفرقه بین مسلمانان و جوامع اسلامی می‌باشد. متأسفانه با همه تأکیدی که آموزه‌های دینی و برخی رهبران اسلامی و ضرورت‌های بی شماری که جامعه اسلامی بر امر وحدت و همگرایی مسلمانان دلالت دارند، مسلمانان به دلایلی که در زیر می‌آید در واگرایی و پراکندگی و تشتت و اختلاف به سر می‌برند و این خود بزرگترین آسیب بر پیکره جهان اسلام و عدم بهره‌وری مناسب از فریضه و کنگره بزرگ حج می‌باشد. مهمترین عوامل در واگرایی مسلمانان و جوامع اسلامی را از دیدگاه امام(ره) و مقام رهبری می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

#### ۱/۳- قدرت‌های استعماری

قدرت‌های استعماری همواره چه در دوران استعمار کهن و چه در دوران استعمار جدید با کاربست ترفندهای متنوع و مختلف تمام تلاش خویش را در جدایی و اختلاف میان مسلمانان صرف کردند. تجربه تاریخی دنیای غرب و دول اروپایی از پی آمدهای مهم جهان اسلام و تکوین یک قدرت بلامنازع در مهم‌ترین و حساس‌ترین نقطه جهان یعنی خاورمیانه آنان را واداشته است که به تجزیه و تفرقه در جهان اسلام، و طرح مسایلی با استفاده از مسایل داخلی، برای دور نگه داشتن مسلمانان از هم به طور مستمر اندیشه و تلاش نمایند، و نگذارند مسلمانان از ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی که خداوند و اسلام عزیز طراحی و در اختیارشان قرار داده است به شایستگی بهره گیرند. به همین جهت حضرت امام(ره) در پیامی به کنگره حج درباره ترفندهای اختلاف افکنانه دشمنان اسلام می‌فرماید:

«در آستانه به هم نزدیک شدن جمع مسلمانان جهان و تفاهم همه مذاهب اسلامی برای رها شدن کشورهایشان از چنگال پلید ابرقدرت‌ها و احساس خطر برای چپاولگران بین‌المللی و در آستانه قطع ایادی ستمگران غرب و شرق... شیطان بزرگ جوجه‌های خود را فراخوانده است تا با هر حيله متصور، بین مسلمین تفرقه افکند و امت توحیدی و برادران ایمانی را به اختلاف و دشمنی کشاند و راه سلطه‌گری و چپاول را برای خویش هرچه بیشتر باز کند.»<sup>۱</sup>

رهبری معظم انقلاب نیز در پیام حج شان بیان می‌دارند:

«از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاست‌های قطعی استعمارگران، ایجاد تفرقه میان مسلمین بوده است.»<sup>۲</sup>

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۴۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۲۰.

یکی از عواملی که در بروز و تشدید اختلاف در جهان اسلام مؤثر بوده، فرقه گرایی در بین مسلمین می باشد. که گاهی دست‌های ناپاک استعمار و عمال آنها را به وضوح می توان در ایجاد فرقه‌ها مشاهده کرد و گاهی هم کج فهمی‌ها و نفسانیت‌ها و جهالت‌ها نیز در این امر مؤثر بوده‌اند. نتیجه آن جدایی و کینه‌توزی و اختلاف بین مسلمین به سبب تمسک به گروه‌ها و جمعیت‌هایی که تحت عنوان فرق اسلامی پدید آمده، می باشد.

مراد ما از فرقه‌ها در اینجا، فرقه‌های ساختگی و مذهب تراشی‌هایی است که توسط استعمار یا عمال آنها و یا به دلیل انحرافات و اعوجاج فکری عده‌ای جاهل متنسک و یا عالمان متهتک بنا شده‌اند.

امام خمینی (ره) با شناخت این آسیب درونی جهان اسلام که سرمایه عظیم حج و جهان اسلام را به نفع استعمار و بیگانگان به هدر می دهد، در پیام حج‌شان در مورد فرقه بی بنیان وهابیت و سرکردگان سعودی آن می فرمایند:

«مگر مسلمانان نمی بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون‌های فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملأهای کثیف درباری، اسلام مقدس‌نماهای بی شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام غریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پا برهنه‌ها، و در یک کلمه «اسلام آمریکایی» را ترویج می کنند و از طرفی دیگر سر بر آستان سرور خویش، آمریکای جهانخوار، می گذارند.»<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری نیز درباره این آسیب در همگرایی میان مسلمین و هدر دادن سرمایه بزرگ حج به دلیل این آفت فرساینده می فرمایند:

«یکی از مسایل مهم این روزگار، مسأله اختلافات فرقه‌ای میان مسلمین است. این البته مسأله تازه‌ای نیست و اختلافات و نزاع بعضاً زد و خورد بر سر مسایل کلامی و فقهی و فرقه‌ای، از قرن اول اسلام همواره وجود داشته است.

دشمن با پول و طرح و تبلیغ خباثت فراوان مجهز است و متأسفانه در نقاطی از جهان کسانی را می یابد که بتواند با تطمیع و اغفال، بر ذهن و زبان آنان تسلط یابد. لذا گاه به گاه در کشوری از یک سیاستمدار و در کشور دیگری از یک عالم نما یا انقلابی نما شنیده می شود که به تشنیع و ناسزا به شیعیان یا به ملت ایران زبان می گشاید و قلم می راند.

... کسانی با دلارهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر می کنند و کتاب و مقاله می نویسند...

ما همه اینها را به حساب آمریکا و دستیاران و مزدورانش می گذاریم.»<sup>۲</sup>

۱. همان، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۷۶-۷۷.

یکی دیگر از عوامل اختلاف و تفرقه مسأله قوم گرایی و ملی گرایی و نژاد گرایی بین مسلمین است. ملت به مفهوم جدید آن به مفهوم اختصاص بر گروه و مردمی خاص، بدون توجه به محتوای دینی آن - که ابتدا عثمانی‌ها آن را به کار بردند - در دوره قاجار از سوی تحصیل کردگان فرنگ در ادبیات سیاسی جامعه ایران و سایر جوامع اسلامی رواج می‌یابد و به تدریج ملت به توده مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند اطلاق می‌شود و این مفهوم جای خود را در ادبیات سیاسی باز نموده و معنای گذشته آن، که دین و آیین بوده کنار زده می‌شود. به عبارت دیگر روشنفکران و دانش آموختگان مسلمان که در غرب به تحصیل دانش پرداخته و متأثر از اندیشه و فرهنگ مغرب زمین بودند، مفهوم دین را از ملت جدا نموده و ملت را به منزله توده مردمی که در یک سرزمین - فارغ از هر گرایشی - زندگی می‌کنند به کار بردند و این مفهوم با توجه به دیگر زمینه‌های جدیدی که «تحول فکر بشر پدید آورده، حاکم بر فکر سیاسی جامعه می‌شود و علمای حاضر در صحنه سیاست نیز ملت را به این مفهوم یعنی توده مردم و مردم ساکن در سرزمین معین به کار بردند. تا جایی که ملت واحد تمایز دهنده و مشخص به کار می‌رود و هویت انسان‌ها را تعریف می‌کند. علاقه به وطن و ملت به وجود آورنده ملیت و در نتیجه ایدئولوژی ملت گرایی می‌شود. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد:

«وجود اختلاف بین انسان‌ها را امری طبیعی می‌داند که باعث به وجود آمدن انشعابات، دسته‌ها و در اصطلاح امروز آن، ملت‌ها می‌گردد، ایشان هم چنین علاقه به ملت را امری طبیعی می‌داند، ولی معتقد است «این دلبستگی نباید موجب تحقیر، استعمار و استثمار سایر ملت‌ها شود، بنابراین تشکیل اجتماعی بر اساس ملیت از نظر اسلام مردود دانسته به وجود آمدن ملت‌ها را در عصر حاضر، تا آن جا که خلاف اصول اسلامی و انسانی نباشد و عامل برتری و تمایز انسان‌ها نگردد، قابل قبول می‌داند.»<sup>۱</sup>

استاد آیت الله مطهری نیز با استناد به آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات بیان می‌دارد که اسلام به اصل وجود ملیت‌ها به عنوان واقعیت‌های مسلم و انکارناپذیر طبیعی معترف است.<sup>۲</sup> مطابق آیه مزبور اسلام ملیت‌های گوناگون را نه تنها نفی نمی‌کند بلکه آنها را به عنوان پدیده‌ای بشری و طبیعی مورد پذیرش قرار می‌دهد، ولی می‌کوشد با دعوت به ایمان و تقوا انسان‌ها را از این اختلاف‌های مادی و ظاهری عبور دهد.<sup>۳</sup> ایشان با استناد به آیه:

۱. ر.ک: علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۱۰ - ۲۲۰.

۲. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، ص ۵۱.

۳. همان.

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و اُنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم

ان الله علیم خبیر»<sup>۱</sup>.

معتقد است، شناخت ملت‌ها در مقابل هم معنی می‌یابد، اما در عین حال که وجود ملت‌ها را امری طبیعی و لازم بیان می‌دارد، می‌گوید اسلام هیچ گاه برای این تمایزات اصالت قائل نمی‌شود و اسلام را دین الهی و جهانی می‌داند که فراتر از همه این تمایزات بوده و این اختلاف‌های طبیعی نباید ملاک برتری و تفرقه انسان‌ها گردد.<sup>۲</sup>

اندیشه ملی‌گرایی محصول تحولات جهان غرب پس از نهضت اصلاح مذهبی (رنسانس) می‌باشد. و هنگامی که به عنوان ایدئولوژی در بستر تحولات جوامع غربی به وجود آمده و لوازم و شرایط خاص خود را دارد که متناسب با فرهنگ غرب است و هنگامی که وارد جوامع دیگر از جمله جوامع اسلامی می‌شود مسایل و مشکلاتی را مطرح می‌سازد. اهمیت این ایدئولوژی در جهان اسلام از این روست که برخی آن را به عنوان یک فکر وارداتی می‌دانند که برای شکست وحدت امت اسلامی و جلوگیری از یکپارچگی جهان اسلام - که منافع امپریالیسم را به خطر می‌اندازد - ظاهر شده است.<sup>۳</sup> علاوه بر این نظرات، آن چه که در عالم واقع در اثر این ایدئولوژی رخ داده، به وجود آمدن کشورهای عرب و تحولات بنیادی در جهان اسلام است، به طوری که می‌توان گفت: «پس از اسلام، ملی‌گرایی بیش از هر ایدئولوژی دیگری بر ذهن عرب‌ها مسلط شده است»<sup>۴</sup>.

یکی از اندیشمندان جهان عرب معتقد است:

«از آن جا که اسلام بزرگترین خطر برای استعمارگران بوده، غربی‌ها این ایدئولوژی را وارد جهان اسلام کردند تا از طریق آن بر شریعت و ارزش‌های اسلامی و اعتقادات مسلمانان ضربه وارد کنند و با تجزیه و اختلاف بین مسلمان‌ها، اهداف استعماری و استثماراری خود را دنبال نمایند»<sup>۵</sup>.

در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ملی‌گرایی بر اساس نگاه و درکی است که ایشان از جایگاه ملی‌گرایی در سده‌های اخیر از سوی محافل استعماری غرب به منزله یک ایدئولوژی برای مقابله با اسلام و سلامت امت اسلامی، مورد توجه قرار گرفته است، این نگرش تصویر منفی از آن را نمایان ساخته و آنچه که در اندیشه امام درباره ملی‌گرایی مورد توجه قرار گرفته، همین وجه از آن است.

ایشان با توجه به واقعیت حاکم و موجود در جوامع اسلامی بیان می‌دارند که ملی‌گرایی ابتدا به عنوان حربه‌ای استعماری برای تجزیه امپراطوری عثمانی مورد استفاده قرار گرفت و نتیجه آن تفرقه و جدایی مسلمان‌ها و سلطه بیگانه بر آن‌ها بود. ملی‌گرایی به اعتقاد امام (ره) از همان ابتدا به عنوان ایدئولوژی غربی در مقابل اسلام و ارزش‌های اسلامی قرار گرفت، لذا مخالف با اساس دین اسلام و دعوت پیام آوران آن بوده است:

۱. حجرت، آیه ۱۳.

۲. مطهری، پیشین.

۳. نقوی، علی محمد، اسلام و ملی‌گرایی، ص ۸.

۴. خدوری، مجید، گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، ص ۱۵.

۵. عطاء الطایبی، نجاج، سیر اندیشه ملی‌گرایی از دیدگاه اسلام و تاریخ، ترجمه عقیقی، بخشایشی، ص ۱۱۰.

«ملی‌گرایی که به این معناست که هر کشوری، هر زبانی بخواهد مقابل کشور دیگر و زبان دیگر بایستد، این آن امری است که اساس دعوت پیغمبرها را به هم می‌زند.»<sup>۱</sup>

از نظر امام، قومیت و ملیت در گذشته یکی از پندارهای جاهلی بشر بوده که همیشه باعث جدایی و تفرقه مردم و مانع وحدت آنان بوده است.<sup>۲</sup> با چنین نگرشی است که حضرت امام در پیام حجشان قومیت و ملیت را توطئه و ترفند دشمنان اسلام برای تفرقه و اختلاف میان امت اسلامی بیان می‌دارند:

«از مسایلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمین طرح و عمل استعمارگران در تبلیغ آن به پا خواسته‌اند، قومیت و ملیت است...»

غافل از آن که حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور مسئله‌ای است که در آن حرفی نیست و ملی‌گرایی در مقابل ملت‌های مسلمان دیگر، مسئله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم (ص) بر خلاف آن است و آن ملی‌گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می‌شود بر خلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حیل‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برند.»<sup>۳</sup>

#### ۴- اختلافات بین شیعیان و سنیان

یکی از عرصه‌های دیگر فتنه‌انگیزی و اختلاف افکنی توسط دشمنان اسلام، بحث شیعه و سنی است که همواره کشمکش‌هایی را در جهان اسلام با خود به همراه داشته است. از این رو امام خمینی (ره) با توجه به پیشینه این بحث و پدیده در جهان اسلام و مضرات آن و سوء استفاده‌هایی که از آن شده همواره امت اسلامی را به دور از اختلافات مذهبی - تشیع و تسنن - به وحدت و اعتصام به حبل الله برای حفظ منافع مسلمین و مقابله با دشمن مشترک تأکید ورزیدند. لذا امام (ره) اختلاف بین شیعه و سنی را از ترفندهای دشمن و برای غارت سرمایه و ذخایر ملی آنان می‌دانند:

«دولت‌های استعمارطلب، دولت‌هایی که می‌خواهند ذخایر مسلمین را ببرند با وسیله‌های مختلف، با نیرنگ‌های متعدد، دول اسلامی را، سران دول اسلامی را، اغفال می‌کنند. گاهی به اسم شیعه و سنی اختلاف ایجاد می‌کنند و...»<sup>۴</sup>

امام (ره) به صورت خاص به دو دسته عناصر که ابزار دست استعمار و صهیونیسم هستند اشاره می‌کند: یک دسته را سران فاسد و مزدور کشورهای اسلامی و دسته‌ای دیگر را عناصر فرهنگی وابسته - که از آنها با عنوان «وعاظ السلاطین» «آخوندهای درباری» «جیره خوار» و «نفاق افکن» یاد می‌کند - می‌داند و می‌فرماید:

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۷۱.

۲. کشف اسرار، ص ۲۶۷.

۳. صحیفه حج، ج ۱، ص ۴۶.

۴. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۷۴.

«طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بی‌خبر آنان از جمله وعاظ السلاطین، که از سلاطین جور سپاهروی‌ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند.»<sup>۱</sup>

از دیدگاه امام(ره) و مقام رهبری، ضرورت‌های انکارناپذیر همانند حفظ مصالح جمعی مسلمین، تمامیت سرزمینی جهان اسلام، سلطه استعمار و تجاوز طلبی بی‌حد و حصر صهیونیسم و وضعیت فلاکت بار کشورهای اسلامی از جمله فلسطین، لبنان، افغانستان و عراق و موقعیت سوق الجیشی جهان اسلام که باعث دست‌درازی و طمع ورزی‌های کشورهای سلطه‌گر، همگی ضرورت همگرایی و اتحاد و اخوت اسلامی را بین شیعیان و سنیان الزامی نموده است این الزامات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و دینی در مرتبه اول و گام نخست مسئولیتی سنگینرا متوجه علما و نخبگان جهان اسلام می‌نماید و بعد متوجه دولت‌های اسلامی و بعد از آن متوجه علما و نخبگان جهان اسلام می‌نماید و بعد متوجه دولت‌های اسلامی می‌نماید و بعد متوجه دولت‌های اسلامی و بعد از آن متوجه ملل اسلامی است که با تمام توان و قوا و امکانات و سرمایه انسانی و اجتماعی خویش به مقابله با اقدامات تفرقه افکنانه و طرد عناصر تفرقه‌انگیز و تقویت همگرایی بر اساس و محوریت و مشترکات که در صدر و اساس آن توحید است، برخیزند.<sup>۲</sup>

## ۵- بحران هویت

امروز جهان اسلام به واسطه برخی چالش‌ها و آسیب‌هایی که با آن روبرو گشته دچار بحران هویت است، تلاش‌هایی که دولت‌های استعماری و دولت‌های دست‌نشانده آنان در جهان اسلام برای گسست هویت تاریخی مسلمانان به کار بستند، کارگر افتاد و امت اسلامی از این آسیب رنج‌ها و آلام زیادی به خود دید. چنانچه مقام معظم رهبری در پیام حجتان بیان می‌دارند:

«به دست گرفتن سرنوشت ملت‌های مسلمان - که هدف استعمارگران، مستقیم و غیر مستقیم، از اواخر قرن هیجدهم میلادی به این طرف بوده - به طور طبیعی ایجاب می‌کرد که احساس غرور و شخصیت ملل مسلمان شکسته شود و آنها از گذشته پرشکوه کاملاً منقطع شوند و بدین گونه فرهنگ و اخلاق خود را رها کرده، آماده پذیرش فرهنگ غرب و تعالیم استعماری شوند. و این حيله، در زمینه کاملاً مساعدی که تسلط حکومت‌های فاسد و مستبد در کشورهای اسلامی فراهم آورده بود، کارگر افتاد و سیل فرهنگ مهاجم غربی و همه مفاهیمی که استعمار رواج آن را در میان ملل مسلمان برای تأمین سلطه سیاسی و اقتصادی خود بر آن ملت‌ها ضروری

۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۲. ر.ک، صحیفه حج، ج ۱ و ۲.



می‌شمرد، به راه افتاد و نتیجه آن شد که در طول دویست سال، کشورهای اسلامی یکسره به سفره گسترده و بی مانع و رادعی برای غارتگران غربی تبدیل شد.<sup>۱</sup>

بنابراین یکی از دغدغه‌ها و اصول اندیشه امام(ره) و مقام رهبری، تذکر این مطلب اساسی به جامعه اسلامی و نخبگان و اندیشمندان جهان اسلام بود که برای برون رفت از این گسست و بحران پیش آمده‌اند اندیشه کنند، اما قبل از ورود به بیان تدابیر و سازکارهای ارائه شده از سوی ایشان، برای برون رفت از بحران هویتی ابتدا لازم است مفهوم بحران هویت به درسی تبیین گردد.

هنگامی که سخن از بحران در مورد پدیده یا شی به میان می‌آید، یعنی پدیده یا شی در آستانه تحمل به بالاترین نقطه ظرفیت خود رسیده است که دو حالت انفجار و تخریب یا برگشت و تعدیل خواهد داشت. اما منظور از بحران هویت، پاسخگو نبودن به کیستی، چیستی و نقش فرد در جامعه است و به تعبیر دیگر به معنی از دست دادن معناداری در حوزه فردی و اجتماعی می‌باشد.<sup>۲</sup>

## نشانه‌های بحران هویت

### ۱- ستیز و چالش علیه میراث فرهنگی

ستیز و چالش علیه میراث فرهنگی نشانه عدم معناداری و بحران هویت در یک جامعه است تخریب آثار باستانی و فرهنگی جامعه تحت - هر عنوان - گویای این است که جامعه دچار بحران شده است.<sup>۳</sup> در جهان اسلام، جهان سلطه به ویژه با به قدرت رساندن فرقه‌ای کج اندیش در عربستان و تقویت آن به تخریب تمام آثار فرهنگی و مذهبی اسلامی در دوشهر مقدس مکه و مدینه پرداختند، که گسست مسلمین را از پیشینه عزتمندان تعقیب می‌کنند و به همین سبب امام خمینی(ره) در پیامی به نماینده وقت شان در حج و زیارت می‌نویسند:

«فرقی بین محمدرضا خان و صدام آمریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در اسلام زدایی و مخالفتشان با قرآن نیست و همه نوکر آمریکا هستند و مأمور خراب کردن مسجد و محراب و مسؤل خاموش نمودن شعله فریاد حق طلبانه ملت‌ها».<sup>۴</sup>

از این رو امام خمینی(ره) وهابیت را خنجر استعمار بر پیکره جهان اسلام می‌دانند و می‌نویسند:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۶۳.

۲. ر.ک، پورفرد، مسعود، مجموعه مقالات، چالش‌های فکری سیاسی، ص ۳۵.

۳. رجایی، فرهنگ، جامعه سالم، ش ۲۴، ص ۱۳۷۴، ص ۱۷.

۴. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۳۱.

«حکومت آل سعود، این وهابی‌های پست بیخبر از خدا بسان خنجرند که همیشه از پشت در قلب مسلمانان فرو رفته‌اند.»<sup>۱</sup>

یکی از فلسفه و اسراری که قرآن کریم از مقام ابراهیم(ع) در کنار کعبه معظمه به عنوان آیات بینات یاد می‌کند در همین امر است. چنانچه حضرت آیت الله جوادی آملی می‌فرماید:<sup>۲</sup>

«یکی از نشانه‌ها و آیات روشن خداوند در مکه، مقام ابراهیم است، چنان که امام صادق(ع) در بیان مراد «بینات» در آیه شریفه «فیه آیات بینات» فرمود «مقام ابراهیم حیث قام علی الحجر فأثرت فیه قدماه، والحجر الاسود و منزل اسماعیل(ع) و مهمتر از همه خود کعبه معظمه نیز وجود با برکتش می‌تواند مبین این هویت تاریخی عزتمند مسلمین باشد.»<sup>۳</sup>

## ۲- گسستگی مسلمین از تاریخ گذشته

یکی دیگر از مسایلی که نشانه بحران هویت در جامعه است، گسست و انقطاع ملت و جامعه‌ای از گذشته تاریخی و فراموش کردن آن می‌باشد. این وضعیت اسف بار در جامعه اسلامی با تبلیغات وسیع و دامنه‌داری صورت گرفت که مسلمانان گذشته با عظمت خویش را فراموش نمایند. چنانچه مقام معظم رهبری یکی از علل عقب ماندگی، ضعف فرهنگی، علمی، اقتصادی و بحران هویت جهان اسلام را همین امر بیان می‌کنند:

«یک نگاه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی کشورهای مسلمان امروز و مشاهده ضعف روحی و مادی آن و مذاقه در نظام‌های سیاسی و وضع دولت‌های اغلب این کشورها که در آن همه چیز حاکی از احساس حقارت و ناتوانی است، روشن می‌سازد که از مهمترین علت‌های این وضع، بیگانگی و بریدگی این کشورها و ملت‌ها از گذشته‌های تاریخی خود و مجد و عظمتی است که از ورای قرن‌ها می‌تواند هر انسان ضعیف و نومید را به حرکت و تلاش امیدوارانه سوق دهد.»<sup>۴</sup>

فراموشی گذشته و مجد و عظمت تاریخی سبب خودگمشتگی و از خود بیگانگی است به همین دلیل امام خمینی(ره) شرط برون رفت از این وضعیت را شناخت خود و خارج شدن از این گمگشتگی تاریخی می‌دانند و استقلال ملی را پیرو آن می‌دانند.

«هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد، مادامی که خودشان را گم کردند و دیگران را جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌تواند پیدا کنند.»<sup>۵</sup>

۱. همان.

۲. صهبای حج، ص ۱۳۹.

۳. کافی، ج ۴، ص ۲۲۳.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۳.

۵. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۸۳.

امام در آسیب شناسی وضعیت موجود جهان اسلام و مشکلاتی که گریبانگیرشان شده به گمگشتگی و فراموشی مفاخر گذشته اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

«ماها الان خودمان را گم کرده‌ایم، مفاخر خودمان را الان گم کرده‌ایم، تا این گم شده پیدا نشود شما مستقل نمی‌شوید، بگردید پیدایش کنید.»<sup>۱</sup>

### ۳- باورمندی به عدم توانمندی و ضعف

یکی دیگر از نشانه‌های بحران اجتماعی، پذیرش عقب ماندگی و ضعف و ناتوانی از سوی ملت‌ها و گروه‌های اجتماعی می‌باشد. این امر در اثر الغائات دشمن متأسفانه این باور در ذهن و جان بسیاری از مسلمانان شکل گرفته است که توان رقابت در عرصه‌های علمی و تولید دانش و علم و اداره امور جامعه خویش را ندارند. امام خمینی (ره) درباره این عامل بحران هویت جامعه اسلامی می‌فرمایند:

«غربی‌ها کوشش کرده‌اند که ما را از خودمان بی خود کنند، ما را میان تهی کنند، به ما این طور بفهماند و فهماندند که خودتان هیچ نیستید و هرچه هست غرب است و باید رو به غرب بایستید.»<sup>۲</sup>  
حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در پیام حجشان، مرعوب شدن نخبگان سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام از قدرت‌های مسلط را از عوامل بحران هویت و مشکلات پیش روی جهان اسلام بیان می‌دارند.

«اکنون به مشکلات بزرگ این مجموعه عظیم - یعنی امت اسلامی - نظر بیفکنیم، مشکلاتی که موجب شده است این واحد پر استعداد، نتواند از آن همه امکانات استثنایی و کارساز بهره ببرد و در نتیجه ملت‌ها و کشورهای اسلامی از قافله دانش بشری عقب، و از ثروت عظیم مادی خود بی بهره و در مسابقه بزرگ فرهنگی جهان، مقهور فرهنگ‌های بیگانه و در عرصه سیاست بین المللی، تابع دیگران و از لحاظ نظامی غالباً در معرض تجاوز و سرکوب قدرت‌های استکباری، بوده باشد. این مشکلات که بیشتر بر اثر کوتاهی و غفلت یا بدکرداری و خیانت از درون امت اسلامی، پدید آمده است، فهرست طولانی را تشکیل می‌دهد که به عنوان ردیف‌های اول آن می‌توان این‌ها را برشمرد:  
.... تسلیم در برابر فرهنگ فاسد غرب و حتی ترویج آن با انگیزه‌های سیاسی یا عقیدتی  
.... مرعوب بودن بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام از قدرت‌های مسلط جهان و امروز مشخصاً آمریکا.»<sup>۱</sup>

۱. همان، ج ۹، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۲۵.

#### ۴- مقهور و مرعوب فرهنگ بیگانه شدن

سالیان زیادی دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌های جمعی و حتی نخبگان غربی کوشیده‌اند به افکار عمومی جهان بقبولانند که نژاد غربی، نژاد برتر و غرب ایده آل جوامع بشری است. و تمام تلاش آنها این بوده است که «ما از خودمان هیچ نداریم و باید همه چیز، علم، تمدن، قانون و پیشرفت را از آنان بگیریم».<sup>۱</sup> یکی از مظاهر مرعوب و مقهور فرهنگ بیگانه در جهان اسلام، اقبال به فرهنگ غرب و پذیرش برتری ارزش‌ها و هنجارهای دنیای غرب می‌باشد که از آن به عنوان غرب زدگی یاد می‌شود. غرب زدگی به عنوان جریانی که همواره تسهیل کننده و زمینه ساز ارزش‌ها و فرهنگ بیگانه و ترجیح یافتن آن بر فرهنگ و ارزش‌های خود بوده و به شدت به تقلید از ظواهر تمدن غربی تمسک جست و تقلیدوار هر آنچه در مغرب زمین بود را برتری داد و مسحور فرهنگ غرب شد که در تخریب هویت جمعی نقش مؤثری داشته است. چنانچه یکی از صاحب نظران می‌نویسند:

«منور الفکران در معرض تفکر غرب قرار گرفته بودند و تفکر غرب بر آنها عارض شده بود. با فقدان تحلیل فلسفی از انسان و ماهیت دوران جدید، طبعاً آن چیزی که در بدایت و نهایت ذهن این منور الفکران را خیره می‌کرد، مدرنیسم بود. مدرنیسم فی الواقع مسحور شدن در برابر ظواهر فرهنگ و تمدن غرب، بدون درک مبانی وجودی آن است. همین امر باعث می‌گردد که تأمل در وجود و ماهیت غرب هرگز شکل نگیرد و سطوح و ظواهر اذهان را به خود مشغول دارد.

غفلت از تأمل در مبانی تجدد یا همان مدرنیته، منور الفکران را به سوی تقلید سوق می‌داد. آنها هرگز درصدد تأسیس تفکر برنیامدند و هرگز به این مقوله نیندیشیدند که چگونه می‌توان اندیشه‌ای را تأسیس کرد که ضمن پاسخ گفتن به معضلات جدید، ضامن بقای هویت فرهنگی جامعه باشد».<sup>۲</sup>

در رویکرد غرب گرایانه، تنها راه نجات در تقلید از شیوه توسعه فرهنگی نهفته است. چنانچه بانیان و پیشقراولان این جریان همانند ملکم خان در ایران به صراحت می‌نویسد:

«دولی که در آیین ترقی عقب مانده‌اند و محتاج سرمشق خارجه هستند باید وزارت خارجه را به قدر امکان وسعت و رونق بدهند. انوار فرنگ مثل سیل به ممالک اطراف هجوم دارند، هر قدر که ممر این سیل زیادتز باز نماییم از فیض ترقی یورپ بیشتر بهره خواهیم... بقای این به اخذ ترقیات فرنگستان شده...».<sup>۳</sup>

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۵.

۳. آبادیان، حسین، رویارویی فرهنگ ایران و غرب در دوره معاصر، ص ۱۰۸.

۴. میرزا ملکم خان ناظم الدوله، مجموعه آثار، تدوین و تنظیم محیط طباطبایی، ص ۸۵.

امام خمینی (ره) با وقوف بر پیشینه جریان غرب زدگی و منور الفکران وابسته به ابرقدرت‌ها و نقش آنان در نسخ هویت ملی و اسلامی در کشورهای اسلامی در پیام حج می‌نویسند:

«از جمله مسایلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ گونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی‌دهد و آنان را به حال رکود و عقب افتادگی نگاه می‌دارد، تبلیغات همه جانبه‌ای است که غربزدگان و شرقزدگان، یا به امر ابرقدرت‌ها، یا با کوتاه نظری خود، در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته‌اند و می‌اندازند. و آن است که علم و تمدن و پیشرفت مختص به دو جناح امپریالیسم و کمونیسم است و آنان، خصوصاً غربی‌ها و اخیراً آمریکایی‌ها نژاد برتر هستند، و دیگران نژاد پست و ناقص هستند و ترقی آنان در اثر والاتزادی آنان است، و عقب افتادگی اینان در اثر نقص نژادی است! و به تعبیر دیگر، آنان انسان‌های تکامل یافته هستند و اینان در حال تکامل، که پس از میلیون‌ها سال به تکامل نسبی می‌رسند، پس، کوشش برای پیشرفت بی فایده است. و آزادگان یا باید وابسته به سرمایه‌داری غرب باشند و یا کمونیسم شرق. و به بیان دیگر، ما از خود هیچ نداریم، و باید همه چیز را از ابرقدرت‌های غرب یا شرق بگیریم: علم را، تمدن را، قانون را و پیشرفت را و شما امروز سیاه ما را می‌بینید که در اثر این تفکر که بر ما تحمیل کرده‌اند هر چیز، ... دانشگاه‌های ما به دست یک مشت غربزده خود باخته یا مزدور اداره می‌شد و دانشمندان متعهد در اقلیت بودند، و قدرت را از آنان سلب کرده بودند و آن دسته اکثریت غربزده جوانان را عاشق غرب می‌کردند و فوج فوج به خارج می‌فرستادند و در خارج دست استعمار کار خود را می‌کرد و جوانان را در حدی که مطلوب استعمارگران بود نگاه می‌داشتند، و با افکار غربی و غیر اسلامی و غیر ملی به کشور باز می‌گرداندند و این فاجعه قرن اخیر برای ممالک اسلامی و اشباه آنها بود و حدیث مفصل را از این مجمل باید خواند.»<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری نیز درباره این عامل مهم در بحران هویت مسلمانان در پیام حجشان بیان می‌دارند:

«دشمن مستکبر که بیداری امت اسلامی، تهدید کننده مطامع و منافع نامشروع اوست، مهمترین سلاحی که در برابر موج فزاینده در دست دارد، سلاح روانی است: نومید سازی، تحقیر هویت، به رخ کشیدن قدرت و تمدن مادی خویش، امروز و در آینده هزاران ابزار تبلیغی به کار افتاده و خواهد افتاد که مسلمانان را از آینده درخشان نومید و یا به آینده‌ای که منطبق با نیات پلید خود آنان است ترغیب کنند. این جنگ فرهنگی و روانی از آغاز دوران استعمار تاکنون، کاری‌ترین ابزار غرب در سلطه‌گری‌اش بر کشورهای اسلامی بوده است. آماج این تیر زهر آلود، نخست نخبگان و روشنفکران و سپس توده مردم‌اند.»<sup>۲</sup>

## ۵- دور شدن از مبانی و منابع هویت ساز

یکی از زمینه‌ها و علل بحران هویت در جوامع، دور شدن مردم و جامعه از منابع هویت سازشان می‌باشد. منابع ارزشی و مولد فرهنگ در جامعه اند. در جهان اسلام و برای امت اسلامی، اسلام، قرآن کریم و سنت و سیره پیامبر

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۷۷ - ۲۷۸.

اعظم و پیشوایان راستاز منابع زایش و تولید ارزش های فردی و اجتماعی اند. قرآن کریم با تأکید بر تفکر و تعقل و خودشناسی، مهمترین عامل در ایجاد هویت و معنا داری زندگی فردی و جمعی مسلمانان می باشد این ویژگی محتوایی و غنای فکری و معنوی و حیاتی قرآن کریم است که گوته دانشمند مشهور و شاعر و عارف آلمانی درباره قرآن کریم می نویسد:

«ما را از اعجاب تحسین آمیز سرشار و نهایتاً به تعظیم و تکریم مجبور می سازد»<sup>۱</sup>

قرآن کریم پیامبر اسلام و انبیای الهی را به عنوان اسوه و الگوی مسلمانان در عرصه های مختلف حیات فردی و جمعی معرفی می کنند و در نهایت اسلام را به عنوان دینی کامل به عنوان منبع و حیانی به عنوان راهبران صادق انسان برای نیل به کمال و تعالی متکی به منبع و حیانی معرفی می کنند.<sup>۲</sup> در بین ادیان موجود، دین اسلام به لحاظ داشتن اصول و مبانی متقن و تاریخ مشخص و روشن، در آفرینش تمدن، نقش فوق العاده ای ایفا کرده است و کتاب های مختلفی که در زمینه تمدن اسلامی به نگارش در آمده است، بر آن گواهی می دهد.<sup>۳</sup>

با این حال، با تأسف باید بیان کرد که مسلمانان با دور شدن از منابع و امکانات و موهبت های بزرگ الهی، نه تنها دستشان از دامن هدایت و معنویت این مخازن غنی کوتاه گشته است، به بحران و تحیر و سرگشتگی فرهنگی و هویتی نیز دچار شدند، از این رو امام خمینی (ره) دوری مسلمانان از اسلام و قرآن، را منشأ خود باختگی و زمینه رخنه ی فرهنگ استعماری به عنوان امالامراض و از عمده معضلات جهان اسلام می داند.

«... آنچه می توان گفت امالامراض است رواج روز افزون فرهنگ اجنبی استعماری است که در سالهای بسی طولانی جوانان ما را با افکار مسموم پرورش داده و عمال داخلی استعمار زده حاصل نمی شود. باید کوشش کنید مفساد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملتها برسانید و با خواست خدای متعال آن را عقب زده، به جای آن فرهنگ اسلامی، انسانی را جایگزین کنید تا سالهای آینده با روش آنکه انسان سازی و عدل پروری است، تربیت شوند.»<sup>۴</sup>

از این رو امام خمینی (ره) راه برون رفت از این بحران هویت را بازگشت به اسلام می داند:

«باید فداکاری کنید در ارجاع مجدد عظمت اسلام که مهمش عظمت معنوی آن است تا در پناه حکومت عدل

الهی همه طبقات در رفاه و آسایش زندگی کنند.»<sup>۵</sup>

امام خمینی (ره) گردن نهادن، فرامین قرآن را برون رفت از بحران هویت می دانند و به حجاج توصیه می کنند:

۱. به نقل، رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، ص ۳۲۲.

۲. ر.ک، آیات ۱۵۱ و ۲۱۳ بقره، و ۱۰ حجرات.

۳. ر.ک، تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان و رک: تمدن اسلام و عرب، گوستا ولوبون فرانسوی، ترجمه فخر داعی گیلانی.

۴. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۴۶.

۵. همان، ص ۳۴۷.

«لازم است زایران محترم بیت الله الحرام از هر ملت و مذهبی که هستند به فرامین قرآن کریم گردن نهند. و در مقابل سیل شیطانی بنیانکن اسلام زدایی شرق و غرب و وابستگان بی اراده آنان، دست اخوت اسلامی به هم دهند و به آیات شریف الهی که آنان را به اعتصام به حبل الله فراخوانده و از تفرقه و اختلاف تحذیر و نهی فرموده است، توجه کنند.»

امام (ره) یکی از مسئولیت‌های عالمان دینی و نخبگان جهان اسلام را آگاه نمودن مسلمانان در موسم حج به معارف و اسرار و ابعاد مختلف قرآن کریم می‌داند و قرآن را به عنوان منبع و سرچشمه فرهنگ و معارف و اخلاق و رستگاری جامعه اسلامی معرفی می‌کند:

«از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بُعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را بر آورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی نظامی، فرهنگی، و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است.»<sup>۱</sup>

مع‌الأسف با برخورداری از چنین توان و نعمت‌هایی برای هویت‌سازی و رفع بحران‌های معنوی و اجتماعی، جوامع اسلامی با دور افتادن از اسلام و قرآن کریم امروز با معضلات عدیده‌ای مواجه گشته است.»

«...مع‌الأسف، ما مسلمانان که از اسلام دور افتاده‌ایم و از حقایق اسلامی منزوی شده‌ایم در این فکر ابداً نیستیم که، اولاً کسانی که می‌توانند، بروند مشرف شوند در خانه خدا و کسانی که اصحاب تفکر هستند، نویسنده هستند، در آن محیط مجتمع بشوند... باید در آنجا مشکلات را بکنند بر مشکلات افزوده می‌شود. مشکلات مسلمین زیاد است، لکن مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته‌اند و تحت لوای دیگران در آمده‌اند.»<sup>۲</sup>

رهبری معظم انقلاب نیز یکی از مشکلات بزرگ جامعه اسلامی در دور شدن مسلمین از اسلام می‌داند تنها و جامع‌ترین راه درمان جامعه اسلامی را در بازگشت مسلمین به اسلام می‌داند.<sup>۳</sup>

بنابر این از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بحران هویت در امت اسلامی ناشی از دور شدن مسلمین از قرآن و اسلام به عنوان منبع اصلی زایش هویت فردی و جمعی مسلمین و گسست آنان از پیشینه عزت‌مند تاریخ و مرعوب استعمار و فرهنگ غرب تحت تأثیر تبلیغات روانی دشمنان و عمال آنان می‌داند و برای برون رفت از آنها را ارائه ساز و کارها همواره مسلمانان به ویژه علما و نخبگان جهان اسلام را به اندیشه در اتخاذ تدابیر بخصوص در کنگره عظیم حج فراخواندند.

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲. همان.

۳. صحیفه حج، ج ۱، ص ۵۵ - ۵۶.

۴. ر.ک، همان، ج ۲، ص ۱۰۵.

## فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم- ترجمه حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی
- ۲- صحیفه امام، (مجموعه آثار امام خمینی(ره))، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۳- صحیفه نور(مجموعه آثار امام خمینی(ره))، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
- ۴- صحیفه حج، ج ۱، (مجموعه سخنان و پیامهای امام خمینی(ره) در خصوص حج)، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۲.
- ۵- کشف الاسرار، امام خمینی(ره)، انتشارات آزادی، قم، بی تا.
- ۶- شرح حدیث جنود عقل و جهل، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران ۱۳۷۷.
- ۷- تفسیر سوره حمد، امام خمینی(ره) انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۰ قمری.
- ۸- شرح چهل حدیث، امام خمینی(ره) موسسه نشر و تنظیم، چاپ ششم تهران، ۱۳۷۴.
- ۹- آداب الصلوه، امام خمینی(ره) با تصحیح سید احمد فهری.
- ۱۰- شرح دعای سحر، امام خمینی(ره) ترجمه سیداحمد فهری، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۱- ولایت فقیه، امام خمینی(ره)، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی(ره)، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۲- المکاسب المحرمه، ج ۲، امام خمینی(ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، قم ۱۳۷۲.
- ۱۳- آیین انقلاب اسلامی، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۴- تعلیقات بر شرح فصوص الحکم، امام خمینی، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی(ره)، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۵- صحیفه حج، ج ۲، (مجموعه سخنان و پیامهای مقام معظم رهبری در خصوص حج)، نشر مشعر، ۱۳۸۲.
- ۱۶- حدیث ولایت، (مجموعه سخنان و پیامهای مقام معظم رهبری)، نشر غدیر، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۷- خودآگاهی، برهان غلیون، ترجمه مهدی خلجی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، بی تا.
- ۱۸- مجموعه مقالات، ج ۲، چالش‌های فکری- مسعود پورفرد، نشر معارف، قم، ۱۳۸۵.
- ۱۹- جوان و بحران هویت، محمدرضا شرفی.....؟
- ۲۰- معرکه جهان بینی و خردمندی سیاسی، رجایی فرهنگ، نشر نی، تهران .....؟
- ۲۱- انقلاب اسلامی، پرسشها و چالش‌های فراروی آن، مسعود پورفرد، نشر معارف، قم، ۱۳۸۶.
- ۲۲- رویارویی فرهنگ ایران و غرب در دوره معاصر، حسین آبادیان، نشر مرکز انتشارات، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲۳- توسعه و تضاد، (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران) فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
- ۲۴- تفسیر المیزان، سیدمحمدحسین طباطبایی، ترجمه جمعی از دانشمندان، (دوره ۲۰جلدی) بنیاد علمی و فکری، علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۶.



- ۲۵- جامعه و تاریخ، آیت الله مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران بی تا.
- ۲۶- گرایش های سیاسی در جهان عرب، مجید خدوری، ترجمه عبدالرحمن عالم، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۷- سیر اندیشه ملی گرایی از دیدگاه اسلام و تاریخ، نجاح، عطا الطایبی، ترجمه عقیقی بخشایشی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
- ۲۸- اسلام و ملی گرایی، محمدعلی نقوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران .....؟
- ۲۹- اصول الکافی، محمدبن یعقوب، کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
- ۳۰- تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم، حسین بشیریه، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۳۱- تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، فرهنگ رجایی، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۲.
- ۳۲- اجتهاد و زمان و مکان، ج ۳، نظریه اندیشه مدون در اسلام، مهدی هادوی، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۳۳- انتظار بشر از دین، آیت الله عبدالله جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰.
- ۳۴- جرعه آبی از صهبای حج، آیت الله عبدالله جوادی آملی، نشر مشعر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴.
- ۳۵- امت و ملت در اندیشه امام خمینی (ره)، علی محمد بابایی زارچ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
- ۳۶- مقالات منتخب، همایش چهره های درخشان عرفان، (بزرگداشت سیدالعرفا، آیت الله سیدعلی قاضی طباطبایی (ره))، بسیج دانشجویی، دانشگاه صنعت آب و برق (دبیرخانه همایش)، تهران، ۱۳۸۲.
- ۳۷- اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، یحیی فوزی، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۴.
- ۳۸- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه خسروشاهی، انتشارات امیرکبیر، تهران، بی تا.؟؟
- ۳۹- تمدن اسلام و عرب، گوستاولوبون فرانسوی، ترجمه فخر داعی گیلانی، انتشارات امیرکبیر، تهران، بی تا.؟
- ۴۰- مجموعه آثار میرزا ملکم خان ناظم الدوله، تدوین و تنظیم محیط طباطبایی.....؟
- ۴۱- جامعه شناسی علم، علی محمد کاردان....؟
- ۴۲- بحران هویت، حسین سیف زاده، روزنامه خراسان، ۸۷/۵/۳۰.
- ۴۳- نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات، سال ششم، ش ۲۲ و ۲۳، سال ۱۳۸۳.
- ۴۴- ماهنامه حدیث زندگی، سال سوم، شماره ۲، سال ۱۳۸۲.
- ۴۵- جامعه سالم، شماره ۲۴، سال ۱۳۷۴، فرهنگ رجایی.